

نماز مسافر

تحقیقی تازه در مورد مسافت شرعی با موازین فقه استدلالی



محسن کدیور

۲۲ تیر ۱۳۹۸

۱. رساله نماز مسافر: تحقیقی درباره مسافت شرعی

مقدمه..... ۵

مقام اول: دوره امکان تقارب دو مینا یا دوران قدیم

بخش اول: مروری بر آراء فقها..... ۸

قول اول: موضوع سفر شرعی هشت فرسخ است..... ۹

طیف اول: عدم اشاره به مینای زمانی..... ۹

طیف دوم: ذکر هر دو مینا، تلویحا مسافت تقدیری..... ۱۰

طیف سوم: موضوعیت مسافت تقدیری، مینای زمانی اماره آن..... ۱۱

قول دوم: موضوع سفر شرعی دو معرف در عرض هم دارد..... ۱۵

آراء فقهای قرون نهم و دهم..... ۱۵

آراء فقهای قرون یازدهم و دوازدهم..... ۱۶

آراء فقهای قرن سیزدهم..... ۱۹

قول سوم: موضوع حکم مسیر یک روز، هشت فرسخ اماره آن..... ۲۴

اول: نقلی از ابن جنید..... ۲۴

دوم: محقق حلی در معتبر..... ۲۵

سوم: شهید ثانی در روض الجنان..... ۲۸

چهارم: محقق سبزواری در ذخیره..... ۳۲

پنجم: محقق اصفهانی صاحب نهایة الدراية..... ۳۳

جمع بندی بخش اول..... ۳۷

بخش دوم: مروری بر روایات بحث..... ۳۹

دسته اول: روایات تقدیر مسافت..... ۴۰

دسته دوم: روایات مسیر یک روز..... ۴۰

دسته سوم: روایات جامع..... ۴۱

جمع بندی بخش دوم..... ۴۳

بخش سوم: نقد و بررسی مینای زمانی و مسافت تقدیری..... ۴۵

مبحث اول: تحلیل انتقادی مینای زمانی..... ۴۶

۴۶..... بحث اول. نقدهای مبنای زمانی

۴۷..... بحث دوم. بررسی نقدهای مبنای زمانی

۵۱..... جمع بندی مبحث اول

۵۳..... مبحث دوم. تحلیل انتقادی مسافت تقدیری

۵۴..... اشکال اول: اختلاف فاحش در محاسبه مسافت تقدیری

۵۷..... اشکال دوم: مرجع برخی موازین مسافت تقدیری همان مسیر یک روز است!

۵۸..... جمع بندی مبحث دوم

۵۹..... جمع بندی بخش سوم

مقام دوم. دوره تفاوت فاحش دو معرف یا دوران جدید

۶۱..... بخش چهارم. پیشینه بحث در دوران جدید

۶۲..... مبحث اول. مسافت تقدیری در دوران جدید

۶۳..... بحث اول. در منابع غیرفقهی

۶۵..... بحث دوم. در منابع فقهی اهل سنت

۶۶..... بحث سوم. در منابع فقهی شیعه

۶۷..... جمع بندی مبحث اول

۶۸..... مبحث دوم. مسیر یک روز در دوران جدید

۷۰..... بحث اول. نماز مسافر با وسائل امروزی

۷۵..... بحث دوم. نگرشی جدید بر نماز و روز مسافران

۷۸..... بحث سوم. حکم نماز و روزه مسافر در عصر جدید

۸۱..... جمع بندی مبحث دوم

۸۲..... جمع بندی بخش چهارم

۸۵..... بخش پنجم. قول مختار

۸۵..... مبحث اول. تبیین سفر شرعی

۸۵..... بحث اول. نظر مقدماتی

۸۶..... بحث دوم. رئوس احکام نماز مسافر

۸۹..... مبحث دوم. ادله قول مختار

۸۹..... بحث اول. بحث روایی

۹۰..... دسته اول روایات: صریح در موضوعیت مسیر یک روز

۹۲..... دسته دوم: روایات تخییر بین دو مبنا

- دسته سوم روایات: روایات تقدیر مسافت ۹۳
- بحث دوم. استدلال عقلی نقلی ۹۴
- دلیل اول: تحول اساسی موضوع سفر ۹۵
- دلیل دوم. مسیر سفر یک روزه با مرکب هر زمان ۹۶
- نتیجه ۹۷
- مبحث سوم. تحلیل اجزای مسئله ۹۷
- بحث اول. مراد از روز ۹۸
- بحث دوم. وسیله نقلیه و سرعت آن ۱۰۱
- بحث سوم. تعیین مبدء و منتهای سفر ۱۰۵
- بحث چهارم. تحقق مسافت شرعی با ملاک کوتاه‌هر و زودتر ۱۰۸
- بحث پنجم. مسافت شرعی در سفرهای دریایی ۱۰۹
- بحث ششم. مسافت شرعی در سفرهای هوایی ۱۱۱

۲. نماز و روزه مسافر: رخصت یا عزیمت؟ (بحث استدلالی)

- الف. مروری بر آراء مذاهب اسلامی در باب رخصت و عزیمت قصر نماز و روزه مسافر ۱۱۵
- ب. تحلیل ادله ۱۱۶

۳. چند مسئله مختصر

- وطن شرعی ۱۱۹
- اقامت ده روزه ۱۱۹
- کثیرالسفر ۱۱۹
- نماز در هواپیما و فرودگاه ۱۲۰

۱. رساله نماز مسافر: تحقیقی درباره مسافت شرعی

رساله نماز مسافر که حاوی تحقیق در مورد یک مسئله مهم یعنی ملاک دائمی سفر یا حداقل مسافت لازم برای تحقق سفر شرعی است به دلیل کثرت ابتلا و فراوانی پرسش به شیوه تحلیلی و استدلالی در یک مقدمه، دو مقام و پنج بخش عرضه می شود. از انتقادات اهل نظر استقبال می کنم.

مقدمه

الف. سفر امری عرفی است، اما شارع می تواند بر موضوع برخی احکام خود در ارتباط با سفر قیودی برای تحقق سفر مورد نظرش بگذارد. سفر عرفی به همراه این قیود شرعی موضوع احکام نماز و روزه مسافر هستند. موضوع سفر شرعی از موضوعات مستنبطه محسوب می شود و شامل دو جزء عرفی سفر و قیود شرعی آن می شود. ب. در سفر شرعی حداقل پنج قید به چشم می خورد: حداقل مسافت برای تحقق سفر شرعی، مبدء و منتهای سفر شرعی، حداقل مدت اقامت در یک مکان برای جاری نشدن احکام سفر شرعی، وطن شرعی، افرادی که در سفر حکم مسافر شرعی را ندارند.

پ. در برخی جزئیات قید اول (حداقل مسافت برای تحقق سفر شرعی) توجه به وسایل نقلیه و ترابری قدیم و جدید مدخلیت فراوان دارد.

ت. در قرآن کریم تنها ضرورت شکستن نماز مسافر (بنا به نظر مشهور) و عدم جواز (یا حداقل عدم وجوب) روزه مسافر مورد بحث قرار گرفته است. نظر دیگر (قول مختار) این است که قرآن کریم به نماز خوف پرداخته، اما نماز مسافر را مورد بحث قرار نداده است. منبع اصلی قیود شرعی سفر روایات فراوان به جا مانده از

پیامبر و ائمه است. در بسیاری از این قیود، روایات مفاد متفاوتی دارند. لذا فتاوی مذاهب مختلف در بسیاری قیود اصلی متفاوت است. حتی در یک مذهب هم در برخی قیود، آراء یکسانی مشاهده نمی شود.

ث. در این مجال بعد از اشاره اجمالی به آراء مذاهب چهارگانه اهل سنت، آراء فقهای شیعه جعفری به تفصیل مورد بررسی و دسته بندی قرار می گیرد. سپس ادله رای مختار ارائه می شود.

ج. در قید اول یعنی حداقل مسافت برای تحقق سفر شرعی آراء ائمه اهل سنت عبارتند از: ابوحنیفه: سه شبانه روز؛ شافعی، مالک و احمد بن حنبل: دو شبانه روز یا ۴۸ میل هاشمی یا ۴ برید (۱۶ فرسخ).

چ. در فقه شیعه جعفری موضوع سفر شرعی یا مسافت از دو حالت بیرون نیست: تقدیر مسافت به شکل طولی مکانی معادل ۸ فرسخ (دو برید، ۴۴ میل یا ۹۶ هزار ذراع) رفت و برگشت؛ تقدیر زمانی سفر یک روز در سفر نوعی (ملاک خصوصیات شخصی مسافر، وسیله نقلیه و سرعت سفر او نیست) با وسیله نقلیه معتدل (قافله شتر) در روز معتدل در جاده معتدل با سرعت معتدل (مسیره یوم، شغل یوم، بیاض یوم) رفت و برگشت با احتساب زمان استراحت متعارف.

د. این دو معرف موضوع تا قبل از اختراع وسایل نقلیه موتوری در خشکی و دریا بسیار به هم نزدیک بوده اند، اما با وسایل نقلیه موتوری چه در سفرهای زمینی و دریایی و خصوصا هوایی معرف اول با معرف دوم تفاوت فاحشی دارد. محل نزاع دقیقا در این است که أولا تلقی فقها قبل از وسایل نقلیه موتوری از نسبت این دو معرف چه بوده و ثانيا بعد از آن یعنی امروز معرف موجه سفر شرعی چیست؟ واضح است که کلیه روایات در سه قرن اول هجری صادر شده اند یعنی زمانی که وسایل نقلیه غیرموتوری رایج بوده و سفر با این وسایل صورت می گرفته است: پیاده، سوار بر حیوان (شتر، اسب، گاو، الاغ، قاطر) منفردا یا با قافله، با قایق یا کشتی (با پارو یا بادبان).

بنابراین در دو مقام باید بحث کرد: مقام اول امکان تقارب دو مینا یا دوران قدیم، مقام دوم تفاوت فاحش دو مینا یا دوران جدید.

مقام اول: دوره امکان تقارب دو مینا یا دوران قدیم



دوران قدیم تا اواسط قرن چهاردهم هجری قمری (تا حوالی سال ۱۳۰۰ هجری شمسی) را در برمی گیرد. در این دوران طولانی وسیله نقلیه حیوان بوده و دو مینای مسافت تقدیری (هشت فرسخ) با تقدیر زمانی (مسیر یک روز یا اشتغال یک روز به سفر) امکان تقارب داشته و می توانسته اند بر هم منطبق باشند. این مقام شامل سه بخش به شرح زیر است: مروری بر آراء فقها، مروری بر روایات بحث، و نقد و بررسی مینای زمانی و مسافت تقدیری.

بخش اول: مروری بر آراء فقها

در این مقام در فقه جعفری مجموعاً سه قول درباره موضوع حکم سفر شرعی به چشم می خورد.

قول اول. موضوع سفر شرعی هشت فرسخ است. این قول طیفی را تشکیل می دهد:

یک. موضوع سفر شرعی هشت فرسخ است مطلقاً بدون کمترین مدخلیت معرف زمانی.

دو. موضوع سفر شرعی هشت فرسخ و مسیر یک روز است، این دو معرف به امر واحدی برمی گردند.

احتمال اختلاف دو معرف به ابهام و اجمال برگزار شده است. هرچند اولویت ضمنی با هشت فرسخ است.

سه. دو معرف با هم مقایسه شده اند، و تقدیر طولی مکانی یعنی هشت فرسخ به عنوان موضوع سفر شرعی

ترجیح داده شده، یا موضوع تقدیر طولی مکانی است و تقدیر زمانی اماره و نشانه آن است.

قول دوم. سفر شرعی دو معرف دارد: تقدیر طولی مکانی یعنی هشت فرسخ و تقدیر زمانی یعنی روشنایی یک

روز. هر کدام اول احراز شود سفر شرعی محقق شده، یا با اختیار مسافر یکی از آن دو انتخاب می شود، یا هر کدام

کمتر بود، با تعابیر مختلف.

قول سوم. در مقایسه دو معرف سفر شرعی تقدم با تقدیر زمانی یعنی روشنایی یک روز است. به بیان دقیق تر

تمام موضوع سفر شرعی مسیر یک روز است، و مسافت طولی مکانی هشت فرسخ اماره و نشانه آن بوده است.

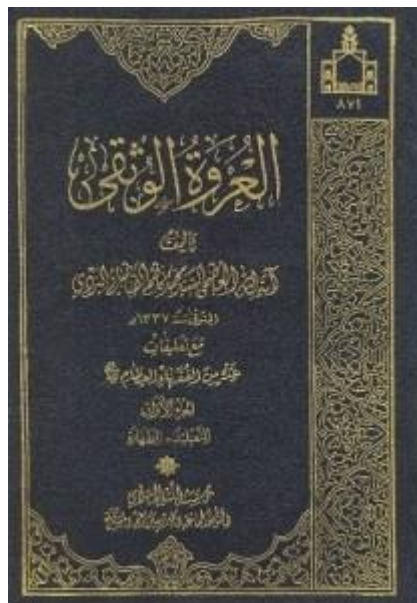
قائلان هر سه قول بزرگترین فقهای امامیه هستند. حتی گاهی یک فقیه در کتابهای مختلفش بیش از یک

قول دارد. قول اول قول اکثریت بزرگی از فقهای امامیه چه در گذشته از قرن چهارم و چه در حال در قرن پانزدهم

است. قول دوم از قرن نهم تا سیزدهم حداقل ده قائل شاخص دارد. از قرن هفتم حداقل پنج فقیه تراز اول قائل

به قول سوم بوده اند. در هر قول به تدریج تعابیر فقهی فنی تر، دقیق تر و روشن تر بیان شده اند. در این بخش کلیه

فقه‌های قائل هر قول معرفی شده عبارات مرتبط مهم‌ترین قائلان طیف‌های سه‌گانه قول اول و چکیده آراء قول دوم و سوم را به طور کامل نقل و تحلیل انتقادی می‌شود.



قول اول. موضوع سفر شرعی هشت فرسخ است

حداقل بیست و سه نفر از شاخص‌ترین فقها به این قول قائلند و می‌توان اقوالشان را در سه طیف دسته‌بندی کرد.

طیف اول: عدم اشاره به مبنای زمانی

فقه‌های طیف نخست موضوع حکم سفر شرعی را صرفاً هشت فرسخ ذکر کرده‌اند و معرف دیگر را شایسته ذکر نیافته‌اند. از جمله: فقه‌الرضا، ابن ابی عقیل عمانی (به نقل مختلف)، شیخ مفید در مقنعة، سید مرتضی در انتصار، شیخ طوسی در نه‌ایة و خلاف، ابن ادریس در سرائر، علامه در مختلف، شهید اول در دروس، صیمیری

در منتخب الخلاف، کرکی در جامع المقاصد، کاشف اللثام، کاشف الغطاء، سید یزدی در العروة الوثقی، و سید حکیم در المستمسک. رأی دو نفر از این فقها از متقدم و متأخر را نقل می‌کنم.

الف. شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (۳۸۵-۴۶۰) در النهاية فی مجرد الفقه والفتوا: «التقصیر واجب فی السفر، إذا كانت المسافة ثمانية فراسخ، فإن كانت المسافة أربعة فراسخ، وأراد الرجوع من یومه، وجب أيضا التقصیر. فإن لم یرد الرجوع، فهو بالخیار فی التقصیر والایتمام.» نهاییه کتاب فتوای شیخ طوسی است. وی در این عبارت ملاک سفر شرعی را منحصر به هشت فرسخ ذکر کرده و به معرف دیگر کلا نپرداخته است.

ب. سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (۱۲۴۷-۱۳۳۷) در کتاب العروة الوثقی نوشته است: «[الشرط] الأول: المسافة وهي ثمانية فراسخ امتدادية ذهابا أو إيابا أو ملفقة من الذهاب والإیاب إذا كان الذهاب أربعة أو أزيد بل مطلقا على الأقوى وإن كان الذهاب فرسخا والإیاب سبعة، وإن كان الأحوط فی صورة كون الذهاب أقل من أربعة مع كون المجموع ثمانية الجمع والأقوى عدم اعتبار كون الذهاب والإیاب فی یوم واحد أو ليلة واحدة أو فی الملفق منهما مع اتصال إیابه بذهابه وعدم قطعه بمییت ليلة فصاعدا فی الأثناء، بل إذا كان من قصده الذهاب والإیاب ولو بعد تسعة أيام يجب علیه القصر....» عروة مهمترین کتاب فتوای در فقه شیعه در سده اخیر است. فتوای فوق که صریح در انحصار موضوع سفر شرعی در هشت فرسخ است قول غالب قاطبه مراجع تقلید و فقهای بعد از سید یزدی تا کنون است. جزئیات میکروسکپی که وی در این مسئله مطرح کرده فعلا محط بحث نیست.

طیف دوم: ذکر هر دو مبنا، تلویحا مسافت تقدیری

فقهای این طیف در تعریف سفر شرعی «هشت فرسخ و مسیری یک روز» را با هم ذکر کرده و به هشت فرسخ اکتفا نکرده اند. تلقی فقهای این طیف این است که اینها تعابیر مختلف از امر واحدی هستند. حداقل احتمال اختلاف دو معرف را به ابهام یا اجمال یا سکوت برگزار کرده اند، هرچند تلویحا و ضمنا هشت فرسخ ملاک

عملی قرار گرفته است. شیخ صدوق در مقنع، محقق حلّی در شرایع، علامه حلّی در منتهی وسید علی طباطبائی در ریاض را می‌توان در زمره این طیف دانست. از شاخص‌ترین قائل این قول عبارتی نقل می‌کنم.

محقق حلّی جعفر بن حسن (۶۰۲-۶۷۶) در شرایع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام: «اعتبار المسافة، وهي مسيرة يوم بریدان، أربعة وعشرون ميلاً...» شرایع مهم‌ترین کتاب فقه شیعی تا کنون است. او در تعریف مسافت با «مسیر یک روز» آغاز کرده، هرچند بلافاصله معرف دیگر را هم آورده است. نظر محقق حلّی در کتاب استدلالیش معتبر در ضمن قول سوم خواهد آمد.

طیف سوم: موضوعیت مسافت تقدیری، مبنای زمانی اماره آن

در استنباط فقهای این طیف هر دو معرف مسافت شرعی در روایات بررسی شده، و در نهایت تقدیر هشت فرسخ بر مسیر یک روز مقدم دانسته شده است. به تعبیر دقیق‌تر از منظر ایشان موضوع حکم شرعی تقدیر هشت فرسخ است و مسیر یک روز اماره و نشانه آن. آراء پنج نفر از فقهای قائل این قول را نقل و تحلیل و به نام بقیه اشاره می‌کنم.

اول. نخستین بار سید محمد عاملی در مدارک نخستین قائل این طیف را شهید اول در کتاب ذکری معرفی کرد: «وربما لاح من كلام الشهيد في الذکری تقديم التقدير». شهید اول در ذکری ابتدا به اخبار صحیحی اشاره کرده که مسافت شرعی را به «هشت فرسخ یا مسیر یک روز» تقدیر کرده اند، اما در تفسیر شرط سوم یعنی مسافت تنها هشت فرسخ با جزئیاتش را ذکر کرده و به معرف دیگر نپرداخته است. سپس محاسبه مسافت با ذرع را معتبر دانسته و نوشته است: «ولو لم يتفق ذلك، فالظاهر أن مسیر يوم كاف في الأرض المعتدلة والسفر المعتدل، لنطق الاخبار به وعسر المساحة». یعنی زمانی سراغ مسیر یک روز رفته که محاسبه با معرف اول ولو با

ذرع میسر نباشد. چه بسا صاحب مدارک از این قرائن نتیجه گرفته که شهید اول تقدیر را بر مسیر یک روزمقدم دانسته است.

دوم. این برداشت مورد توجه فقهای بعدی قرار گرفت، از جمله شیخ مرتضی انصاری (۱۲۸۱م) در کتاب الصلاة «وما عن الذکری لا یخلوا عن قوة لان التقدير اضبط، فیمکن ان یکون نقصان التقدير کاشفا عن اختلال في اعتدال المسیر من بعض الجهات بخلاف العکس». شیخ انصاری معرف هشت فرسخ از مسیر یک روز را منضبط تر دانسته آن را ترجیح داده است.

سوم. محقق همدانی حاج آقا رضا (۱۲۵۰-۱۳۲۲) در مصباح الفقیه: «ان العبرة بمقدار المسافة التي وقع التصريح به في عدة من الروایات المزبورة إذ لم یقصد بمسیرة يوم اعتبار تحققها بالفعل بل تحديد المسافة الموجبة للقصر بمقدارها وهذا مما یختلف في العادة غاية الاختلاف كما أشیر إليه في بعض الأخبار المزبورة فکشف الشارع عن أن المراد بها بریدان وهما ثمانية فراسخ فإذا قطع هذا المقدار من المسافة في يوم واحد بالسير المتعارف فقد شغل یومه فهذا هو حد التقصیر وهما مما لا یزید ولا ینقص فالحد في الحقيقة هو بریدان أربعة وعشرون میلا وهما ثمانية فراسخ.»

کتاب الصلوة مصباح الفقیه محقق همدانی از مشهورترین تالیفات امامیه در این مبحث است. به نظر وی در مقایسه این دو معرف باید مسافت هشت فرسخ را پذیرفت، زیرا در معرف زمانی (مسیر یک روز) تحقق بالفعل مقصود نیست، بلکه با تحقق مسافت طولی زمینی قصر نماز محقق می شود، و از آنجا که مسیر یک روز در شرایط مختلف عادتاً فرق می کند شارع ملاک منضبطی ارائه کرده که همان هشت فرسخ باشد. وقتی این حد از مسافت طی شد این همان مسیر یک روز است، بنابراین معرف حقیقی در مسافت شرعی منحصر همان هشت فرسخ شرعی است.

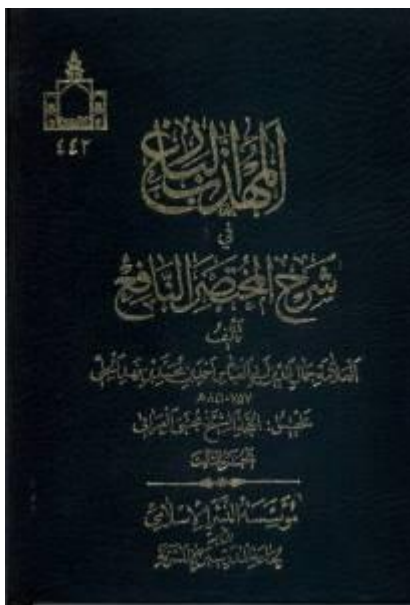
چهارم. شیخ الشریعة ملا فتح الله غروی شیرازی اصفهانی (۱۲۶۶-۱۳۳۹) در احکام الصلاة تقریرات درسش بقلم شیخ محمد حسین سبحانی (م۱۳۹۲): «ثم ان المسافة الشرعية في الاخبار محدودة بحدین و مقدرة بتقديرین. الأول: اعتبارها بمقدار «ثمانية فراسخ» و «بریدین» و «أربعة و عشرين ميلا» فبعض منها مشتمل على ذكر التعابير الثلاثة، و بعض على ذكر الاثنین منها، و بعض على ذكر الواحد وان بعضها مفسر للبعض الآخر. الثاني: اعتبارها بمقدار مسيرة يوم أو بياض يوم. والظاهر ان الحد الثاني طريق و امارة للحد الأول.» شیخ الشریعة پذیرفته که در روایات دو نوع معرف برای مسافت شرعی به چشم می خورد. به نظر وی معرف اصلی هشت فرسخ است، و معرف دوم یعنی مسیری یک روز طریق، اماره و نشانه ان است.

پنجم. شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۲۷۶-۱۳۵۵) در تقریرات درسش بقلم میرزا محمود آشتیانی: «المسافة من حيث التحديد الشرعی و هی علی ما ذهب اليه علمائنا الامامية (رضوان الله عليهم) ثمانية فراسخ ... ان ما ورد في بعض الاخبار المتقدمة وغيرها من التحديد بمسيرة يوم او بياض يوم او شغل يوم، محمول علی ما هو الغالب المتعارف في تلك الازمنة من تحقق الثمانية في يوم واحد بالسير المتعارف، فالتحديد تحديدي تقريبي فالعبرة بالثمانية. وانما جعل مسيرة يوم موجبة للتقصير، لكونها امارة نوعية علی تحقق الثمانية. ... ومن المعلوم اختلاف مسير يوم اختلافًا فاحشًا حسب اختلاف الزمان صيفا وشتاء و اختلاف السير سرعة و بطؤ، فلا بد في تحديد ذلك المقدار، من التحديد بما يكون مضبوطا عندنا كي ننفعنا عند الشك في تحقق ذلك المقدار، وليس هناك شيء يصلح لذلك الا الفراسخ، فيتعين ان تكون ثمانية فراسخ ميزانا واحدا حقيقيا لذلك المقدار و مبينا لما اريد من التحديد بمسيرة يوم، و تكون مسيرة يوم بالسير المتعارف في ذاك الزمان امارة علی تحقق ذلك الميزان.»

از منظر مؤسس حوزه علمیه قم ملاک اصلی مسافت شرعی در نزد فقهای امامیه هشت فرسخ است. آنچه در روایات به عنوان مسیری یک روز یا روشنی روز یا اشتغال یک روز به سفر آمده بر امر غالب متعارف در همان

زمانها حمل می شود که تحقق هشت فرسخ در در یک روز با سیر متعارف باشد. خصوصا که تعابیر مسیر یک روز
 تحدید تقریبی است و نشانه ای نوعی برای تحقق مسافت هشت فرسخ است. واضح است که مسیر یک روز در
 روز تابستانی و زمستانی و اینکه با سرعت یا کندی طی مسیر شود اختلاف فاحشی را باعث می شود، پس چاره
 ای جز تحدید مقدار مسیر یک روز به امری مضبوط برای مراجعه در زمان شک نیست، و آن چیزی جز تقدیر
 به فرسخ نیست. در نتیجه مسافت شرعی یک میزان حقیقی بیشتر ندارد و مسیر یک روز در زمان صدور روایات
 اماره و نشانه تحقق آن میزان است.

از دیگر قائلین این طیف می توان به این فقها اشاره کرد: ملا احمد نراقی در مستند الشیعة، سید ابوالحسن
 اصفهانی در البحث فی صلاة المسافر (تقریرات)، سید محمد حجت کوه کمری در النجم الزاهر فی صلاة
 المسافر (تقریرات)، سید حسین طباطبایی بروجردی در البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر (تقریرات)، سید
 ابوالقاسم موسوی خوئی در مستند العروة الوثقی (تقریرات)، و سید علی حسینی بهشتی در صلاة المسافر. در سه
 طیف قول اول، طیف سوم مورد عنایت فقهای فراوانی قرار گرفته و از اعتبار بیشتری برخوردار است.



قول دوم: موضوع سفر شرعی دو معرف در عرض هم دارد

حکم مسافت شرعی دو موضوع در عرض هم دارد: هشت فرسخ و مسیری یک یوم. هر کدام اول محقق شد حکم جاری می شود، یا مکلف در انتخاب یکی از این دو ملاک مخیر است. این قول حداقل ده قائل دارد، که مختصراً رای همگی را نقل و به اختصار تحلیل می کنم.

آراء فقهای قرون نهم و دهم

اول. نخستین قائل این قول ابوالعباس احمد بن محمد بن فهد حلّی (۷۵۷-۸۴۱) در کتاب المذهب البارع فی شرح المختصر النافع است: «لا قصر فیما دون المسافة، و یعلم بتقديرین: (ألف): بالزمان، فیکفی مسیر یوم للقفول والحمول سیراً معتدلاً فی النهار المعتدل، لأنه لو لم یجب فی مسیرة یوم لم یجب فی مسیرة سنة. لزوال المشقة براحة اللیل، ولصحیحة أبی بصیر قال: قلت لأبی عبد الله (ع): فی کم یقصر الرجل؟ قال: فی بیاض یوم أو بریدین. (ب): بالتقدير، وهو ثمانية فراسخ، والفرسخ ثلاثة أمیال.»

مسافت شرعی با دو معرف احراز می شود: اول. زمان مسیری یک روز قافله های شتر یا شترهای هودج دار با سرعت معتدل چرا که شب با استراحت مشقت سفر زایل می شود و نیز به دلیل صحیحه ابی بصیر از امام صادق (ع) که در پاسخ به پرسش از مسافت شرعی فرمود در روشنائی روز یا دو برید (هشت فرسخ)؛ دوم. تقدیر که همان هشت فرسخ باشد و هر فرسخ سه میل است. پس به نظر ابن فهد حلّی با هر یک از این دو ملاک که مسافت احراز شود فرد مسافر محسوب می شود.

دوم. مفلح بن حسن صیمری (م حدود ۹۰۰) در کتابش غایة المرام فی شرح شرایع الإسلام: «المسافة التي یجب معها القصر تعلم بأمرین: أحدهما الزمان والآخر التقدير. أما الزمان فهو مسیر یوم الصوم من طلوع الفجر إلى غروب الشمس للقفول والحمول، سیراً معتدلاً فی الزمان المعتدل. وأما التقدير فهو علی ضربین: أحدهما: ثمانية

فراسخ، والفرسخ ثلاثة أميال، وللميل تقديران ...» به گزارش مفتاح الكرامة او در كشف الالتباس نیز بر همین منوال رفته است. صیمری عینا همان رویکرد ابن فهد را دنبال کرده و از دو مبنا برای احراز مسافت شرعی دفاع کرده است. به نظر وی مراد از روز همان روز روزه است از طلوع فجر تا غروب خورشید. به طول روز در بخش پنجم خواهیم پرداخت.

سوم. محقق احمد اردبیلی (۹۹۳م) در کتاب اصلیش مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان «فی تعیین المسافة: ولا خلاف أيضا في وجوبه عينا في مسيرة يوم وثمانية فرسخ.... التفاضل بينهما غير ظاهر، إلا أن اليوم أقرب إلى فهم الأكثر وأسهل بخلاف الفراسخ؛ والظاهر إن أحدهما كاف وإن لم يصل إلى الآخر على تقدير التفاضل، ويكون حينئذ الحد حقيقة هو الأقل.» محقق اردبیلی أولا هر دو مبنای زمانی و تقدیر فرسخی را پذیرفته، ثانیاً در یکی از این دو مبنا بر دیگری برتری آشکاری ندیده است، هر چند مبنای زمانی را اقرب به فهم عمومی و ساده تر از مبنای تقدیر فرسخ دانسته است. ثالثاً احراز هر یک برای تحقق مسافت شرعی را کافی دانسته است و لو بر فرض اختلاف دو مبنا یکی کمتر از دیگری باشد، در این صورت مبنای کمتر ملاک است.

آراء فقهای قرون یازدهم و دوازدهم

چهارم. سید محمد بن علی موسوی عاملی (۱۰۰۹م) در مدارک الاحکام فی شرح شرایع الإسلام: «أجمع العلماء كافة على أن المسافة شرط في القصر، وإنما اختلفوا في تقديرها، فذهب علماؤنا أجمع إلى أن القصر إنما يجب في مسيرة يوم تام بريدين أربعة وعشرين ميلا. تعلم المسافة بأمرين: الاعتبار بالأذرع على الوجه المذكور، ومسیر اليوم. لا ريب في الاكتفاء بالسير عن التقدير. ولو اعتبرت المسافة بهما واختلفا فالأظهر الاكتفاء في لزوم القصر ببلوغ المسافة بأحدهما، واحتمل جدي [الشهيد الثاني] - قدس سره - في بعض كتبه تقديم السير، لأنه أضبط،

ولأن الأصل الذي اعتمد عليه المصنف [صاحب الشرايع في المعتبر] في تقدير الميل وهو مناسبتة لمسیر اليوم يرجع إليه. وربما لاح من كلام الشهيد [الاول] في الذکری تقدیم التقدير. ولعله لأنه تحقیق والآخر تقریب.»

مشهورترین قائل این قول صاحب مدارک است. بسیاری از فقهای بعد از وی در تحلیل مسئله به قول وی برای تایید یا نقد اشاره کرده اند، هرچند به سه قائل قبل از وی (ابن فهد حلّی، صیمری و اردبیلی) کمترین اشاره ای نشده است. او نیز بدون اشاره به سه قائل قبلی در تحقیق موضوع مسافت شرعی به دو مبنای زمانی و تقدیر مسافت بر اساس فرسخ معتقد است، که هر کدام احراز شود کافی است. خصوصاً تصریح می کند که می توان با احراز مسیری یک روز بدون نیاز به تقدیر فرسخی اکتفا کرد. اگر هر دو مبنا به کار گرفته شدند و اختلاف داشتند اظهار اکتفا به احراز مسافت به هر یک از آنها و در حقیقت انتخاب مبنا به اختیار مکلف خواهد بود.

وی آن گاه برای نخستین بار دو نکته بدیع از شهید اول و دوم نقل می کند که هر دو بعد از وی مکرراً توسط فقهای بعدی از وی نقل شده است. نقل اول از جدش شهید ثانی در یکی از کتابهای مبنی بر احتمال تقدیم مسیری یک روز بر تقدیر فرسخی به دو دلیل، یکی منضبط تر بودنش، و دیگری اصلی که مصنف شرایع در تقدیر میل به آن اعتماد کرده (تفسیر بیست و چهار میل با مسیری که یک روز تام پیموده می شود) به مبنای زمانی برمی گردد. اشاره صاحب مدارک به این عبارت محقق حلّی در معتبر است: «(المسافة) وهي (أربعة وعشرون ميلاً) مسير يوم تام». عین عبارت شهید ثانی از کتاب روض الجنان در قول سوم نقل و تحلیل خواهد شد.

نقل دوم سید محمد از ذکری شهید اول است. وی از عبارات این کتاب اینگونه استنباط کرده که وی تقدیر مسافت فرسخی را بر محاسبه زمانی ترجیح داده است. صاحب مدارک این ترجیح را اینگونه توجیه می کند تقدیر مسافت فرسخی بنا بر تحقیق است حال آن که محاسبه زمانی بنایش تقریبی است و واضح است که محاسبه تحقیقی بر محاسبه تقریبی رجحان دارد.

پنجم. محقق سبزواری ملا محمد باقر (۹۸۷-۱۰۵۸) در کفایة الاحکام: «ويعلم المسافة بالأمرين: الأذرع ومسیر اليوم». نظر محقق سبزواری در دیگر کتابش ذخیر در قول سوم خواهد آمد.

ششم. فیض کاشانی ملا محسن (۱۰۰۷-۱۰۹۱) در مفاتیح الشرایع: «المسافة المعتبرة في التقصير ثمانية فراسخ، أو مسيرة يوم تام للإبل القطار، أو بریدان، سواء كان هذا المقدار في الذهاب فقط أو مع الإياب، وقع الإياب في يومه أولاً». عبارات سبزواری و فیض بی نیاز از توضیح هستند. فیض تاکید می کند که موارد از محاسبه زمانی مسیر یک روز کامل قطار شتر است که معادل دو برید است.

هفتم. شیخ یوسف بحرانی (۱۱۸۶م) در الحقائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة: «فذهب علماءنا أجمع (رضوان الله عليهم) إلى أن القصر إنما يجب في مسيرة يوم تام بریدین ثمانية فراسخ أربعة وعشرون ميلا المستفاد من الأخبار المتقدمة أن المسافة تعلم بأمرين (أحدهما) مسير يوم، و (ثانيهما) الأذرع. ... لا خلاف ولا إشكال في الاكتفاء بالسير كما تكاثرت به الأخبار، وكذا لا إشكال في ما لو اعتبرت المسافة بالتقدير فوافق السير. إنما الاشكال في ما لو اختلفا فهل يتخير في العمل على أيهما كان ولزوم القصر ببلوغ المسافة بأحدهما أو أنه يقدم السير لأنه أضحط أو يقدم التقدير؟ أقول: لا ريب أن الاعتبار بكل منهما جيد بالنظر إلى دلالة النصوص المتقدمة عليها، إلا أن الاشكال في التقدير من حيث الاختلاف في تفسير الفرسخ كما عرفت من اضطراب كلامهم في الميل، والرجوع إلى الاحتياط بالجمع بين القصر والتمام في موضع الاشتباه طريق السلامة. والله العالم.»

بحرانی محاسبه مسافت شرعی را به دو طریق دانسته مسیر یک روز و محاسبه با ذراع. وی دو مورد را بلا اشکال دانسته است: اکتفا به سیر یک روز در تحقق مسافت شرعی، و تقدیر مسافت با ذراع و فرسخ زمانی که با محاسبه مسیر یک روز سازگار درآید. اشکال در موردی است که این دو محاسبه با هم ناسازگار باشند، کدام گزینه درست است: (۱) آیا مکلف در عمل به هر یک از این دو اختیار دارد به این نحو که هر کدام که محرز شد او مسافر محسوب

شود؟ ۲) بنا را بر مسیر یک روز بگذارد چون مضبوط تر است؟ ۳) تقدیر مسافت با ذراع و فرسخ را مقدم کند؟ به نظری با توجه به روایات، عمل به هر یک از این دو ملاک مجاز است (گزینه اول)، الا اینکه کلام مدافعان مسافت در محاسبه فرسخ به دلیل اشکال در محاسبه میل مضطرب است. لذا در مواضع اشتباه وقتی مکلف مجبور می شود از طریق تقدیر فرسخ پیش برود باید با جمع بین نماز تمام و قصر احتیاط کند.

آراء فقهای قرن سیزدهم

هشتم. وحید بهبهانی محمدباقر (۱۱۱۸-۱۲۰۵) در مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع: «أن معرفة المسافة بطريقتين. الأولى: مسيرة يوم إلى الليل وبياض النهار بالسير المتوسط والأثقال والجمال المتوسط في النهار المتوسط، لانصراف الإطلاق إلى ذلك. وثانيتها: بالفراخ والميل والذراع وغيرها، على النهج الذي تقدم. فالمكلف إن تمكن من الأولى، يتعين عليه اعتبارها، وإن تمكن من الثانية فالثانية، وإن تمكن منهما يتخير، ويحتل تعيين أقواهما وأضبطهما. ولو اتفق أنه اعتبرهما فإن اتفقتا - كما هو الأظهر والظاهر من بعض - فلا إشكال، وإن اختلفتا اعتبر الأقل وقصر، لعموم الدليل وتحقق الشرط وعدم مانع، مع احتمال كون المعتمد هو الأقوى والأضبط (الاحوط ن. ب.) وهو الثانية، وهذا هو الأقوى عندي في المسألتين.»

وحید بهبهانی از پیش قراولان موج دوم تفکر اصولی در شرح خود بر کتاب فیض کاشانی آگاهی از مسافت را به دو طریق ممکن دانسته است. طریق اول: مسیر یک روز تا شب و روشنی روز با حرکت متوسط، با بار و شتهای متوسط، در روز متوسط به دلیل اینکه اطلاق ادله منصرف به متوسط و معتدل در هر سه موضع است. طریق دوم: با فرسخ و ذراع و میل و مانند آنها بر روشی که قبلاً گذشت. برای مکلف سه حالت ممکن است اتفاق بیفتد: حالت اول: توانایی بر اجرای طریق اول (مسیر یک روز) دارد، همان را باید ملاک قرار دهد. حالت دوم: بر طریق دوم (فرسخ و مانند آن) توانایی دارد، همان را ملاک قرار دهد. حالت سوم: بر اجرای هر دو طریق

توانایی دارد. در این حالت مخیر است، متعین بودن قوی ترین و مضبوط ترین طریق نیز محتمل است. در حالت سوم نیز اگر هر دو طریق را ملاک قرار داد، دو صورت ممکن است رخ دهد. صورت اول: هر دو طریق سازگارند - آن چنان که اظهر و ظاهر فتاوی بعض همین است - که اشکالی نیست. صورت دوم: اگر دو طریق با هم اختلاف دارند، در این صورت طریقی را اختیار می کند که مسافت کمتر و کوتاهتری ارائه کرده باشد، به واسطه عموم دلیل (روایات باب)، تحقق شرط (تحقق مسافت شرعی به یکی از دو طرق مجاز است) و عدم مانع. محتمل است که در این صورت متعین باشد به جای اختیار مسافت کمتر و کوتاهتر طریق اقوی و مضبوط تر را اختیار کند، که طریق دوم (فرسخ و مانند آن) واجد این صفات است. اختیار اقوی و اضبط در هر دو مسئله (حالت سوم و صورت دوم) مختار من است.

نهم. سید محمد جواد حسینی عاملی (م ۱۲۲۶م) در مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة: «المستفاد من الأخبار و صریح کلام الأصحاب أن المسافة تعلم بأمرین: أحدهما مسیر یوم، وثانیهما الأذرع، وقد سمعت فیما مضی إجماعاتهم. وقال الأستاذ الشریف [السید محمد مهدی بحر العلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲)] دام ظلّه العالی فی رسالته: و فی معنی الثمانية مسیر الیوم المعتدل بالسیر المعتدل كما نص علیه الأكثر ودل علیه النص انتهى. و سیأتي عن جماعة أنه لا نص صریح علی الأول فتأمل.»

مفتاح الکرامه به نقل اقوال فقهای گذشته ممتاز است. به نظر مصنف این کتاب استفاد از روایات و کلام صریح فقها مسافت با دو طریق دانسته می شود. مسیر یک روز و ذراع (یا فرسخ و میل و مانند آن). وی بر این امر اجماعاتی را نقل کرده است. او سپس متن کامل رساله استادش بحر العلوم را درباره نماز مسافر را در کتاب خود می آورد و به این عبارت آن استناد می کند: مسیر یک روز معتدل با سیر معتدل با هشت فرسخ هم معنی (مقصود) است، آن چنان که اکثر فقها بر این امر تصریح کرده و روایات متعددی نیز دال بر آن است. در انتها

صاحب مفتاح الكرامة تذكرى دهد دليل صريحى بر لزوم معتدل بودن روز در دست نيست. به هر حال علاوه بر صاحب مفتاح الكرامة استادش بحرالعلوم را نيز بايد در زمره قائلان اين قول دانست.

دهم. شيخ محمد حسن نجفى (١٢٠٢-١٢٦٦) مشهور به صاحب جواهر در كتابش «جواهر الكلام فى شرح شرايع الإسلام» بعد از تشریح دو ملاک مسافت شرعى مى نويسد: «فالتريد بين بياض اليوم والبريدى فى خبر أبى بصير السابق ترديد فيما يسهل على المكلف اعتباره، وإلا فهما شئ واحد فى نظر الشارع

[١] لا أنهما أمران مختلفان كي يتجه البحث فى أن مدار المسافة عليهما معا، بمعنى كون المعتبر فيها اجتماعهما كما عساه يوهمه بعض العبارات، فلو فرض قصور مسير اليوم عن البريدى أو بالعكس بأن حصل فى بعض اليوم لم يكن ذلك مسافة؛

[٢] أو أن المدار على مسير اليوم وإن قصر عن البريدى، لأنه الأصل فى المسافة والتقدير بالبريدى تقدير له، ولأن دلالة النص عليه أقوى، إذا ليس لاعتبارها بالأذرع على الوجه المذكور نص صريح، بل ربما اختلفت فيه النصوص والفتاوى، وقد صنف السيد السعيد جمال الدين أحمد بن طاووس كتابا مفردا فى تقدير الفراسخ وحاصله على ما قيل لا يوافق المشهور، لأن الأصل الذى اعتمد عليه الفاضل وغيره على ما قيل فى تقدير الفرسخ يرجع إلى اليوم، إذ قد استدل عليه فيما حكي عن تذكرته بأن المسافة تعتبر بمسیر اليوم للإبل السير العام، وهو يناسب ذلك، قيل وكذا الوضع اللغوي، وهو مد البصر من الأرض.

[٣] أو أن المدار على التقدير بالبريدى كما عساه يلوح من الذكرى، لأنه تحقيق، والآخر تقريب،

[٤] أو أن المدار على حصول أحدهما عملا بكل من الدليلين كما استظهره فى المدارك، ضرورة أن ذلك كله

مبنى على أنهما تقديران مختلفان للمسافة؛

أما بناء على ما ذكرنا من أنهما شيء واحد عند الشارع - فمسير اليوم عنده عبارة عن قطع بریدین و بالعکس، ومتى تحقق أحدهما تحقق الآخر في نظره فلا يتأتى شيء من ذلك، إذ فرض مسير البریدین في بعض اليوم أو نقصان مسير اليوم عنهما حينئذ غير قادح في المراد شرعا، لأن الأول مسير يوم عنده بخلاف الثاني كما هو واضح»

جواهر از پراج‌ترین کتب فقهی سده اخیر است. صاحب جواهر در مسئله مسافت با نقد هر سه قول گذشته رای تازه ای مطرح کرده است که به تشریح آن می پردازم. وی بعد از تشریح دو ملاک مسافت شرعی می نویسد: رفع تردید بین اعتبار روشنائی روز و دو برید (که از آنها اختصارا با واژه های مسیر و تقدیر یاد می کنم) در روایت أبوبصیر برای مکلف کار آسانی است. آنچه مهم است این است که این دو در نظر شارع شیء واحدی هستند. وی آن گاه با سبک خاص خود چهار احتمال را ابطال می کند و در انتها از نظر مختارش دفاع می کند.

احتمال اول: مسیر و تقدیر دو امر مختلف هستند و مدار مسافت بر اساس هر دو است، یعنی اجتماع مرکب آنها در تحقق مسافت موضوعیت دارد، از برخی عبارات چنین توهمی استشمام می شود. بر این اساس اگر فرضا مسیر یک روز از دو برید کمتر باشد یا برعکس به اینکه دو برید در قسمتی از روز طی شود مسافت محقق نشده است. (احراز کامل هر دو امر به تحقق مسافت می انجامد و ناقص بودن یکی منجر به عدم تحقق مسافت است. برای این احتمال قائل معرفی نشده است.)

احتمال دوم: مدار بر مسیر روز است حتی اگر از دو برید کوتاه تر باشد، زیرا اصل در مسئله در مسافت مسیر است و تقدیر دو برید در حقیقت تقدیر مسیر است. دلیل آن اقوی بودن دلالت نص بر مسیر است، چرا که بر اعتبار مسافت با ذراع بر وجه مذکور در متون فقهی نص صریحی در دست نیست، بلکه چه بسا نصوص و فتاوا در تقدیر اختلاف دارند. سید بن طاوس جمال الدین احمد بن موسی کتاب مستقلى در محاسبه فرسخ نوشته، حاصل تحقیق وی با رای مشهور در این باره سازگار نیست. مبنایی که علامه حلی در تذکره و غیر او در تقدیر

فرسخ داشته اند باز به مسیر روز برمی گردد، هم چنان که وضع لغوی میل با همین امر تناسب دارد. (تمامی این احتمال با جزئیاتش برگرفته از عبارت شهید ثانی در روض الجنان است که مفصلا در قول سوم تشریح خواهد شد.)

احتمال سوم: مدار بر تقدیر دو برید است، آن چنان که رائحه ان از ذکرای شهید اول به مشام می رسد، با این توجیه که تقدیر مبنی بر تحقیق و مسیر مبنی بر تقریب است. (عین عبارات شهید ثانی در روض الجنان).

احتمال چهارم: مدار بر حصول یکی از دو امر (مسیر و تقدیر) است، بنا بر عمل به ادله هر دو، آن چنان که مدارک استظهار کرده است که هر یک از این دو امر دو تقدیر مختلف در مسئله هستند.

صاحب جواهر این گونه نظر مختارش را ابراز کرده است: اما بنا بر آنچه ما ذکر کردیم که این دو امر (مسیر و تقدیر) نزد شارع شیء واحدی هستند، یعنی مسیر یک روز عبارت از دو برید است، و برعکس، و هرگاه یکی از این دو محقق شود حتما دیگری هم در نظر شارع محقق خواهد شد، در این صورت هیچیک از اشکالات پیش گفته پیش نخواهد آمد، زیرا فرض مسیر دو برید در قسمتی از روز یا کمتر بودن مسیر یک روز از دو برید (با اینکه تمام روز طی طریق شده اما مسافت طی شده کمتر از دو برید است) شرعا در مراد اشکالی ایجاد نمی کند.

وجه تناسب رای صاحب جواهر با قول دوم: جواهر علاوه بر قول اول و سوم قول دوم را هم نقد کرده است، اما خود در نهایتا عملا قائل به قول دوم است! چرا؟ زیر وی اگر چه نظرا معتقد است که هر دو معرف یعنی مسیر یک روز و هشت فرسخ نزد شارع یکی هستند و هرگاه یکی محقق شود حتما دیگری هم در نزد او محقق می شود، اما عملا قائل به تخییر است یعنی مکلف هرکدام از دو معرف را احراز کند مسافت شرعی تحقق یافته و او مسافر محسوب می شود. او در نظر و تبیین با قائلین قول دوم تفاوت دارد، و دو ملاک مستقل برای تحقق موضوع

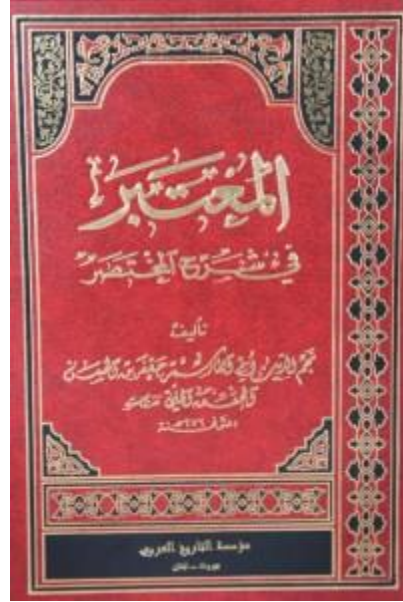
را نپذیرفته، اما در عمل هیچ راهی جز اختیار سه قول نیست. صاحب جواهر یقیناً در ضمن قول اول و سوم نمی گنجد. می توان او را نظراً قائل وحید به قول چهارم و عملاً در عداد قائلین قول دوم گنجانید.

قول سوم: موضوع حکم مسیر یک روز، هشت فرسخ اماره آن

موضوع حکم سفر شرعی «مسیره/مسیر یوم، یا بیاض یوم، یا قد شغل یومه بالسفر» است. «هشت فرسخ، یا یک مرحله، یا دو برید، یا ۲۴ میل، یا ۹۶ هزار ذراع» اماره و نشانه آن در زمان صدور روایات بوده است. در این مجال عبارات پنج فقیهی که به این قول قائل شده اند با شرح مختصری ذکر می شود.

اول. نقلی از ابن جنید

علامه حلی در مختلف الشیعة نقل می کند که «وحدّ ابن الجنید مسیره یوم للماشی وراکب السفینة». متأسفانه نه کتابهای ابن جنید به زمان ما رسیده نه عبارات او به طور کامل نقل شده است. از عبارت منقول علامه برمی آید که فقیه اقدم ابن جنید اسکافی (۳۸۱م) مسافت شرعی برای فردی که پیاده سفر می کند یا بر قایق یا کشتی سوار است را مسیر یک روز دانسته (نه هشت فرسخ). نظر ابن جنید در مورد سفر با قافله شتر و دیگر حیوانات چه بوده است؟ احتمالاً دو طریق مسیر یک روز و هشت فرسخ. به هر حال ابن جنید نخستین قائل این قول است حداقل در مورد سفر پیاده و سفر آبی.



دوم. محقق حلي در معتبر

محقق حلي جعفر بن حسن (٦٠٢-٦٧٦) در كتاب استدلاليش المعتبر في شرح المختصر: «(المسافة) وهي (أربعة وعشرون ميلا) مسير يوم تام، وهو مذهب علمائنا أجمع لنا: أن مسير يوم يسمى سفرا، فيثبت معه القصر، أما أن مسير اليوم سفر فلقوله (ع) «لا يحل لامرأة تؤمن بالله واليوم الآخر أن تسافر مسير يوم إلا مع ذي محرم»، ولأن القصر لو لم يثبت مسير يوم لما ثبت مع ما زاد، لأن مشقته تزول براحة الليل، وقد روى الفضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام قال: إنما وجبت التقصير في ثمانية فراسخ لا أقل من ذلك ولا أكثر، لأن ثمانية فراسخ مسير يوم للعامه والقوافل والأثقال، فوجب التقصير في مسير يوم، قال ولو لم تجب في مسير يوم، لما وجب في مسير سنة لأن كل يوم يكون بعد هذا اليوم فإنما هو نظير هذا اليوم، فلو لم يجب في هذا اليوم لما وجب في نظيره؛ ولأن مقتضى الدليل وجوب القصر مع السفر كيف كان، ترك العمل فيما نقص عن يوم فيعمل به في اليوم؛ وروى محمد بن مسلم عن أبي جعفر الباقر (ع) قال «سافر رسول الله صلى الله عليه وآله إلى ذي خشب، وهي مسيرة يوم عن المدينة يكون إليها بريدان أربعة وعشرين ميلا، فقصر، وأفطر، فصار سنة». ومن طريق الأصحاب ما رواه عيص

بن القاسم عن أبي عبدالله (ع) قال «في التقصير حدّه أربعة وعشرون ميلا يكون ثمانية فراسخ»؛ وعن علي بن يقطين عن أبي الحسن الأول (ع) قال: «يجب التقصير إذا كان مسيرة يوم»؛ وعن أبي أيوب عن أبي عبد الله (ع) «سألته عن التقصير فقال في بردين أو بياض يوم».

عبارت محقق در معتبر را با جزئیاتش نقل کردم، چرا که مکررا فقیهان بعدی به آن استناد کرده اند، خصوصا نخستین جمله آن. او در جمله نخست عبارت متن (المختصر النافع) مسافت شرعی ۴۴ میل را این گونه تبیین کرده است: «مسیر یک روز تام، و این روش همه علمای ما امامیه است.» صاحب مدارک به این جمله معتبر در تبیین کلام جدش شهید ثانی استناد کرد که شرح آن در قول دوم گذشت. محقق بعد از جمله اول آراء فقهای اهل سنت را نقل می کند و سپس ادله امامیه را بر مختارشان در مسافت شرعی ارائه می کند:

مسیر یک روز سفر نامیده می شود، پس شکسته شدن نماز با طی آن مسیر اثبات می شود. اثبات مقدمه اول یعنی اینکه مسیر یک روز سفر محسوب می شود، به سه دلیل: اولاً به دلیل این روایت نبوی (منقول در منابع اهل سنت) است: «زنی که به خدا و آخرت ایمان دارد مجاز نیست که مسیر یک روز را سفر کند بدون این که محرّمی با وی باشد.» در این روایت سفر دقیقا به مسیر یک روز تعبیر شده است.

ثانیا اگر شکسته شدن نماز با مسیر یک روز ثابت نشود، در بیش از یک روز هم ثابت نخواند شد، چرا که مشقت سفر روز در استراحت در شب آن زایل می شود. مؤید این بند از استدلال روایت فضل بن شاذان از امام رضا (ع) است: «شکسته شدن نماز در هشت فرسخ واجب شده، نه بیشتر و نه کمتر، چرا که هشت فرسخ مسیر یک روز عموم مردم، قافله ها و بارهاست، پس شکستن نماز در مسیر یک روز واجب است. و اگر شکسته شدن نماز در مسیر یک روز واجب نمی شد، در مسیر هزار سال هم واجب نمی شد، زیرا هر روزی بعد از این روز و نظیر آن است، و اگر در این روز واجب نمی شد در ماندهای آن نیز واجب نمی شد.»

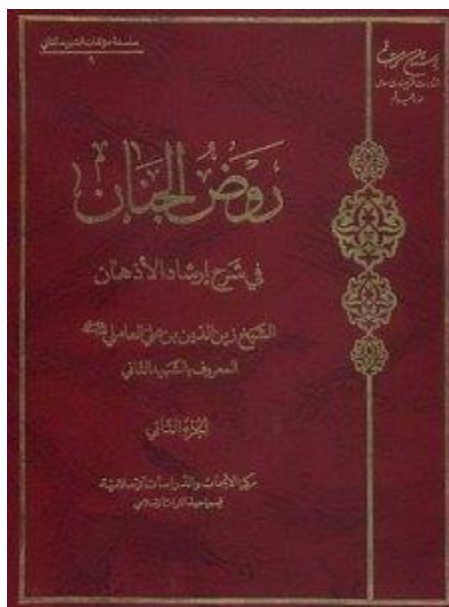
اثبات مقدمه دوم یعنی اینکه شکسته شدن نماز با مسیر یک روز اثبات می شود، زیرا مقتضی دلیل وجوب شکسته شدن نماز با سفر است هرگونه باشد، در کمتر از یک روز عمل به دلیل ترک می شود، پس در مسیر یک روز به آن عمل می شود. برای اثبات این مدعا به روایات استناد می شود. روایت اول: محمد بن مسلم از امام باقر (ع): «پیامبر (ص) از مدینه به ذی حُشب سفر کرد، فاصله آن مسیر یک روز از مدینه است، دو برید و بیست و چهار میل؛ پس نمازش را شکسته اقامه کرد و روزه اش را إفتار کرد، و این سنت شد.»

از طریق اصحاب نیز به سه روایت استشهد می شود. روایت دوم: روایت عیص بن قاسم از امام صادق (ع): حد شکسته شدن نماز ۴ میل و هشت فرسخ است. روایت سوم: علی بن یقظین از امام کاظم (ع): شکستن نماز واجب است وقتی که مسیر یک روز باشد. روایت چهارم: ابی ایوب از امام صادق (ع) درباره شکسته شدن نماز می پرسد. پاسخ امام: «دو برید یا روشنایی روز» هر برید معادل چهار فرسخ است. وی بعد از اتمام ادله امامیه به نقد ادله اهل سنت می پردازد.

از این چهار روایت، در روایات اول و چهارم به هر دو ملاک اشاره شده است. در روایت اول دو برید و ۴ میل تفسیر مسیر یک روز است. در روایت چهارم دو برید یا روشنایی روز آمده است. در روایت دوم منحصر ۴ میل و هشت فرسخ ذکر شده و در روایت سوم منحصر مسیر یک روز.

وجه دلالت رای محقق در معتبر به قول سوم: مدار و محور بحث در معتبر مسیر یک روز به عنوان ملاک مسافت سفر شرعی است. از یک سو صورت مسئله صریحا نزد وی در تفسیر «۴ میل» در مختصر این است: «مسیر یک روز تام، و این روش همه علمای ما امامیه است.» از سوی دیگر تمام اجزای استدلال وی برای اثبات مسیر یک روز به عنوان مسافت شرعی اقامه شده است. استدلال او مرکب از دو مقدمه، و هر دو مقدمه در خدمت امر مذکور بود. بر مقدمه اول دو دلیل اقامه شده و بر مقدمه دوم به چهار روایت استشهد شد. دو دلیل مقدمه

اول و روایت موید دلیل دوم چیزی جز اثبات مسیر یک روز نبود. مقدمه دوم متمرکز بر مسیر یک روز بود. از چهار روایت تنها روایت دوم فاقد مسیر یک روز است. محقق این روایت را به عنوان نمونه ای از روایات متعدد (با مضمون هشت فرسخ و مشابه آن) آورده تا نشان دهد که این دسته روایات اماره و نشانه بر ملاک اصلی است. البته به این نکته تصریح نکرده، اما قائلین بعدی این قول این نکته را به تدریج با وضوح بیشتری ابراز کرده اند.



سوم. شهید ثانی در روض الجنان

شهید ثانی زین الدین بن علی عاملی (۹۱۱-۹۶۵) در «روض الجنان فی شرح ارشاد الاذهان» ابتدا می نویسد: «السفر إلى المسافة وهي ثمانية فراسخ» و بعد از کوشش برای تبیین فرسخ تذکر می دهد: «وقد ورد تقدير المسافة بثمانية فراسخ معللا في خبر الفضل بن شاذان عن الرضا (ع)» و بعد از نقل متن روایت این گونه ادامه می دهد: «وقد علم من ذلك أن المسافة مسير يوم بسير الأثقال، ولما كان ذلك يختلف باختلاف الأرض والأزمة والسير حمل على الوسط في الثلاثة، فيعتبر في الحيوان مسير الإبل لأنها الغالب في القوافل» بعد از نقل روایت ابن

بابویه فی الفقیه [روایت عبدالله بن یحیی الکاهلی] این گونه نتیجه گیری می کند: «وعلی هذا فیکفی السیر عن التقدیر وإن اتفق قصوره عنه فی نفس الامر عملا بظاهر الاخبار. نعم لو اعتبرها بالتقدیر، فإن وافق السیر فواضح، وإن اختلفا أمکن الاجتزاء بكل واحد منهما، لدلالة النص علیهما، وتقذیم السیر لان دلالة النص علیه أقوى إذ لیس لاعتبارها بالأذرع علی الوجه المذكور نص صریح، بل ربما اختلف فی الاخبار وکلام الأصحاب، وقد صنف السید السعید جمال الدین أحمد بن طاوس کتابا مفردا فی تقدیر الفراسخ، وحاصله لا یوافق المشهور؛ ولأن الأصل الذی اعتمد علیه المصنف وجماعة فی تقدیر الفرسخ یرجع إلى الیوم، لأنه استدل علیه فی التذکره ب«أن المسافة تعتبر بمسیر یوم للإبل السیر العام، وهو یناسب ذلك» قال [فی التذکره] «وکذا الوضع اللغوی وهو مدّ البصر من الأرض»؛ ویظهر من الذکر تقدیم التقدیر، ولعله لأنه تحقیق والآخر تقریب.»

نواده شهید سید محمد در مدارک این گونه از رای جدش در این کتاب یاد کرده است: «واحتمل جدي - قدس سره - فی بعض کتبه تقدیم السیر، لأنه أضبط، ولأن الأصل الذی اعتمد علیه المصنف فی تقدیر المیل وهو مناسبتة لمسیر الیوم یرجع إليه.» شرح این جمله در ضمن قول دوم گذشت. رای شهید ثانی در روض الجنان بعد از مدارک توسط بسیاری از فقها مورد استناد یا نقد قرار گرفته است. به دلیل اهمیت علیرغم طولانی بودن نقل و مختصرا شرح می شود.

شهید ثانی همانند ماتن (علامه حلی در ارشاد الازهان) با ملاک هشت فرسخ بحثش را آغاز می کند، و با اشاره به اختلاف در محاسبه ذراع روایت فضل بن شاذان از امام رضا (که متن و ترجمه اش در ضمن عبارت محقق در معتبر گذشت) به عنوان تعلیل ملاک هشت فرسخ شاهد می آورد و این گونه نتیجه می گیرد: از این روایت دانسته می شود که مسافت شرعی مسیری یک روز با سیر شترهای باربری محاسبه می شود، و از آن جا که این امر با اختلاف [همواری] زمین، زمان [در فصول مختلف] و (سرعت) سیر [در حیوانات مختلف] تفاوت پیدا می کند،

در هر سه مورد بر حد وسط (اعتدال) حمل می شود، پس از میان حیوانات سیر شتر به عنوان وسیله نقلیه ملاک قرار گرفته زیرا فرد غالب در قافله هاست. برای اثبات این نکته روایت شیخ صدوق در من لایحضر از امام رضا (ع) را شاهد می آورد و این گونه ادامه می دهد:

بر این اساس مسیر یک روز از تقدیر هشت فرسخ کفایت می کند، حتی اگر در واقع از هشت فرسخ کمتر باشد، به دلیل ظاهر روایات معتبر که مسیر یک روز را به عنوان حد مسافت ذکر کرده اند. آری اگر تقدیر مسافت را بر اساس فرسخ (و مشابهاات آن) اعتبار کرد، اگر با مسیر یک روز سازگار بود، که واضح است مشکلی نیست؛ و اگر این دو ملاک با هم اختلاف پیدا کردند، سه احتمال است: احتمال اول: به هر یک از آنها عمل کند مجزی است، به عبارت دیگر مکلف مخیر است، چرا که روایات به هر دو دلالت می کند. احتمال دوم: مسیر یک روز را مقدم کند و به آن عمل کند، به دو دلیل:

دلیل اول، دلالت نص (روایات معتبر) بر آن قوی تر است، چرا که برای اعتبار مسافت بر اساس ذراع بر وجه مذکور (برگرداندن هر ذراع به ۲۴ انگشت و برگرداندن هر انگشت به ۶ یا ۷ دانه جو) نص صریحی در دست نیست. بلکه روایات و کلام أصحاب در این باره مختلف است. سید بن طاوس احمد بن موسی (م ۶۷۳، برادر صاحب اقبال) کتابی مستقل در محاسبه فرسخ نوشته است، نتیجه تحقیق او با نظر مشهور درباره فرسخ سازگار نیست.

دلیل دوم، مبنایی که مصنف (علامه حلی) و جماعتی دیگر (از فقها) در محاسبه فرسخ برگزیده اند به مسیر یک روز برمی گردد، چرا که علامه در تذکره الفقهاء این گونه استدلال کرده است: «هر فرسخ سه میل است به اتفاق، و هر میل چهار هزار ذراع است، زیرا مسافت به سیر عام یک روز شتر اعتبار می شود، و این با آنچه (در محاسبه فرسخ با میل) گفتیم سازگار است. همچنین وضع لغوی (میل) یعنی مقداری از زمین که با چشم می توان

دید [به نحوی که با سوی چشم متوسط در زمین صاف سواره از پیاده از این فاصله تمییز داده شود] با مسیر تناسب دارد.» پس علامه در تذکره دو دلیل بر رجوع تقدیر به مسیر یک روز اقامه کرد: یکی رجوع محاسبه فرسخ به متوسط مسیر یک روزه شتر، و دیگری تناسب وضع لغوی میل با مسیر.

احتمال سوم (در صورت اختلاف دو مبای مسیر یک روز و هشت فرسخ): از ذکرای شهید اول برمی آید که وی تقدیر هشت فرسخ را بر مسیر یک روز ترجیح داده است، چه بسا وجه آن این باشد که به نظر وی تقدیر هشت فرسخ بنا بر تحقیق است و مسیر یک روز بنا بر تقریب (و واضح است که تحقیق بر تقریب مقدم است). وجه دلالت کلام شهید ثانی در روض الجنان بر قول سوم: عبارت شهید دو بخش دارد. بخش اول تماماً در خدمت تبیین مسیر یک روز به عنوان ملاک اصلی مسافت شرعی است. بخش دوم بحث در سه احتمال صورت اختلاف تقدیر هشت فرسخ با مسیر یک روز. سه احتمال اینها بود: تخییر، تقدم مسیر بر تقدیر، و تقدم تقدیر بر مسیر. شهید ثانی بر احتمال دوم که مختار خود اوست دو دلیل اقامه کرد و با توجه به این دو دلیل واضح می شود که احتمال سوم نزد وی مردود است و با وجود احتمال دوم نوبت به احتمال اول نمی رسد. احتمال دوم چیزی جز رجحان مسیر یک روز بر تقدیر هشت فرسخ نیست و این همان مطلوب است. واضح است که فائلان بعدی راهی را که محقق حلّی و شهید ثانی آغاز کردند هموار کردند، آن چنان که خواهد آمد.



چهارم. محقق سبزواری در ذخیره

محقق سبزواری ملا محمد باقر (۹۸۷-۱۰۵۸) در ذخیره المعاد في شرح الارشاد: «فذهب علماؤنا أجمع إلى أن القصر يجب في مسيرة يوم تام بریدان ثمانية فراسخ أربعة وعشرون ميلا ... يجوز العمل بالسير والتقدير، ولو اعتبر المسافة بهما فاختلفا فالظاهر جواز الاكتفاء في لزوم القصر بكل واحد منهما، واحتمل الشارح الفاضل في بعض كتبه تقديم السير لأنه اضبط ويلوح من كلام الشهيد في الذكرى تقديم التأخير [التقدير ظ] وكأنه بناء على أنه تحقيق لا تقريب، وعندي ان العمل بالسير أولى بناء على وجوده صريحا في الاخبار وعدم تفسير الفراسخ في خبر معتمد.»

محقق سبزواری که در کفایه اش هر دو ملاک تقدیر و مسیر بدون این که یکی را بر دیگری برتری ببخشد به رسمیت شناخته بود، در ذخیره به شرح زیر عمیق تر بحث کرده است. وی ابتدا وجوب قصر (همان عزیمت در قبال رخصت) را نظر همه علمای امامیه دانسته است. ملاک را نیز مسیر یک روز تمام، هشت فرسخ، و بیست و چهار میل دانسته است. تا اینجا همانند کفایه عمل به هر دو ملاک مسیر و تقدیر را مجاز اعلام می کند.

سپس همانند شهید ثانی در روض الجنان صورت اختلاف دو مبنای تقدیر و مسیر را مورد بررسی قرار داده همانند وی همان سه احتمال را مطرح می کند: احتمال اول تخییر و جواز اکتفا به هر یک از دو ملاک؛ احتمال دوم تقدیم مسیر بر تقدیر به دلیل مضبوط تر بودن آن، قائل این احتمال کسی نیست جز شهید ثانی شارح فاضل ارشاد الاذهان در کتاب روض الجنان که اخیرا بحث و تحلیل آن گذشت. احتمال سوم تقدم تقدیم هشت فرسخ بر مسیر یک روز است با همان توجیهی که شهید ثانی از ظاهر کلام شهید اول در ذکرى کرد، که تحقیق مقدم بر تقریب است.

محقق سبزواری بعد از نقل سه احتمال با صراحت اعلام می کند که عمل به مسیر یک روز برای تعیین مسافت شرعی اولویت دارد، چرا که این امر صریحاً در روایات معتبر ذکر شده است، حال آن که تفسیر فرسخ (به میل و ذراع و انگشت و دانه جو) در هیچ روایت معتبری نیامده است. دلالت کلام ذخیره به قول سوم بی نیاز از توضیح است.



پنجم. محقق اصفهانی صاحب نه‌ایة الدراية

شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶-۱۳۶۱) صاحب نه‌ایة الدراية فی شرح الکفایة در کتاب صلوة المسافر: «فی تحدید المسافة: والأخبار فيه مختلفة، ففي بعضها إناطة الحكم بمسيرة يوم وبياض يوم، وفي بعضها إناطته بثمانية فراسخ، وفي بعضها بأحد الأمرين من مسيرة يوم أو ثمانية فراسخ. ولذا ذهب إلى كل منها بعض الأصحاب، فالشهيد الثاني إلى الأول، والأول إلى الثاني، وصاحب المدارك إلى الثالث. ولا بد في تنقيح المقام من تقديم مقدمة هي: إن المستفاد من الأخبار أن المراد بمسير اليوم ليس مطلقة كيفما اتفق، بل مسير معتدل لا ينفك عن قطع ثمانية فراسخ»

بعد از نقل چند روایت: «وهذه الروايات صريحة في إرادة المسير بسير معتدل يوافق ثمانية فراسخ ولا يتخلف أحدهما عن الآخر، ومسير يوم أقل من ثمانية، ليس من السير المعتدل الذي هو موضوع الحكم، والسير السريع في بعض اليوم إذا كان ثمانية فراسخ هو مسير يوم بالسير المعتدل، فهو داخل في موضوع الحكم. فهذه الروايات قرينة على المراد من مسيرة يوم الظاهرة إطلاقاً في جميع أنحاء المسير كما فهمه الراوي وحيث عرفت موافقة مسير يوم لثمانية فراسخ بمقتضى النصوص، فاعلم أن الأمر في هذين العنوانين يدور بين أمور: [١] إما كونهما معرفين للشرط، [٢] وإما كونهما شرطا وملاكا للحكم، إما تعيينا وإما تخييرا، [٣] وإما كون أحدهما المعين شرطا والآخر معرفا له» بعد از نقد مبنای اول و دوم اینگونه نتیجه گیری می کند:

«فينحصر الأمر في الثالث وهو كون أحدهما المعين شرطا والآخر معرفا. وهذا وإن لم يكن له ثمرة عملية، إلا أن الظاهر شرطية مسير يوم ومعرفية " الثمانية فراسخ "، لتعذر معرفة موافقة المسير لما هو المعتبر من سير القطار بين الحرمين. فكذا [فلذا ظ] جعلوا له معرفا يسهل تناوله ومعرفته.... فإن ترتيب وجوب التقصير في مسيرة يوم يكشف عن أنه ليست حكمة وغاية محضة، بل واجب بالأصالة، وإن وجوب التقصير في ثمانية فراسخ، لأجل وجوب التقصير في مسيرة يوم، فالإنسان بحسب مبادئه العلمية ربما يعلم أنه ثمانية فراسخ فينقل العلم بالتلازم إلى أنه مقدار مسير يوم بالسير المعتدل، وربما بحسب تجربته مرارا يعلم أن المسافة مقدار مسير يوم بالسير المعتدل فينتقل إلى أنه ثمانية فراسخ مساحة، والغالب هو الأول، ولذا جعلت الثمانية حدا ومعرفا. وحينئذ فملازمة الموصوف بالمعرفية لا بد وأن يكون إحراز ثمانية فراسخ، لاستحالة التلازم بين الوجود العلمي لشيء، والوجود الواقعي لشيء آخر، فتدبره فإنه حقيق به.»

شيخ محمد حسين غروي اصفهانی (مشهور به کمپانی) یکی از بزرگترین فقهای اصولی سده اخیر است. دو کتاب نهیة الدراية فی شرح الکفاية اخوند خراسانی و حاشية کتاب المکاسب شيخ انصاری از جمله مهمترین کتب

فقهی اصولی متاخر است. آراء او به دقت و عمق مشهور است. محقق اصفهانی رساله مستقلی دارد بنام «صلوة المسافر» که در کتاب بحوث فی الفقه وی منتشر شده است. محصول آراء وی در مسئله مسافت شرعی در این کتاب به شرح زیر است.

روایات در تعیین مسافت شرعی مختلف است. دسته اول روایاتی که حکم را به مسیر یک روز و روشنایی روز منوط کرده اند. دسته دوم روایاتی که حکم را منوط به هشت فرسخ کرده اند. دسته سوم روایاتی که حکم را منوط به یکی از دو امر مسیر یک روز یا هشت فرسخ کرده اند. به همین دلیل هر یک از أصحاب به یک دسته از این روایات رای داده اند. شهید دوم به دسته اول، شهید اول به دسته دوم، و صاحب مدارک به دسته سوم. برای تنقیح بحث ذکر مقدمه ای لازم است.

مستفاد از روایات این است که مسیر یک روز مطلق نیست که هر جور شد اتفاق بیفتد، بلکه مسیر معتدل که از طی هشت فرسخ منفک نمی شود. وی چهار روایت (روایتی از فقیه، حسنه کاهلی، صحیحہ ابن حجاج، و ذیل روایت عیون و علل) را به عنوان شاهد این نکته مقدماتی نقل می کند و این گونه ادامه می دهد: این روایات در اراده سیر معتدل موافق هشت فرسخ صراحت دارند، و مسیر روزی که کمتر از هشت فرسخ باشد سیر معتدلی که موضوع حکم محسوب شود نیست، سیر سریع در قسمتی از روز وقتی معادل هشت فرسخ باشد مسیر یک روز با سیر معتدل محسوب می شود، این فرض داخل موضوع حکم است. این روایات قرینه بر مراد است از مسیر یک روز که ظاهراً در تمام انحاء سیر اطلاق دارد آن چنان که راوی فهمیده است (این روایات ظهور اطلاق را تقیید می کند).

وقتی به مقتضای نصوص مبنی بر موافقت مسیر یک روز با هشت فرسخ آگاه شدی بدان که امر بین این دو عنوان دائر بین سه امر است: اول: هر دو عنوان معرف شرط مسافت باشند. دوم: هر دو شرط و ملاک حکم

باشند، تعیین یا تخییرا. سوم: یکی از این دو عنوان معینا شرط و عنوان دیگر معرف باشد. در حقیقت محقق اصفهانی واژه شرط را به عنوان مقوم موضوع و واژه معرف را به عنوان اماره و طریق به موضوع به کار برده است. در امر اول ما دو اماره و طریق به موضوع نفس الامری داریم. در امر دوم ما دو مقوم موضوع داریم. تعیین یعنی موضوع مرکب از این دو مقوم است. تخییرا یعنی یکی از این دو مقوم موضوع است به اختیار مکلف. در امر سوم یکی از دو امر مقوم موضوع است و عنوان دیگر اماره و طریق به سوی آن. و واضح است که این امر نیز به دو قسم تقسیم می شود: یکم. مسیر یک روز موضوع و هشت فرسخ اماره آن؛ دوم. هشت فرسخ موضوع حکم و مسیر یک روز اماره آن.

بعد از نقد امر اول و دوم این گونه بحث می کند. پس بحث منحصر به امر سوم شد و آن این است که یکی از این دو عنوان معینا شرط، و عنوان دیگر معرف باشد. این امر اگرچه ثمره عملی ندارد، اما ظاهر ادله حاکی از این است که مسیر یک روز شرط (مقوم موضوع)، و هشت فرسخ معرف (اماره و طریق) آن است، زیرا آگاهی از موافقت مسیر یک روز با آنچه از سیر قطار (شتر) بین دو حرم (ظاهرا در مسیر مکه و مدینه) معتبر است متعذر می باشد، برای همین برای آن معرفی قرار دادند تا کار با آن و شناختش آسان باشد. وی برای اثبات مدعای خود در شرطیت مسیر یک روز دو روایت (وسائل، أبواب صلاة المسافر، باب ۱، احادیث ۱۵ و ۱) استناد کرده این گونه ادامه می دهد:

ترتیب وجوب تقصیر در مسیر یک روز کاشف از این است که این امر حکمت و غایت محض (اماره و طریق) نیست، و این که وجوب تقصیر در هشت فرسخ برای وجوب تقصیر در مسیر یک روز جعل شده است. گاهی انسان با مبادی علمی خود در می یابد که این هشت فرسخ است، پس با تلازم به این منتقل می شود که این مقدار مسیر یک روز با سیر معتدل است (یعنی هشت فرسخ اماره و مسیر مقوم موضوع)؛ و گاهی نیز به خاطر تجارب متعدّدش

در می یابد که مسافت مقدار مسیر یک روز با سیر معتدل است، از این امر به هشت فرسخ منتقل می شود (یعنی مسیر اماره، و هشت فرسخ مقوم موضوع). غالب حالت اول است، به همین دلیل هشت فرسخ حد و معرف (اماره و طریق) قرار داده شد. (مسیر یک روز شرط یا مقوم موضوع). پس ملازمه امر موصوف به معرفیت باید احراز هشت فرسخ باشد، چرا که تلازم بین وجود علمی چیزی و وجود واقعی چیز دیگر محال است. (احراز هشت فرسخ وجود علمی مسافت و مسیر یک روز وجود واقعی همان مسافت است) در این امر تدبر کن که سزاوار آن است. دلالت نظر محقق اصفهانی به قول سوم: در تشقیق صور مسئله به سه امر روی دو امر نخست را ابطال کرد و با اثبات امر سوم مسیر یک روز را شرط (مقوم موضوع) و هشت فرسخ را معرف (اماره و طریق) آن دانست، این دقیقا مدعای قول سوم است. در ذیل کلامش نیز چند مؤید بر این امر ذکر کرد.

جمع بندی بخش اول

از بررسی اقوال فقهای امامیه نکات زیر به دست می آید:

أولا قصر نماز و عدم جواز روزه برای مسافر اجماعی است (عزیمت).

ثانیا این دو امر منوط به طی مسافت است بالاتفاق.

ثالثا مسافت دو معرف بیشتر ندارد: معرف اول: یک منزل، دو برید، هشت فرسخ، ۴۴ میل، ۹۶ هزار ذراع،

و شبیه آنها. معرف دوم: مسیر یک روز، روشنایی روز، اشتغال یک روز به سفر.

رابعا روایات بحث سه دسته اند: دست اول منحصر حاوی معرف نخست هستند. دسته دوم: منحصر حاوی

معرف دوم هستند. دسته سوم: هر دو معرف را با واو عطف یا او عطف (به معنی یا) آورده اند. در هر سه دسته

روایات معتبر السند یافت می شود.

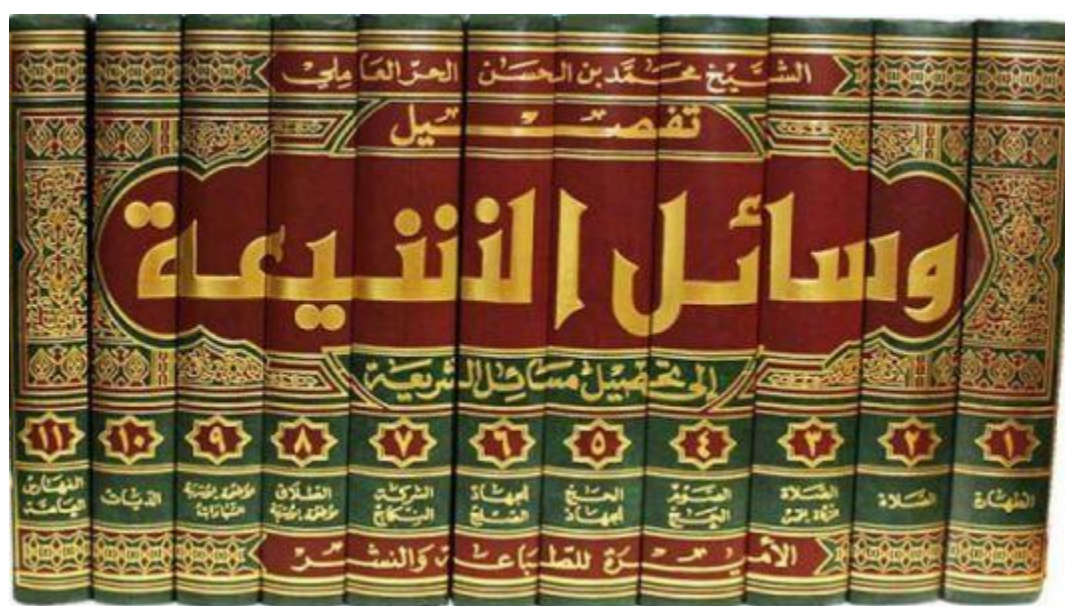
خامسا اکثر فقها هشت فرسخ (و اخواتش) را ملاک اصلی موضوع حکم قصر دانسته اند، آنها روایات دسته دوم و سوم را به نحوی تاویل کرده اند که دلالتی بر معرف مستقل نداشته باشد.

سادسا حداقل ده فقیه به دو ملاک برای تحقق موضوع قصر قائل شده اند: مسیری یک روز و هشت فرسخ. با احراز هر یک از دو ملاک فرد مسافر محسوب می شود. ایشان دسته سوم روایات را جامع دسته اول و دوم دانسته اند و از دو دسته نخست دلالتی بر حصر ملاک برداشت نکرده اند.

سابعا حداقل پنج فقیه مسیری یک روز را مقوم موضوع سفر شرعی دانسته و هشت فرسخ (واخواتش) را اماره و طریق به سوی ملاک اصلی تعبیر کرده اند. دسته دوم روایات دال بر مدعای ایشان است، دسته سوم مؤید و دسته اول به نحوی به اماره و طریق تاویل می شود.

ثامنا هیچیک از سه قول مذکور اجماعی نیست و اختیار هر یک از آنها بنا بر مستند روایی است.

بخش دوم: مروری بر روایات بحث



در مورد مسافت روایات موجود به طور کلی بر دو دسته اولیه بزرگ تقسیم می شود: روایات مورد عمل اصحاب و روایات مورد اعراض ایشان. بحث را متمرکز بر دسته بزرگ اول می کنم. مراد از دسته بزرگ دوم روایاتی است که مسیر یک شبانه روز، مسیر دو روز، سه برید، و یک برید برای رفت و برگشت را به عنوان مسافت تعیین کرده اند. روایات دسته بزرگ اول (مورد عمل اصحاب) خود به سه دسته تقسیم می شوند.

دسته اول: روایاتی که تقدیر مسافت کرده اند: دو برید، هشت فرسخ یا ۲۴ میل. دسته دوم: روایاتی که مسیر یک روز یا روشنایی روز یا اشتغال یک روز به سفر را به عنوان مسافت تعیین کرده اند. دسته سوم: روایات جامع دو دسته گذشته. در هر دسته تنها روایات صحیحه یا موثقه مورد عمل اصحاب انتخاب شده است. در هر یک

از دسته های اول و دوم تنها دو روایت ذکر شده و در دسته سوم پنج روایت آورده ام. در انتهای هر روایت در پیرانتر شماره باب و شماره حدیث ذکر شده است. منبع روایات وسائل الشیعة، کتاب الصلاة، ابواب صلاة المسافر است.

دسته اول: روایات تقدیر مسافت

روایت اول. موثقه عیص بن القاسم عن أبي عبدالله (ع) قال: في التقصير حده أربعة وعشرون ميلا يكون ثمانية فراسخ (باب ۱، حدیث ۱۴) حد تقصیر ۲۴ میل معادل هشت فرسخ است.

روایت دوم. صحیحہ معاویة بن وهب قلت لأبي عبدالله (ع): أدنى ما يقصر فيه المسافر الصلاة؟ فقال (ع): برید ذاهبا وبرید جائيا (ب ۲ ح ۲) پرسش: کمترین حدی که مسافر نماز را شکسته می کند کدام است؟ پاسخ: یک برید رفت و یک برید برگشت.

در روایت نخست مسافت شرعی ۲۴ میل و ۸ فرسخ ذکر شده، و در روایت دوم دو برید، هر سه معنای واحدی را افاده می کنند.

دسته دوم: روایات مسیر یک روز

روایت سوم. صحیحہ علی بن یقطین قال: سألت أبا الحسن الأول (ع) عن الرجل يخرج في سفره وهو في مسيرة يوم، قال: يجب عليه التقصير (في) مسيرة يوم، وإن كان يدور في عمله. (ب ۱ ح ۱۶) راوی از امام کاظم (ع) درباره مردی می پرسد که در مسیر یک روزه برای سفر خارج شده است. پاسخ امام: بر او در مسیر یک روز تقصیر واجب است، و اگرچه در کارش بکوشد.

روایت چهارم. صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج، عن أبي عبدالله (ع) - في حديث - قال: قلت له كم أدنى ما يقصر فيه الصلاة؟ قال: جرت السنة ببياض يوم، فقلت له: إن بياض يوم يختلف يسير الرجل خمسة عشر فرسخا في يوم ويسير الاخر أربعة فراسخ وخمسة فراسخ في يوم، قال: فقال: إنه ليس إلى ذلك ينظر، أما رأيت سير هذه الأميال بين مكة والمدينة، ثم أوماً بيده أربعة وعشرين ميلا يكون ثمانية فراسخ. (ب ۱ ح ۱۵) پرسش: کمترین حدی که نماز در آن شکسته می شود چیست؟ پاسخ امام: سنت به روشنایی روز جاری شده است. پرسش دوباره: روشنایی روز (در فصول مختلف سال) تفاوت می کند، در یک روز فرد پانزده فرسخ می رود، در روز دیگر چهار فرسخ، و در روز دیگر (سوم) پنج فرسخ. پاسخ دوباره امام: اینگونه (به مسئله) نگریسته نمی شود. آیا سیر میلها را بین مکه و مدینه دیده ای؟ سپس با دستش اشاره کرد: بیست و چهار میل معادل هشت فرسخ است.

در روایت نخست مسافت شرعی با مسیر یک روز تعریف شده است. در روایت دوم ملاک روشنایی روز ذکر شده، راوی به تفاوت روشنایی روز در اوقات سال اشاره می کند. امام روشنایی روز را به ضابطه بیست و چهار میل معادل هشت فرسخ برمی گرداند. مفاد این روایت توسط فقها به دقت مورد بحث قرار گرفته است.

دسته سوم: روایات جامع

روایت پنجم. صحیحہ أبي بصير قال قلت لأبي عبدالله (ع) في كم يقصر الرجل؟ قال: في بياض يوم أو بردين. قال خرج رسول الله (ص) إلى ذي خُشب فقصر وأفطر. فقلت: وكم ذي خُشب؟ قال: بريدان. (ب ۱ ح ۱۱-۱۲) از امام پرسیدم: در چه مسافتی فرد نمازش شکسته می شود؟ پاسخ امام صادق (ع): در روشنایی روز یا دو برید. پیامبر (ص) [از مدینه] به ذی خُشب رفت، نمازش را شکسته اقامه کرد و روزه اش را إفطار کرد. پرسیدم: ذی خُشب در چه مسافتی بود؟ پاسخ امام: دو برید.

روایت ششم. صحیحہ ابي ایوب عن ابي عبدالله (ع) سألته عن التقصير، فقال: في بریدین أو بیاض يوم.
(ب ۱ ح ۷) از امام صادق (ع) درباره تقصیر پرسیدم. پاسخ داد: دو برید یا روشنائی روز.

روایت هفتم. موثقہ (مضمرة) سماعة قال: سألته عن المسافر في كم يقصر الصلاة؟ فقال: في مسيرة يوم
وذلك بریدان وهما ثمانية فراسخ. (ب ۱ ح ۸) پرسیدم مسافر در چه مسافتی نماز را قصر می کند؟ پاسخ داد: در
مسیر یک روز و آن هشت فرسخ است.

روایت هشتم. روایت فضل بن شاذان از امام رضا (ع) (با سند معتبر صدوق در من لا یحضره الفقیه) قال:
إنما وجبت التقصير في ثمانية فراسخ لا أقل من ذلك ولا أكثر، لأن ثمانية فراسخ مسیر يوم للعامة والقوافل والأثقال
فوجب التقصير في مسیر يوم، قال ولو لم تجب في مسیر يوم، لما وجب في مسیر الف سنة لأن كل يوم يكون بعد
هذا اليوم فإنما هو نظير هذا اليوم، فلو لم يجب في هذا اليوم لما وجب في نظيره. (ب ۱ ح ۱) شکسته شدن نماز در
هشت فرسخ واجب شده، نه بیشتر و نه کمتر، چرا که هشت فرسخ مسیر یک روز برای عموم مردم، کاروانها و
بارهاست [که با مسافران جابجای شود]، پس شکستن نماز در مسیر یک روز واجب است. و اگر شکسته شدن
نماز در مسیر یک روز واجب نمی شد، در مسیر هزار سال هم واجب نمی شد، زیرا هر روزی بعد از این روز و
نظیر آن است، و اگر در این روز واجب نمی شد در ماندهای آن نیز واجب نمی شد.

روایت نهم. صحیحہ عبد الله بن يحيى الكاهلي عن ابي عبدالله (ع) في التقصير في الصلاة: برید في برید أربعة
وعشرون ميلا، ثم قال: كان ابي (ع) يقول: إن التقصير لم يوضع على البغلة السفواء والدابة الناجية، وإنما وضع على
سير القطار. (ب ۱ ح ۳) راوی از تقصیر در نماز می پرسد. امام صادق (ع) پاسخ می دهد: دو برید [یا] بیست و
چهار میل. سپس از پدرش امام باقر (ع) نقل می کند که تقصیر بر شتر چابک (خفيفة سريعة) و مرکب سریع

السیر (مرکب تندرویی که ناجی سوار آن است، در حکم آمبولانس‌های این زمان!) وضع نشده است، بلکه بر سیر (روزانه) قطار شتر وضع شده است.

در روایت پنجم و ششم روشنائی روز یا دو برید ملاک مسافت تعیین شده است. در روایت هفتم مسیر یک روز به دو برید و هشت فرسخ برگردانده شده است. در روایت هشتم که مکرراً مورد مراجعه فقها واقع شده هشت فرسخ به مسیر یک روز قافله‌های شتر تعریف شده است. در روایت نهم اولاً مسافت به دو برید [یا] بیست و چهار میل تعریف شده، ثانیاً ملاک محاسبه قطار شتر قرار داده شده نه مرکب‌های سریع‌السیر. واضح است که نکته اخیر در تبیین مسیر یک روز است و ارتباطی با تعبیر مسافت به برید و میل ندارد. این روایت از کلیدی‌ترین روایات مورد استناد فقها در نحوه محاسبه مسیر یک روز است.

از این‌که روایت هشت روایت آن (به استثنای روایت هشتم) در تهذیب شیخ طوسی نقل شده است. از این هشت روایت شش روایت در استبصار شیخ طوسی هم نقل شده (به استثنای روایت چهارم، و نیمه دوم روایت پنجم). روایت هشتم را شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه ذکر کرده است. جالب اینجاست که در بین روایان معتبرالسند مسافت نماز مسافر هیچ روایتی از کافی کلینی به چشم نمی‌خورد. تحلیل مفاد روایات در ضمن قول مختار در بخش پنجم می‌آید.

جمع بندی بخش دوم

اول. از روایات مسافت در نماز مسافر روایاتی را انتخاب کردیم که مورد عمل اصحاب واقع شده است.
دوم. از این روایات مورد عمل اصحاب روایات معتبرالسند را برگزیدیم، مجموعاً نه روایت.

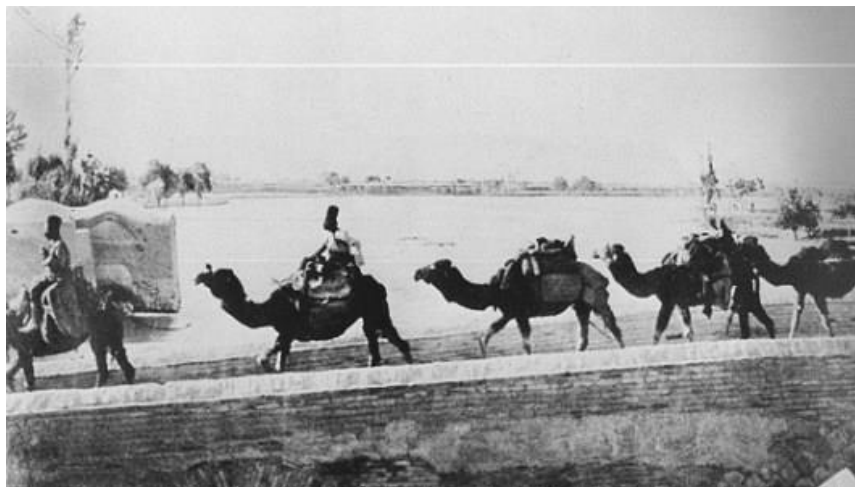
سوم. این روایات به سه دسته تقسیم شدند: روایاتی که صرفاً مسافت تقدیری یعنی دو برید، هشت فرسخ و بیست و چهار میل ذکر کرده اند، روایاتی که صرفاً به مسیر یک روز، یا روشنایی روز پرداخته اند، و روایاتی که هر دو مبنا را با هم متعرض شده تند.

چهارم. علاوه بر این در روایات یادشده نکات مهم دیگری هم آمده است از جمله اختلاف روزهای سال و برگرداندن روز معتدل به مسافت تقدیری، قافله شتر به عنوان مرکبی که با آن مسیر یک روز محاسبه می شود، نه شتر چابک یا است تیزتک، و ارتباط وثیق مسافت تقدیری با مسیر یک روز در زمان صدور روایات.

پنجم. اکثر این روایات معتبرالسند از امام صادق (ع)، یکی از امام کاظم (ع) و یکی از امام رضا (ع) نقل شده است. امام صادق (ع) در ضمن این روایات روایتی را از پدرش امام باقر (ع)، و از همه مهمتر سنت رسول خدا (ص) در نماز و روزه مسافر را نقل کرده است.

ششم. از این نُه روایت هشت روایت را شیخ طوسی در تهذیب (و شش روایت مشترکاً در استبصار) و یک روایت را شیخ صدوق در من لایحضر نقل کرده است.

بخش سوم: نقد و بررسی مبنای زمانی و مسافت تقدیری



بحث همچنان در مقام اول است یعنی دوره امکان تقارب دو معرف مسافت تقدیری (هشت فرسخ) و مبنای زمانی (مسیر یک روز) یا دوران قدیم (قبل از بکارگیری وسایل نقلیه موتوری یعنی تا نیمه قرن چهاردهم هجری قمری). در این دوره هیچ اختلاف معنی داری بین دو معرف نیست و انتخاب هر یک از اقوال سه گانه به لحاظ موضوع خارجی هیچ مشکلی ندارد. آیه ای در بحث در کار نیست. هر قول روایات معتبرالسندی در اختیار دارد. در دلالت این روایات ارتباط این دو معرف غیرقابل انکار است. این ارتباط در روایات هفتم (موثقه سماعه) و خصوصا روایت هشتم (روایت فضل بن شاذان) به بهترین وجهی تبیین شده است.

دلالت روایات سوم (صحیحہ علی بن یقظین) و چهارم (صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج) در اثبات اینکه ملاک مسافت مسیر یک روز یا روشنایی آن هستند تام است. روایات پنجم (صحیحہ اُبی ایوب) و ششم (صحیحہ اُبی بصیر) که حاوی هر دو معرف هستند در مقام معرفی مقوم موضوع (مسیر یک روز) و اماره و نشانه آن (هشت فرسخ و مانند آن) هستند. بر این اساس روایات اول (موثقه عیص بن القاسم) و دوم (صحیحہ معاویة بن وهب) در مقام معرفی اماره و نشانه موضوع هستند نه لزوما مقوم آن. واضح است که این دلالت ظاهر است و نه لزوما نص. فقهای که برعکس هشت فرسخ را مقوم موضوع و مسیر یک روز را اماره آن دانسته اند

(قول اول) یا فقهای که هر دو را موضوع حکم در عرض هم دانسته اند (قول دوم) نیز ادعای ظهور دیگری برای ادله کرده اند که دلیل قطعی بر رد آنها نیز در دست نیست.

مهم این است که بدانیم در آن ظرف زمانی فایده عملی فراوانی بر اینکه کدام یک از این سه قول اختیار شود نبوده است. فایده عملی منحصر به موارد اختلاف دو ملاک است که مصادیق تحقق آن در آن دوره فراوان نبوده است. اما در ضمن استدلالهای سه قول علاوه بر ادله روایی ادله دیگری هم به چشم می خورد و من در اینجا در ضمن دو بحث می خواهم به نقد و بررسی این ادله غیرروایی پردازم، مبنای زمانی یا همان مسیر یک روز، و مسافت تقدیری یا همان تقدیر هشت فرسخ و اخواتش. این بخش شامل دو مبحث به شرح زیر است: تحلیل انتقادی مبنای زمانی و تحلیل انتقادی مسافت تقدیری.

مبحث اول. تحلیل انتقادی مبنای زمانی

مراد از مبنای زمانی مسیر یک روز، روشنایی روز یا اشتغال یک روز به سفر است. در ضمن نقل اقوال فقها اشکالی مکررا به این مبنا از سوی قائلان قول اول (موضوع سفر شرعی هشت فرسخ است) مطرح شد. در بحث اول این اشکال از چهار زاویه بررسی شده با اشاره به نام قائلان آن تحلیل می شود. در بحث دوم پاسخ این اشکال در هر زاویه با اشاره به نام قائلان آن از قول سوم یا دوم نقل و تحلیل انتقادی می شود.

بحث اول. نقدهای مبنای زمانی

اشکال شده که مسیر یک روز مضبوط نیست و از چهار زاویه می تواند تفاوت فاحش داشته باشد:

زاویه اول: روز از حیث مبدء و منتهی چندان مشخص نیست. آیا مبدء آن طلوع فجر یا سحر و اذان صبح

است یا طلوع آفتاب؟ منتهای آن غروب آفتاب است یا مغرب و ذهاب حمرة مشرقیه و اذان مغرب؟

زاویه دوم: فارغ از مبدء و منتهی مسیر روز از سه حیث دیگر تفاوت فاحش می تواند داشته باشد: اول طول

روز در فصول مختلف گاهی تا پنج ساعت فرق دارد؛ دوم به سرعت مسافر یا مرکب او بستگی دارد، گاهی آهسته

حرکت می کند، و گاهی به سرعت، به نحوی که در طول زمانی واحد ممکن است مسافری چند برابر مسافر دیگر

مسافت پیموده باشد؛ سوم به زمین و جاده بستگی دارد. گاهی زمین و جاده هموار است، گاهی ناهموار و سنگلاخی،

سربلایی یا سرازیری است، واضح است طی این مسیرها به لحاظ زمانی تفاوت فاحشی دارد. با توجه به این سه

امر چگونه می توان یک مسیر یک روز را ملاکی منضبط و دقیق دانست؟

زاویه سوم: مسیر یک روز حیث دیگری هم می تواند مبهم باشد. آیا مراد طی طریق در تمام روز است یا

توقف برای رفع خستگی، غذا، قضای حاجت، و نماز از مسیر یک روز کسر می شود؟

زاویه چهارم: مسیر یک روز در دریا منضبط نیست. وزش باد موافق یا مخالف، توفانی بودن یا آرام بودن

دریا، نوع بلم، قایق یا کشتی در مسافت طی شده باعث اختلاف فراوان می شود.

با توجه به همه یا برخی نکات فوق برخی فقها تقدیر مسافت را با فرسخ در مقایسه با مسیر یک روز ترجیح

داده اند و آن را اضبط و بنا بر تحقیق دانسته اند و در نتیجه مسیر یک روز را امری تقریبی به حساب آورده اند.

برای نخستین بار شهید ثانی در روض الجنان این برداشت را به شهید اول در ذکری نسبت دارد. زاویه دوم اختلاف

در کلام محقق همدانی و شیخ عبدالکریم حائری یزدی مورد اشاره قرار گرفته است.

بحث دوم. بررسی نقدهای مبنای زمانی

هر چهار زاویه اختلاف از دید قائلین به مبنای مسیر یک روز بلکه برخی از آنها حتی در روایات مخفی نبوده و به دقت مورد بحث قرار گرفت است.

زاویه اول یعنی مبدء و منتهی دو احتمال بیشتر نیست یکی روز روزه و دیگر از طلوع تا غروب خورشید. صیمری در غایة المرام و کشف الالتباس، محقق اردبیلی در مجمع الفائدة، صاحب مدارک، سبزواری در کفایة، صاحب حدائق و صاحب جواهر مسیر روز را معادل زمان روزه دانسته اند از طلوع فجر تا غروب آفتاب. سبزواری در ذخیره، شیخ انصاری در کتاب الصلاة، و محقق همدانی در مصباح الفقیه روز را بین طلوع و غروب خورشید تفسیر کرده اند. مستند قول اول روشنایی روز در برخی روایات است، اما قول دوم با استناد به همان روایات آن را بر سفر متعارف قافله ها تطبیق کرده است. حق با قول دوم است. در هر صورت در هر دو قول ابهامی در طول روز از حیث مبدء و منتهی به فتوای هر فقیه نیست.

زاویه دوم اولاً این اختلافات فاحش برای أصحاب ائمه هم مطرح بوده و از ایشان پرسیده اند و ائمه هم نظر صریح خود را در این زمینه ابراز داشته اند. به یک نمونه اشاره می کنم. صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج از امام صادق (ع) که به عنوان روایت چهارم در بخش قبل متنش ذکر شد. راوی می پرسد: کمترین حدی که نماز در آن شکسته می شود چیست؟ پاسخ امام: سنت به روشنایی روز جاری شده است. راوی دوباره می پرسد: روشنایی روز (در فصول مختلف سال) تفاوت می کند، در یک روز فرد پانزده فرسخ می رود، در روز دیگر چهار فرسخ، و در روز دیگر (سوم) پنج فرسخ. پاسخ دوباره امام: اینگونه (به مسئله) نگریسته نمی شود. آیا سیر میلها را بین مکه و مدینه دیده ای؟ سپس با دستش اشاره کرد: بیست و چهار میل معادل هشت فرسخ است. (پایان ترجمه روایت) در روایت معتبر فوق راوی دقیقاً به حیث اول زاویه دوم اشاره می کند: تفاوت فاحش طول روز در فصول مختلف سال. امام نگرش وی را رد کرده طول روز را به مسافت برمی گرداند. فقها از این روایت و روایات مشابه

اینگونه برداشت کرده اند که مراد امام روز معتدل یا متوسط بوده که مسیر طی شده در چنین روزی ملاک است نه مسیر روزهای بلند یا روزهای کوتاه. این مسیر روزهای معتدل متوسط معادل ۴۴ میل یا هشت فرسخ می شود. ابن فهد حلی، صیمری، شهید ثانی در روض الجنان و بحرالعلوم از روز ملاک به «روز معتدل» تعبیر کرده اند و وحید بهبهانی از آن به «روز متوسط» یاد کرده است. صاحب مفتاح الکرامه ضمن نقل رساله استادش بحرالعلوم معتقد است که بر این حیث (روز معتدل) نص صریحی در دست نیست. البته نمی توان منکر ظهور ادله در این امر شد، هرچند در مورد نص مورد ادعای بحرالعلوم حق با شاگرد است. روز معتدل را می توان اول فروردین یا اول مهر قرار داد که طول روز در نهایت اعتدال است.

اما حیث دوم یعنی سرعت مسافر یا مرکب او این امر مورد عنایت أصحاب بوده و مسیری که قافله های شتر در یک روز معتدل را ملاک قرار داده اند. علت آن را نیز ذکر کرده اند: قافله شتر وسیله نقلیه غالب در آن زمان بوده است. ابن فهد حلی، صیمری، شهید ثانی در روض الجنان، فیض کاشانی، بحرالعلوم، صاحب مفتاح الکرامه و محقق غروی اصفهانی از جمله فقهای هستند که به این نکته ظریف تصریح کرده اند. حتی در مورد شتر هم به متوسط بودن سیر او اشاره کرده اند.

اما حیث سوم یعنی همواری و ناهمواری جاده را شهید ثانی در روض الجنان به صراحت مد نظر قرار داده است. عبارت وی از این قرار است: «مسافت شرعی مسیر یک روز با سیر شترهای باربری محاسبه می شود، و از آن جا که این امر با اختلاف [همواری] زمین، زمان [در فصول مختلف] و [سرعت] سیر [در حیوانات مختلف] تفاوت پیدا می کند، در هر سه مورد بر حد وسط (اعتدال) حمل می شود، پس از میان حیوانات سیر شتر به عنوان وسیله نقلیه ملاک قرار گرفته زیرا فرد غالب در قافله هاست. برای اثبات این نکته روایت شیخ صدوق در من لایحضر از امام رضا را شاهد می آورد.»

مراد وی صحیحہ عبد اللہ بن یحییٰ کاهلی است که در ضمن آن امام صادق (ع) می گوید تقصیر نماز با دو برید یا ۲۴ میل محقق می شود. سپس از پدرش امام باقر نقل می کند: «إن التقصیر لم یوضع علی البغلة السفواء والدابة الناجية إنما وضع علی سیر القطار» تقصیر بر شتر چابک (خفیفه سریعة) و مرکب سریع السیر (مرکب تندرویی که ناجی سوار آن است) وضع نشده است، بلکه بر سیر (روزانه) قطار شتر وضع شده است. (روایت نهم که متن کامل آن در بخش قبلی گذشت.) لازم به ذکر است که عبد اللہ بن یحییٰ کاهلی اولاً از اصحاب امام صادق و امام ابوالحسن [موسیٰ الکاظم] (علیهما السلام) بوده (رجال نجاشی)، شیخ الطایفه او را از اصحاب امام ابوالحسن موسیٰ بن جعفر الکاظم (ع) معرفی کرده (رجال)؛ ثانیاً کاهلی هرگز روایتی از ابوالحسن ثانی (امام رضا) نقل نکرده (معجم رجال الحدیث)؛ ثالثاً کاهلی این روایت را از امام صادق (ع) نقل کرده است (من لایحضره الفقیه). بنابراین انتساب روایت به امام رضا (ع) در روض الجنان سهوی است.

زاویه سوم یعنی مسافت یک روز بعد از کسر توقف برای رفع خستگی، غذا، قضای حاجت، و نماز است، نیز مورد بحث برخی فقها قرار گرفته و اینکه در مسیر یک روز به طور کامل مشغول طی طریق باشد را نفی کرده اند. اتکای اصلی این فقها به سفرهای متعارف است که در طول روز ساعاتی به این امور اختصاص دارد و با احتساب این ساعات گفته می شود که یک روز راه طی شده است. به عنوان مثال سید بروجردی در تقریرات استاد منتظری از ایشان (البدر الزاهر فی صلوة الجمعة والمسافر) به وضوح به این نکته اشاره کرده است: در قصر آنچه اعتبار دارد این است که سفر روز او را دربر بگیرد، اگرچه همه روز را در حال حرکت نباشد. بنابراین عادت مسافران ساعاتی از شبانه روز را به طی کردن مسافت می پردازند و بقیه اوقات را به استراحت می پردازند. این امر در فصول و زمانهای مختلف تفاوت می کند. مجموع سیر که عادتاً در یک شبانه روز به حسب مرکبهای گذشته طی

می شده هشت فرسخ بوده است، این مسافت مناسب با اقتضای زمان و حال گاهی فقط در روز و گاهی فقط در شب و گاهی در روز و شب طی می شده است.

زاویه چهارم: در سفرهای دریایی (در رودخانه، دریا و اقیانوس با قایق، بلم و کشتی با پارو یا بادبان) باز مسیر وسیله نقلیه عمومی غالب در دریا یا رودخانه یک روز معتدل، از طلوع تا غروب خورشید با سرعت سیر معتدل، بدون ورزش باد مخالف، در دریای آرام، با احتساب زمان استراحت متعارف ملاک مسافت شرعی قصر نماز بوده است. بسیاری أصحاب به عدم تفاوت سفر زمینی و دریایی از حیث قصر نماز تصریح کرده اند و برخی از آنها هم موازین یادشده را معادل طی هشت فرسخ دانسته اند. تفصیل این زوایای چهارگانه در ضمن بحث از قول مختار در بخش پنجم خواهد آمد.

جمع بندی مبحث اول

مسیر یک روز معنای دقیقش مسیر طی شده از طلوع تا غروب خورشید، در یک روز معتدل، با مرکب معتدل، با سرعت معتدل، در جاده معتدل با احتساب زمان استراحت متعارف است که در آن دوران معادل هشت فرسخ می شده است.

یک. مقصود از روز از طلوع تا غروب خورشید است. برخی فقها از طلوع فجر تا غروب آفتاب معادل روز در روزه را تعیین کرده اند. اما متعارف در سفرهای آن دوران از طلوع آفتاب است.

دو. مراد از روز معتدل روز متوسط است نه روزهای کوتاه مثل فردای شب یلدا، نه روزهای بلند مثل ایام تیر و مرداد، بلکه روزهای اعتدال بهاری یا پائیزی مثل روز اول فروردین یا اول مهر.

سه. منظور از مرکب معتدل در این دوران به تصریح برخی روایات معتبر قافله شتر با بار سنگین است نه شترهای چابک یا اسبان تیزتک. مرکبهایی که غالب مردم با آن مسافرت می کردند.

چهار. مراد از سرعت معتدل یا متوسط سرعتی است که قافله شتر به طور عادی می پیموده نه بسیار آهسته نه بسیار تند، بلکه با سرعت متعارف و متوسط.

پنج. زمانی که مسافران و مرکبها برای استراحت، قضای حاجت، صرف غذا و نماز مسافران به اندازه متعارف صرف می کرده اند، جزء مسیر یک روز حساب می شود و لازم نیست تمام ساعات روز در حال طی مسیر باشند.

شش. سفر آبی از حیث احتساب مسافت شرعی با سفر زمینی تفاوتی نداشته است. در سفر آبی نیز مسیر قایق یا کشتی (وسیله نقلیه غالب عمومی) در یک روز معتدل، از طلوع تا غروب خورشید با سرعت سیر معتدل، بدون وزش باد مخالف، در دریای آرام، با احتساب زمان استراحت متعارف ملاک مسافت شرعی قصر نماز بوده است.

نتیجه: با توجه به شش نکته فوق مسافتی که طی می شده مسافت شرعی محسوب می شده است. این مسافت در آن دوران معادل هشت فرسخ بوده است. محاسبه مسافت مسیر یک روز با توجه به نکات یادشده اولاً امری نوعی و همگانی بوده نه شخصی و ذهنی. ثانياً مطابق ابزار آن دوران مضبوط و واجد دقت نسبی بوده و تقریبی و تخمینی نبوده است. ثالثاً این شیوه محاسبه سهل و ساده برای همگان و فاقد هرگونه پیچیدگی بوده است. نکته کلیدی: در تمام موازین شش گانه حد متوسط و معتدل محاسبه می شده است.

مبحث دوم. تحلیل انتقادی مسافت تقدیری



آیا تقدیر مسافت با برید، فرسخ، میل و ذراع و مانند آنها با وسایل اندازه گیری آن دوران امری تحقیقی، مضبوط، ساده و در دسترس همگان بوده است؟ این پرسش اصلی این مبحث است. پاسخ برخی فقها به این پرسش مثبت بوده است، از قبیل ظاهر ذکرای شهید اول، وحید بهبهانی در مصابیح الظلام، شیخ انصاری در کتاب الصلاة، محقق همدانی در مصباح الفقیه، و شیخ عبدالکریم حائری یزدی در تقریرات کتاب الصلاة.

در مقابل، پاسخ برخی دیگر از فقها که با جزئیات بیشتری مسئله را مورد بحث قرار داده اند منفی است. آنها برخلاف گروه اول مسیر یک روز را مضبوط تر و تقدیر مسافت با ذراع و فرسخ و مانند آن را پراختلاف و فاقد مستند روایی یا مضطرب یا در نهایت راجع به مسیر یک روز یافته اند. به عنوان نمونه سید بن طاوس جمال الدین احمد بن موسی در رساله منفرد تقدیر الفراسخ، شهید ثانی در روض الجنان، محقق اردبیلی در مجمع الفائدة، صاحب مدارک، سبزواری در ذخیره، و صاحب حدائق. من عین کلمات هر دو گروه را همراه با ترجمه و شرح در بخش اول آوردم. در اینجا دو اشکال جدی وارد بر مسافت تقدیری ابراز شده از سوی فقها به شرح زیر نقل و

تحلیل انتقادی می شود. اشکال اول: اختلاف فاحش در محاسبه مسافت تقدیری؛ اشکال دوم: مرجع برخی موازین مسافت تقدیری همان مسیر یک روز است!

اشکال اول: اختلاف فاحش در محاسبه مسافت تقدیری

در روایات از این سه میزان برای معرفی مسافت تقدیری استفاده شده است: دو برید، هشت فرسخ، و بیست و چهار میل. شهید ثانی ارتباط این موازین را این گونه نوشته است: «هر فرسخی سه میل است، هر میلی چهار هزار ذراع است، هر ذراعی بیست و چهار انگشت است، هر انگشتی هفت جو الصاق شده به هم در سطح بزرگتر و گفته شده [هر انگشت] شش [دانه جو با شروط قبلی] است، و چه بسا اختلاف [در محاسبه هر انگشت بین هفت و شش جو] به سبب اختلاف [در محاسبه] عرض هر جو است، زیرا هر جو هفت مو از موهای متوسط بردون [چارپائی از اسب پائین تر و از الاغ تواناتر] است.»

در این هفت میزان محاسبه طولی واحد اندازه گیری یا کوچکترین آن موی متوسط بردون است، و به ترتیب بر اساس آن یک دانه جو، انگشت، ذراع، میل، فرسخ و برید محاسبه می شود. اما میل (کوچکترین واحد طولی مسافت به کار رفته در روایات) چه میزانی از مسافت است؟ شهید ثانی خود آن را چهار هزار ذراع اعلام کرد، که به نوشته محقق حلی در شرایع مشهور بین مردم همین مقدار است. اما ابوالمجد حلی در إشارة السبق میل را سه هزار ذراع محاسبه کرده است! یعنی هزار ذراع اختلاف و ۲۰٪ خطا!

به هر حال بر تقدیر مشهور (هر میل چهار هزار ذراع) سه اشکال شده است:

الف. شهید ثانی: «در اعتبار مسافت بر وجه مذکور [هر میل چهار هزار ذراع] نص صریحی نیست، بلکه روایات در این باره مختلف است.» به یک نمونه از اختلاف روایات اشاره می کنم. در روایت نخست هر میل سه

هزار و پانصد ذراع است (ب ۲ ح ۱۳) و در روایت دوم هر میل هزار و پانصد ذراع (ب ۲ ح ۱۶)؛ روایت اول را کلینی در کافی نقل کرده و روایت مرسله دوم را صدوق در من لایحضر. هر دو روایت ضعیف السند را در واقعه واحدی امام صادق (ص) از پیامبر (ص) از جبرئیل نقل کرده که ذیل مورد بحث آن ظاهراً کلام امام صادق است. تفاوت ۱۵۰۰ با ۳۵۰۰ بسیار فاحش است. حتی اگر روایت صدوق را متروک یا حذف سه قبل از هزار را سهوی بدانیم، باز روایت کلینی با چهار هزار ذراع که میزان مشهور است ۵۰۰ ذراع فاصله دارند، که فاصله کمی نیست: یک هشتم خطا!

ب. اختلاف اصحاب در محاسبه عرض هر انگشت: عرض انگشت را ابن فهد حلّی در مهذب البارع، فاضل مقداد در التنقیح الرائع، صیمری در غایة المرام «شش دانه جو» دانسته اند. حال آن که شهید ثانی در روض الجنان و شرح لمعة، محقق اردبیلی در مجمع الفائدة، صاحب مدارک، سبزواری در ذخیره، صاحب حدائق، کاشف الغطاء، و صاحب ریاض «هفت دانه جو». اگر در عرض هر انگشت یک دانه جو اختلاف پیش بیاید، در محاسبه هر ذراع بیست و چهار دانه جو اختلاف حاصل می شود و در هر میل چهار هزار ضربدر بیست و چهار و در هر فرسخ نتیجه قبلی ضربدر سه. نتیجه اختلاف در محاسبه فرسخ «بسیار فاحش» است.

ج. برای محاسبه هر انگشت هفت یا شش دانه جو را چگونه کنار هم قرار دهیم؟ حداقل دو گونه ممکن است این دانه های جو را به هم الصاق کنیم: اول: سطح بزرگتر آنها را به هم بچسبانیم (روض الجنان، شرح لمعة، المقاصد العلیة، و ریاض)، یا شکم هر یک را به پشت دیگری الصاق کنیم (مهذب البارع، غایة المرام و مجمع الفائدة)، دوم: آنها در عرض به هم بچسبانیم (مدارک). این دو گونه الصاق به دو محاسبه مختلف در انگشت، ذراع، میل و فرسخ می انجامد و در نتیجه منضبط نیست، حتی اگر دانه های جو هم معتدل و متوسط انتخاب شده باشد.

د. اما میل به جای چهار هزار ذراع به میزان دیگری هم تعریف شده است: مقداری از زمین که با چشم می توان دید به نحوی که با سوی چشم متوسط از این فاصله در زمین صاف سواره از پیاده تمییز داده شود. در شرایع، تذکره، منتهی، دروس، ذکری، مهذب البارع، غایة المرام، روض الجنان، مسالک، مجمع الفائدة، مدارک، ذخیره، حدائق، ریاض، و مفتاح الکرامة این معنی به عنوان معنایی دیگر از میل مورد بحث قرار گرفته است. محقق نراقی در مستند این معنای میل را غیر منضبط یافته، زیرا با اختلاف باصره، مبصر، زمین، و رقت و غلظت هوا میل تغییر می کند. به نظری ده نفر را نمی توان پیدا کرد که سوی چشمشان در غایت اختلاف نباشد. به علاوه معنای مد البصر (تمییز سواره از پیاده از دور) أصلاً دلیلی ندارد. وی افراد متعددی را آزموده، برخی بین سواره و پیاده در یک فرسخی تمییز می دادند خصوصاً در زمین غیر مستوی و برخی در هزار ذراع هم تمییز نمی دادند. با چنین اختلافی میل با این معنی نمی تواند مناط احکام شرعی قرار گیرد.

ه. اختلاف فاحش در مسافت تقدیری منحصر به این چهار مورد نیست. در هفت میزان آن یک یا چند عامل اختلاف مشاهده می شود. به همین چهار مورد اکتفا می کنم. این اختلافات در آن دوران غیر قابل رفع بوده است. هیچ میزان دقیق فرامنطقه ای وجود نداشته است. در هر منطقه میزانی رعایت می شده که همان واژه در منطقه دیگر مقدار متفاوتی داشته است. همانگونه که مشاهده شد مسافت تقدیری در نهایت به ذراع، و انگشت و دانه جو و موی چارپا (یعنی برخی اعضای بدن انسان و برخی پدیده های کشاورزی یا اجزای حیوان) انجامید. بدیهی است که اینگونه محاسبه به هیچ وجه من الوجوه منضبط نیست و یقیناً در مقایسه با میزان زمانی (مسیر یک روز) از انضباط و دقت بسیار کمتری برخوردار است.

اشکال دوم: مرجع برخی موازین مسافت تقدیری همان مسیر یک روز است!

الف. به مسیری که در یک روز طی می شده مرحله یا منزل گفته می شده است. هر منزل دو برید بوده است. بنا بر توضیح سرائر، جواهر و البدرالزاهر در گذشته سلاطین برای فرستادن نامه‌ها و فرامین‌شان از پیک یا چاپار استفاده می کرده اند. برای سرعت بیشتر هر پیک حدود نصف روز می تاخته و فرمان یا نامه را به پیک تازه نفس بعدی می سپرده و خود استراحت می کرده است، و همین‌طور تا نامه یا فرمان به مقصد برسد. حامل این نامه و فرمان‌ها برید نامیده می شدند، (از برد به معنای خنکی یا سردی) به این دلیل که غالباً در خنکی هوا حرکت می کردند، یا وقتی به چاپارخانه بعدی می رسیدند برای تبرد (خوابیدن) و رفع گرما و خستگی اتراق می کردند، بعد لفظ برید از پیک به مسافت منتقل شد. اینکه فاصله دو چاپارخانه یعنی یک برید (معادل چهار فرسخ) چگونه تعیین می شده واضح است که با محاسبه فرسنگ و میل و ذراع با دشواری‌هایشان صورت نمی گرفته بلکه با مقداری که عادتاً چاپار در نصف روز طی می کرده تعیین می شده است.

ب. هر برید چهار فرسخ است. فرسخ عربی برگرفته از لغت فارسی پرسنگ است. هر برید را به چهار قسمت تقسیم می کردند و در ابتدای هر قسمت سنگی به عنوان علامت نصب می شده است. به مسافت بین دو سنگ علامت پرسنگ (فرسنگ، فرسخ) گفته شد. پس تعیین فرسخ نیز به عنوان ربع برید به شرحی که گذشت باز به مسیر یک روز برمی گشته است.

ج. هر فرسخ بیست و چهار میل است. فرسخ را به سه قسمت تقسیم می کردند. در ابتدای هر قسمت میلی (نشانی مخروط مانند) می گذاشتند که با رسیدن به آن معلوم می شود ثلث فرسخ طی شده است. اختلاف فاحشی که در تبدیل میل به ذراع گذشت حاکی از این است که این معادله‌های بعداً ایجاد شده و سیر تعیین این موازین از کوچک به بزرگ نبوده بلکه برعکس از موازین بزرگتر آغاز شده، و این نکته بسیار مهمی است.

د. شهید ثانی در روض الجنان این اشکال (رجوع محاسبه فرسخ به مسیر یک روز) را مطرح کرده است: «مبنایی که مصنف (علامه حلی) و جماعتی دیگر (از فقها) در محاسبه فرسخ برگزیده اند به مسیر یک روز برمی گردد، چرا که علامه در تذکرة الفقهاء این گونه استدلال کرده است: «هر فرسخ سه میل است به اتفاق، و هر میل چهار هزار ذراع است، زیرا مسافت به سیر عام یک روز شتر اعتبار می شود، و این با آنچه (در محاسبه فرسخ با میل) گفتیم سازگار است. همچنین وضع لغوی (میل) یعنی مقداری از زمین که با چشم می توان دید [به نحوی که با سوی چشم متوسط در زمین صاف سواره از پیاده از این فاصله تمییز داده شود] با مسیر تناسب دارد.» پس علامه در تذکره دو دلیل بر رجوع تقدیر به مسیر یک روز اقامه کرد: یکی رجوع محاسبه فرسخ به متوسط مسیر یک روزه شتر، و دیگری تناسب وضع لغوی میل با مسیر.

جمع بندی مبحث دوم

یک. مسافت تقدیری یک منزل یا مرحله است که شامل دو برید می باشد. هر برید چهار فرسخ است. هر فرسخ سه میل می باشد. هر میل چهار هزار ذراع بنا بر مشهور، هر ذراع بیست و چهار انگشت، هر انگشت هفت یا شش دانه جو، و هر دانه جو هفت مو از موهای متوسط بردون است. از این هشت میزان سه میزان آن در روایات معتبر آمده است: برید، فرسخ و میل. در روایات فاقد اعتبار سندی ذراع نیز ذکر شده است. در کلمات فقهای امامیه هفت میزان مسافتی (غیر از منزل یا مرحله) به کار رفته است.

دو. چهار میزان کوچکتر (ذراع، انگشت، دانه جو و موی چارپا) أولا کاملا اختلافی هستند، ثانيا مطلقا منضبط نیستند، ثالثا بسیار بعید است که سه میزان اصلی مسافتی بر اساس این میزانهای غیرمنضبط اختلافی تعریف شده باشند. به عبارت دیگر اگر این چهار میزان مسافتی را کلا نادیده بگیریم هیچ خللی به بحث مسافت شرعی نمی خورد!

سه. با توجه به مشکلات لاینحل چهار میزان کوچکتر بر اساس آلات و اسباب دوران پیشامدرن و در حقیقت نبودن واحد طول استاندارد فرامنطقه ای (شبهه نظام متریک) در آن دوره عملاً چاره ای نمی ماند جز این که موازین مسافت تقدیری از بزرگتر به کوچکتر تعریف شده باشند نه برعکس. زیرا هیچ میزان مقبول منضبط غیراختلاfi پایه در دست نبوده است. به عبارت دیگر میل نمی تواند مبنای پایه مسافت واقع شود زیرا تنها رابطه قابل قبول ثلث فرسخ است. فرسخ نیز نمی تواند مبنای مسافت قرار گیرد زیرا تنها رابطه مقبول و منضبط برای آن ربع برید است. مرجع برید به مسیر یک روز برمی گردد. دو برید معادل مسیر یک روز بوده است. به عبارت دیگر مسافت تقدیری عملاً در آن دوران به مسیر یک روز برمی گردد و محال عملی بوده که مستقل از آن محاسبه و تقدیر شود.

چهار. در سفرهای آبی اصولاً بکارگیری مسافت تقدیری با اسباب گذشته ممکن نبوده یا بسیار دشوار بوده است و به احتمال زیاد منحصرأ به مبنای زمانی برمی گردد. مسیری که با قایق یا کشتی متعارف در هوای معتدل با سرعت متوسط در طول یک روز طی می شود.

جمع بندی بخش سوم

اول. در مقایسه دو مبنای زمانی و مسافت تقدیری مشخص شد که مسافت تقدیری با امکانات عملی تا نیمه قرن چهاردهم (هجری قمری) نمی توانسته مبنای مستقلی باشد و مرجع آن مبنای زمانی یعنی مسیر یک روز بوده است. بنابراین قول فقهایی که مسافت تقدیری را اضبط و ادق دانسته اند قابل دفاع نیست.

دوم. در مسئله مسافت شرعی یک مبنای مستقل بیشتر وجود ندارد و نهایتاً مسافت تقدیری اماره و نشانه آن محسوب می شود نه در عرض آن. بنابراین قول اول از اقوال سه گانه در مسئله که مبنای بر مسافت تقدیری

می گذاشت قابل دفاع نیست. بر همین منوال قول دوم که هر دو مبنا را در عرض هم قابل اختیار می دانست قابل پذیرش نیست. قول حق قول سوم است: مسیر یک روز مقوم موضوع و مسافت تقدیری اماره و نشانه آن است.

سوم. فقهای این دوران همت غالب خود را در بحث نماز و روزه مسافر مصروف دلالت ادله لفظی کردند و به شناخت موضوع آن احکام خصوصاً میزان عملی بودن آن‌ها و میزان دقتشان دقت کافی نشد. محصول متواضعانه این رساله جبران نقصان سلف صالح (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) است.

چهارم. مراد از مسیر یک روز مسیر طی شده از طلوع تا غروب خورشید، در یک روز معتدل (مثلاً اول فروردین یا اول مهر)، با مرکب معتدل (قافله شتر با بار سنگین)، با سرعت معتدل، در جاده معتدل با احتساب زمان استراحت متعارف است که در آن دوران معادل هشت فرسخ (دو برید یا ۲۴ میل) می شده است. زمان استراحت متعارف جزء مسیر یک روز حساب می شود و لازم نیست تمام ساعات روز در حال طی مسیر باشند. محاسبه مسیر امری نوعی و همگانی بوده نه شخصی و ذهنی. مطابق ابزار آن دوران مضبوط و واجد دقت نسبی بوده است. این شیوه محاسبه سهل و ساده برای همگان و فاقد هرگونه پیچیدگی بوده است.

پنجم. در دوران مذکور بین مبنای زمانی و مسافت تقدیری اختلاف فروان عملی نبوده و هشت فرسخ (دو برید یا ۲۴ میل) معادل مسیر یک روز بوده، اختیار هر یک از اقوال سه گانه فایده عملی نداشته است.

ششم. در سفر دریایی نیز عیناً مانند سفر زمینی در کلیه موارد به امر وسط و معتدل عمل می شده و مسیر

یک روز در آب با خشکی تفاوت چندانی نداشته است.

مقام دوم. دوره تفاوت فاحش دو معرف یا دوران جدید



در این مقام دو بخش دیگر به شرح زیر مورد بحث قرار می گیرد: پیشینه بحث در دوران جدید و قول مختار.

بخش چهارم. پیشینه بحث در دوران جدید

دو تحول مهم موضوعی مرتبط با مسافت شرعی در قرن چهاردهم هجری قمری در میان شیعیان ایران و عراق اتفاق می افتد: یکی ورود وسایل نقلیه موتوری به خاورمیانه و دیگری پذیرش نظام اندازه گیری استاندارد متریک است. از اواخر دهه نود قرن سیزدهم هجری شمسی خودرو سواری، کامیون و اتوبوس در ایران رفت و آمد می کرده، از دهه دوم قرن چهاردهم هجری شمسی به تدریج اتوبوس وسیله نقلیه بین شهری بوده است. سفر ریلی نیز در همین تاریخ در ایران شروع شد و در اواخر دهه سی شمسی قطار یک وسیله نقلیه عمومی محسوب می

شد. سفرهای آبی با نیروی بخار و بعداً دیزل که زودتر شروع شده بود در همین ایام در رودخانه ها و دریا‌های اطراف صورت می گرفت. از دهه بیست شمس‌ی به بعد سفر هوایی نیز یکی از طرق سفر مردم در ایران بوده است. نظام بین المللی متریک (طول و وزن و حجم) از ۱۳۰۴ هجری شمس‌ی در ایران رسمیت یافته و قبل از آن نیز کم و بیش به کار می رفته است.

در کلیه این موارد غلبه وسیله نقلیه یا نظام اندازه گیری در همه مناطق را یک ربع قرن دیرتر فرض می کنیم. با اطمینان می توان گفت از سال ۱۳۸۱ هجری قمری (۱۳۴۰ هجری شمس‌ی) وسیله نقلیه غالب در ایران و عراق اتوبوس بوده و محاسبه مسافت نیز با کیلومتر کاملاً متعارف شده بود. این بخش شامل دو مبحث به شرح زیر است: مسافت تقدیری در دوران جدید و مسیر یک روز در دوران جدید.

مبحث اول. مسافت تقدیری در دوران جدید

مسافت تقدیری در این دوران همچنان بر هشت فرسخ متمرکز بود، اگرچه دیگر موازین مسافت طولی گذشته نیز در کنار آن تکرار شد. اما نکته اصلی تبدیل فرسخ به کیلومتر بوده است. انتظار می رفت با محاسبه مسافت شرعی به کیلومتر اختلافات فاحش گذشته مطلقاً زایل شود و میزان سهل استفاده ای در اختیار عموم قرار گیرد. فعلاً پرسش این است هر فرسخ چند کیلومتر و مسافت شرعی دقیقاً چند کیلومتر می باشد؟ به این پرسش در ضمن سه بحث به ترتیب زیر پاسخ داده می شود: در منابع غیرفقهی، در منابع فقهی اهل سنت و بالاخره در منابع فقهی شیعه. بحث در منابع دوران جدید متمرکز است از حوالی ۱۳۰۰ هجری شمس‌ی به بعد.

بحث اول. در منابع غیرفقهی

در این بحث ابتدا تبدیل فرسخ به کیلومتر را از دو منبع معتبر تاریخی و سپس از معتبرترین لغت نامه های عربی و فارسی نقل می کنم.

الف. ظاهرا نخستین سندی که در تبدیل فرسخ به کیلومتر در ارتباط با مسافت شرعی در دست است کتاب الاصفهان میرسیدعلی جناب (متوفی ۱۳۰۹ش) (دارای تحصیلات عالی حوزی، آشنا به زبان فرانسه و مسلط به علوم ریاضی قدیم و جدید، جلال الدین همایی از شاگردان او بوده) است که چاپ نخست آن در سال ۱۳۰۳ منتشر شده است. وی در این کتاب نوشته: هر ذرع صد و چهار سانتیم [سانتی متر] است. فرسنگ جغرافیایی شش هزار ذرع معتدل معادل ۶۲۴۰ متر، و فرسنگ شرعی پنج هزار و صد و شصت ذرع معادل ۵۴۰۰ متر است.

وی ضمن تحقیق درباره ذرع از کفایة الحساب نجم الدولة نقل می کند که وی اختراع ذرع را منسوب به شاه عباس صفوی می داند و پنداشته که بزرگتر از ذراع امروزی بوده است. سپس از روضة الصفای ناصری نقل می کند که شاه عباس در سفر پیاده به خراسان مقرر نمود فاصله اصفهان و مشهد اندازه گیری شود و مقیاس فرسنگ را دوازده هزار ذرع مقرر نمود. این ذرع معادل می شود با ذراع شرعی زیرا فرسخ را هم شرعا دوازده هزار ذرع حساب می کنند. بر اساس محاسبه جناب هر ذرع شاه عباسی ۴۵ سانتی متر است که از ذرع امروزی (۱۰۴ سانتی متر) خیلی کوچکتر می شود. حتی اگر هر ذرع را مساوی دو ذراع گرفته باشد باز می شود ۹۰ سانتی متر که از ذراع امروزی (۱۰۴ سانتی متر) کوچک تر است.

جناب نتیجه می گیرد که «گویا ذرع امروزی نتیجه مقیاسهایی است که زمان قاجاریه واقع شده». وی در تعیین فرسخ این گونه نوشته: «فرسخ که حالیه گفته می شود و معادل شش هزار ذرع است، در زمان ناصرالدین

شاه نجم الدولة مقرر نموده است و قبل از آن ۵۱۶۰ ذراع بوده که شرعی باشد و قدیم تر ۴۵۰۰ و کسری ذرع بوده است. از کلام سابق معلوم شد که أصلاً پرسنگ فارسی بوده و معرب شده است.»

به نوشته مهدی قلی خان مخبرالسلطنه هدایت در کتاب «خاطرات و خطرات» از جمله مصوبات سال ۱۳۰۴ این دو مورد است: «تغییر اسامی بروج در ۱۱ فروردین و تغییر مقیاس در ۱۰ خرداد.»

تامل در توضیحات جناب که مشروح ترین و معتبرترین متن فارسی در این باره است مشخص می کند که اولاً طول ذراع امر دقیقی نبوده در زمان صفویه و قاجاریه تغییراتی در آن رخ داده و هیچ معیار مضبوطی از آن در دست نیست. ثانیاً تقدیر فرسخ بر اساس ذرع نیز دقیقاً به همین مشکل لاینحل مبتلی است. در نتیجه مقدار دقیقی برای فرسخ شرعی (بر فرض پذیرش حقیقت شرعیه برای آن) متصور نیست.

ب. در لغت نامه های عربی و فارسی: لوئیس معلوف در المنجد فی اللغة (رایج ترین کتاب لغت عربی) فرسخ را اینگونه تعریف کرده: «سه میل هاشمی، و گفته شده ۱۲ هزار ذراع، و تقریباً هشت کیلومتر است.» احمد مختار عمر در معجم اللغة العربية المعاصرة فرسخ «معادل سه میل (۴۸۲۷ متر) یا ۱۸ هزار قدم یا چهار کیلومتر» معرفی کرده است. در لغت نامه دهخدا (معتبرترین لغت نامه فارسی) بعد از ذکر جزئیات فرسنگ و فرسخ نتیجه گرفته: «بنا بر آنچه در عرف عام و اصطلاح رایج جغرافیایی امروز از فرسخ و فرسنگ مستفاد می شود برابر با شش هزار گز یا شش کیلومتر است.» در فرهنگ محمد معین بر اساس یادداشتهای محمد قزوینی و دیگر منابع فرسخ را اینگونه معرفی کرده است: «الف. نزد مسلمانان مساوی ۱۲ هزار ذراع، معادل سه میل یا ۱۲ هزار گز، ب. نزد اعراب معادل ۵۹۱۹ متر.» در فرهنگ فارسی عمید فرسخ «معادل سه میل یا ۱۲ هزار ذراع و قریب به شش کیلومتر» دانسته شده است.

بحث دوم. در منابع فقهی اهل سنت

در این بحث تبدیل میزانهای مسافت تقدیری به متر را از دو منبع معتبر معاصر فقه اهل سنت نقل، سپس همین موارد را از معتبرترین تک نگاری‌های اهل سنت درباره میزان‌های اندازی گیری شرعی روایت می‌کنم.

الف. در فقه اهل سنت: عبدالرحمن الجزیری در «الفقه علی المذاهب الأربعة» طول هر فرسخ را ۵ کیلومتر و ۴۰ متر دانسته است. مسافت شرعی نزد حنفی‌ها ۱۰۷ کیلومتر و ۵۲۰ متر، نزد شافعی‌ها، مالکی‌ها و حنبلی‌ها ۸۰ کیلومتر و ۶۴۰ متر است. اما وهبة زحیلی در «الفقه الاسلامی وادلته» مسافت شرعی نزد مذاهب چهارگانه اهل سنت را به گونه ای دیگر روایت و محاسبه کرده است: نزد حنفیه مسافت شرعی سه مرحله قریب به سه روز است. نزد ایشان تقدیر به فرسخ صحیح نیست. نزد سه مذهب دیگر (شافعیه، مالکیه و حنبلیه): مسافت با سفر رفت محاسبه می‌شود: ۴ برد، ۱۶ فرسخ، و ۴۸ میل هاشمی. به گزارش وی شافعیه و حنابله هر میل را ۶ هزار ذراع می‌دانند، در حالی که مالکیه هر میل را ۳۵۰۰ ذراع. عددی که او در نهایت برای مسافت شرعی این سه مذهب تعیین کرده ۸۸/۷۰۴ (هشتاد و هشت کیلومتر و ۷۰۴ متر) است.

ب. در کتب اندازه گیری اهل سنت: در کتاب «المقادیر الشرعیة والاحکام الفقهیة المتعلقة بها» (کیل، وزن و مقیاس منذ عهد النبی ص و تقویمها بالمعاصر) تألیف دکتر محمد نجم الدین الکردی (قاهره، ۲۰۰۵م) که کتابی جامع در نوع خود است مقادیر مورد نیاز این گونه اندازه گیری شده اند: «هر ذراع شرعی ۴۸ سانتی متر و براساس ذراع هر مونیم میلی متر، دانه جو ۳/۳۳ میلی متر، انگشت ۲۰ میلی متر، میل یک کیلومتر و ۶۸۰ متر، فرسخ ۵ کیلومتر و ۴۰ متر، و برید ۲۰ کیلومتر و ۱۶۰ متر». دکتر علی جمعة (مفتی دیار مصر و استاد اصول فقه در جامع الازهر) در کتاب «المکائیل و الموازن الشرعیة» (قاهره، ۲۰۰۹) مقدار فرسخ «سه میل، در نزد حنفیه و مالکیه ۵۵۶۵ متر و نزد شافعیه و حنابله ۱۱۱۳۰ متر» محاسبه شده است.

بحث سوم. در منابع فقهی شیعه

در این بحث ابتدا فرسخ در فرهنگهای فقهی شیعه و سپس در فتاوی مراجع تقلید قرن اخیر به کیلومتر معرفی می شود.

الف. در فرهنگهای فقهی شیعه: محمد جواد مغنیه (۱۳۲۲-۱۴۰۰) در «الفقه علی المذاهب الخمسة» بعد از نقل روایت الجزیری در الفقه علی المذاهب الأربعة اضافه کرده: «مسافت شرعی نزد امامیه چهل کیلومتر و ۳۲۰ متر است.» در نتیجه هشت فرسخ معادل ۴۲ کیلومتر و ۵۶۰ متری شود. سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۲۷-۱۳۹۷ش) در «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)» فرسخ را این گونه معرفی کرده است: «فرسخ یکی از واحدهای اندازه گیری مسافت است. هر فرسخ، سه میل و هر میل، - بنابر نظر مشهور فقها - چهار هزار ذراع و طول هر ذراع نیز ۲۴ انگشت یا دو وجب شخص معمولی است. بنابراین، فرسخ، بر حسب ذراع دوازده هزار ذراع خواهد بود، که مقدار آن بر حسب کیلومتر به طور تقریبی بین پنج تا پنج و نیم کیلومتر محاسبه شده است. شایان ذکر است فقها از احکام مرتبط با فرسخ، در بابهای نظیر نماز، حج و تجارت سخن گفته اند.» بنابراین هشت فرسخ به طور تقریبی بین چهل تا چهل و چهار کیلومتر تعیین می شود. اما حداقل و حداکثر تعیین شده در فرهنگ مذکور صحیح نیست. به بند بعدی توجه کنید.

ب. در رساله های عملیه مراجع تقلید: آقا سید موسی شبیری زنجانی در درس خود چنین عنوان کرده «مقدار مسافت شرع در سفر مسافر قبل از آقای بروجردی مشهور شش کیلومتر برای هر فرسخ عنوان می شد اما مرحوم آقای بروجردی هر فرسخ را پنج و نیم کیلومتر قائل بودند.» (شفقتنا، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴) در این صورت هشت فرسخ معادل ۴۴ کیلومتر می شود. مرحوم استاد حسین علی منتظری نجف آبادی در رساله توضیح المسائل خود هر فرسخ را ۵ هزار و ۷۵۰ متر محاسبه کرده، در نتیجه هشت فرسخ معادل ۴۶ کیلومتر می شود. آقایان سید روح الله

موسوی خمینی، سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، شیخ محمد علی اراکی، شیخ محمد فاضل لنکرانی، شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، و شیخ حسین نوری همدانی مسافت شرعی را حدود ۵۰ کیلومتر دانسته اند. دومین رهبر جمهوری اسلامی نیز به تبع بنیانگذار نظام همین نظر را اعلام کرده است. آقایان سید ابوالقاسم موسوی خوئی، شیخ جواد تبریزی، سید علی حسینی سیستانی، و شیخ حسین وحید خراسانی مسافت شرعی را تقریباً ۴۰ کیلومتر دانسته اند. آقای سیستانی در منهاج الصالحین نوشته است: فرسخ سه میل، میل چهار هزار ذراع به ذراع دست یعنی از آرنج تا انگشتان، پس مسافت تقریباً چهل و چهار کیلومتر می شود. آقای شیخ ناصر مکارم شیرازی مسافت شرعی را ۴۳ کیلومتر اعلام کرده است. آقای شبیری زنجانی در رساله توضیح المسائلش نوشته «فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر است.» و هشت فرسخ به محاسبه ایشان معادل چهل کیلومتر می شود.

جمع بندی مبحث اول

یک. پس از سیطره نظام متریک بر مناطق اسلامی در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری قمری فقهای سنی و شیعه با حفظ موازین سنتی تقدیر مسافت در کتب فقهی خود، در کتب فتوایی تبدیل فرسخ به کیلومتر را نیز به موازین قبلی افزودند.

دو. طول ذرع در زمان صفویه و قاجاریه تا اول پهلوی دچار تغییراتی شده بین ۴۵ تا ۱۰۴ سانتی متر و بر اساس آن طول فرسخ نیز دچار تحول شده است. آنچه فرسخ شرعی خوانده می شده ۵۱۶۰ ذرع بوده که در زمان نجم الدوله در عهد ناصری ۶۰۰۰ ذرع (هر ذرع ۱۰۴ سانتی متر) تعیین شده است.

سه. در لغت نامه های عربی فرسخ چهار و هشت کیلومتر تعیین شده است! در لغت نامه های فارسی بر اساس «عرف عام و اصطلاح رایج جغرافیایی امروز» فرسخ ۵۹۱۹ متر و حدود شش کیلومتر تعیین شده است.

چهار. در کتب فقهی اهل سنت برای فرسخ این اعداد به چشم می خورد: ۵ کیلومتر و ۴۰ متر، در نزد حنفیه و مالکیه ۵۵۶۵ متر و نزد شافعیه و حنابله ۱۱۱۳۰ متر.

پنج. مراجع تقلید شیعه قرن اخیر در رساله های عملیه خود هر فرسخ را بین ۵ تا ۶ کیلومتر محاسبه کرده، در نتیجه هشت فرسخ بین ۴۰ تا ۴۸ کیلومتر تعیین نموده اند. در بین فقهای شیعه معاصر حداقل شش قول درباره مسافت شرعی در دست است: ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۸ کیلومتر. میزان اختلاف ۲۰٪ است! شش. اینکه مبنای تبدیل فرسخ به کیلومتر چه بوده و اختلاف در محاسبه فرسخ به کیلومتر بر چه مبنایی استوار بوده در کتب فقهی تشریح نشده است. اصولاً اینکه این تبدیل بر یک مبنای علمی معتبر مبتنی باشد جای پرسش جدی دارد. اگر چنین مبنای علمی متفق علیهی وجود داشت شاهد این مقدار اختلاف نظر نبودیم. هفت. مبنای مسافت تقدیری مبتنی بر برید، فرسخ، میل و ذراع حتی اگر به کیلومتر هم تبدیل شود - آن چنان که با جزئیات گذشت - محل اختلاف جدی است و امر منضبطی نیست تا حداقل در دوران جدید مبنای محاسبه مسافت شرعی قرار گیرد.

مبحث دوم. مسیر یک روز در دوران جدید

در دوران جدید (حداقل در هشتاد سال اخیر) مبنای مسافت یک روز به طور کلی از مدار فتاوی فقهای امامیه حذف شده است، هیچ مرجع تقلید شناخته شده ای را سراغ ندارم که از سه قول مورد بحث در این رساله به قول دوم (تخیر بین هشت فرسخ و مسیر یک روز) یا قول سوم (مبنای سفر شرعی مسیر یک روز) قائل شده

باشد. همه فتاوا منحصر در قول اول شده است: مبنای مسافت شرعی هشت فرسخ است که در زمان صدور روایات معادل مسیر یک روز بوده است.

به این توجیه آقا سید موسی شبیری زنجانی توجه کنید: «ما بعد از مراجعاتی که به برخی از مؤاخذ داشتیم به نظرمان آمد که مجموع هشت فرسخ چهل کیلومتر است و هر فرسخ تقریباً ه کیلومتر است، اخیراً برخی دیگر از آقایان در رابطه با این مساله بررسی کردند و تمام ضوابطی که در شرع راجع به سفر و کیفیات آن قرار داده را نیز بررسی کرده‌اند به عنوان مثال «مسیره یوم» یک روز متعارف را در یک زمین مطابق با عرف آن زمان - نه آسفالت - با شتر از ابتدای طلوع آفتاب حرکت کرده و تا غروب منهای زمان غذا و خوراک به حرکت خود ادامه داده‌اند که در نهایت مقدار مسافت محاسبه شده حدود چهل کیلومتر بوده است.» (تقریر درس مورخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴، شفقتنا)

در نظر مشهور فقهی دوران جدید اگرچه پذیرفته شده که هشت فرسخ در زمان صدور روایات معادل مسیر یک روز بوده، اما هشت فرسخ را موضوع حکم شرعی، و مسیر یک روز در آن دوران را اماره و نشانه آن می دانند. اکنون که این معادله به هم خورده، مسیر یک روز از اماره بودن و طریقت خارج و از حیز ارتفاع ساقط شده است. اگر اشکال شود که می توان برعکس هم استدلال کرد آن چنان که در قول سوم گذشت موضوع حکم شرعی مسیر یک روز بوده و در گذشته این مسیر معادل هشت فرسخ بوده، امروز که با پیشرفت وسایل نقلیه این معادله به هم خورده هشت فرسخ (یا دو برید یا ۲۴ میل یا ۹۶ هزار ذراع) از حیز ارتفاع ساقط می شود نه مسیر یک روز. به هر حال چنین نشد.

این مبحث شامل سه بحث به شرح زیر است: نماز مسافر با وسائل امروزی، نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران، حکم نماز و روزه مسافر در عصر جدید. در بحث اول چکیده کتاب محمد صادقی تهرانی در دفاع از

قول سوم تشریح می شود، در بحث دوم چکیده کتاب دیگر وی در انکار نماز مسافر تحلیل می شود، در بحث سوم دو قائل به قول سوم معرفی می شوند.

بحث اول. نماز مسافر با وسائل امروزی



این بحث شامل دو قسمت است. در قسمت اول چکیده رای محمد صادقی تهرانی تقریر می شود. در قسمت دوم واکنش فقها در باره رای خاص وی نقل و تحلیل انتقادی می شود.

الف. دکتر شیخ محمد صادقی تهرانی (۱۳۰۵-۱۳۹۰ش) ظاهراً در اوایل دهه پنجاه شمسی در زمان اقامتش در لبنان دو کتابچه منتشر کرد: «لماذا نصلی ومتی نقصر من الصلاة؟» (۳۲ صفحه) و «نماز مسافر با وسائل امروزی» (۴۴ صفحه) (هر دو فاقد تاریخ، مکان انتشار و ناشر). در این دو کتابچه قول سوم به نحوی پذیرفته شده است. وی سپس در تالیف اصلیش «الفرقان فی تفسیر القرآن» (چاپ اول، بیروت، بی تا [ظاهراً نیمه اول دهه ۵۰ش])،

چاپ دوم: قم، ۱۳۶۶ش) ذیل آیه ۱۰۲ سوره نساء همین قول را مطرح کرده است. بر اساس این سه اثر نظری را درباره نماز و روزه مسافر می توان مبتنی بر مقدمات زیر خلاصه کرد:

اول. در قرآن کریم نماز قصر منحصر به نماز خوف است، بر اساس سنت پیامبر (ص) و اهل بیت او (ع) نماز مسافر هم به نماز خوف ملحق شده و باید قصر خوانده شود. قصر نماز مسافر مشروط به خوف نیست.

دوم. هم چنان که شرط قصر در نماز خوف و خوف از دشمن در زمان جنگ است، شرط قصر در نماز مسافر تعب (ناراحتی و مشقت) نوعی ناشی از سفر است. بر مبنای دو آیه قصر (نساء ۱۰۲) و إفتار (بقره ۱۸۵) دانستیم که میزان اصلی مشقت نوعیه است. هم چنان که هر مرضی جواز إفتار روزه نیست، و مرض به شرط ضرر و عسر مجوز إفتار است، به همین ترتیب هر سفری هم مجوز قصر نماز نیست، بلکه سفری که موجب مشقت و عسر نوعی شود. قصر نماز و عدم جواز روزه مسافر هدیه ای بر مبنای تقلیل مشقت نوعیه است. این نکته در صحیحہ معاویة بن عمار از امام صادق (ع) درباره سفر از مکه به عرفات هم آمده است. (وسائل، أبواب صلاة المسافر، ب۳، ح ۱)

سوم. در روایات - منبع منحصر حکم نماز مسافر - مسیر یک روز اصل، و هشت فرسخ فرع، اماره و نماینده موقت آن است، مادامی که بر اصل منطبق باشد. اصل در همه زمانها معتبر است.

چهارم. در دوران گذشته این اصل و فرع بر هم منطبق بوده اند. اما با وسایل ماشینی امروزی که در یک روز بیش از هزار کیلومتر طی می شود، و هشت فرسخ مسیر کمتر از نیم ساعت است، باید به ملاک اصلی یعنی مسیر یک روز عمل شود. طی هشت فرسخ در زمانی که وسیله غالب قافله شتر نیست شرط قصر محسوب نمی شود. به عبارت دیگر مسیر یک روز باید با وسیله غالب سفری همان زمان محاسبه شود نه اینکه یک روز مسیر قافله شتر برای همه زمانها ملاک باشد.

پنجم. در هشت فرسخ - که با وسایل نقلیه امروزی زمینی کمتر از یک ساعت و هوایی در چند دقیقه طی می شود - مشقتی نیست تا مشمول حکم قصر نماز مسافر قرار گیرد. این ملاک در مسیر یک روز البته محقق می شود که با استراحت زایل می گردد.

ششم. مراد از روز شبانه روز یعنی ۲۴ ساعت است که به شکل متعارف شامل ۱۶ ساعت سفر و حدود یک سوم آن صرف توقف، استراحت و خواب می شود.

هفتم. ملاک محاسبه مسافت مسافتی است که وسیله غالب عمومی در هر منطقه با حداکثر سرعت [مجاز] طی می کند (الغالب علی المسیر واعظم السیر). به عنوان مثال در لبنان در این زمان وسیله غالب زمینی است که با سرعت ۶۰ کیلومتر در ساعت (با احتساب دو سوم ساعات شبانه روز طی طریق) روزانه ۹۶۰ کیلومتر مسیر یک روز و حداقل لازم برای مسافر شرعی شدن محسوب می شود. در کتابچه فارسی این مقدار ۱۲۰۰ کیلومتر محاسبه شده است. در الفرقان میزان استراحت را یک چهارم ساعات شبانه روز، حداکثر سرعت مجاز ۸۰ کیلومتر در ساعت، مسافت حاصله ۱۴۴۰ کیلومتر و بین دو حد ۱۰۰۰ کیلومتر دانسته شده است.

هشتم. مسیر یک روز نوعی است نه شخصی. اینکه فرد پیاده، با اتوموبیل، کشتی یا هواپیما سفر کند تفاوتی در محاسبه مسیر نمی کند. در کلیه موارد مسیر یک روز بر اساس وسیله نقلیه غالب در هر منطقه و سرعت متوسط آن محاسبه می شود و برای کلیه افراد، وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی با هر سرعتی یکسان است.

ب. مقدمات هشت گانه نظر صادق تهرانی به دو گروه قابل تقسیم است:

اول. مقدماتی که اجمالا قبل از وی توسط دیگر فقها ابراز شده است، از قبیل مقدمه اول (برای مثال آقای

خوئی در مستند العروة)، و مقدمه سوم (کلیه قائلین قول سوم که در بخش اول به تفصیل گذشت).

دوم. مقدماتی که او نخستین قائل آن است: دیگر مقدمات (مقدمه دوم و مقدمات چهارم تا هشتم). این مقدمات جدید نیز بر دو دسته قابل تقسیمند:

دسته نخست: مقدماتی که در تبیین قول سوم یا تطبیق آن بر شرایط روز ابراز شده اند. مقدمات چهارم و ششم تا هشتم از این قبیلند. این مقدمات در کلیت خود صائب بودند.

دسته دوم: مقدماتی که وارد تشخیص مناط حکم شده است: مشقت نوعیه در سفر به عنوان علت حکم قصر نماز، یعنی مقدمات دوم و پنجم. این نکته شاخص ترین نکته در نظر صادقی تهرانی است.

نظر دکتر صادقی تهرانی درباره نماز مسافر در کلیتش در میان فقها نه تنها تلقی به قبول نشد، بلکه ظاهراً به دلیل نکته اخیر به شدت طرد شد و دیگر نکات آن که با قول سوم مرتبط است در محاق عدم عنایت قرار گرفت. در این مجال تنها به یک نمونه اشاره می‌کنم.

«سؤال ۱۳۵۶: بعضی از علما مسأله نماز قصر را مشروط به طی مسافت هزار کیلومتر - در یک روز راه رفتن [مسیر یک روز] - دانسته اند، نظر حضرتعالی در این باب چیست؟ و اصولاً آیا در حکم قصر غیر از ارفاق به مسافر فلسفه دیگری وجود دارد؟ جواب: شرایط قصر در توضیح المسائل مذکور است؛ و ارفاق در باب قصر حکمت است و علت حکم نیست تا حکم دایر مدار آن باشد. (پاورقی: ظاهراً مقصود از "علت" علت تامه آن است که وجود و عدم حکم دایر مدار آن است؛ و مقصود از "حکمت حکم" علت تشریح است هر چند در برخی موارد وجود نداشته باشد).

سؤال ۱۳۵۷: با توجه به پیدایش وسایل سریع السیری که در ظرف چند ساعت دور جهان می‌گردند، قید چهار فرسخ شرعی (تقریباً ۲۲ کیلومتر) [در سفر رفت] برای شکستن نماز و افطار روزه در مقایسه با زمانهای قدیم که چه بسا طی مسافت فوق مشکلات فراوانی داشت، کمی دور از ذهن می‌نماید. بعضاً در مباحثه با فرق

دیگر نمی توانیم پاسخ مکفی بدهیم، توجیه آن چیست؟ جواب: ارفاق به مسافر علت حکم نیست بلکه حکمت آن است. و احکام نماز احکامی عبادی هستند؛ پس باید به ظواهر ادله عمل شود.» (رساله استفتائات، جلد دوم، ۱۳۸۵ش)

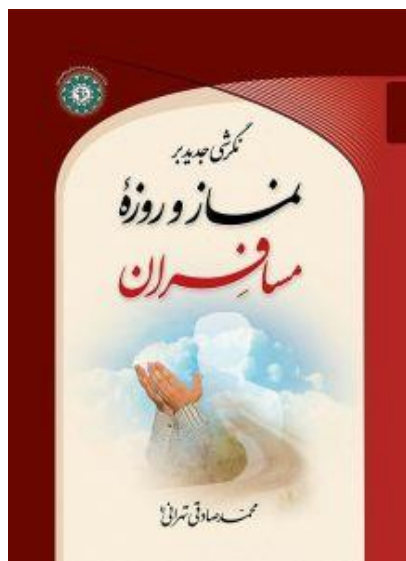
دو پرسش اخیر از استاد منتظری شده و ایشان پاسخ داده اند. پرسش اول مشخصاً ناظر به رای صادقی تهرانی است. مرحوم استاد شق اول سوال را شایسته پاسخ ندیده، آن را اجمالا به شرایط قصر در توضیح المسائل خود ارجاع داده، اما شق دوم پاسخ در متن و حاشیه حق است، و در حقیقت نقد موجز مقدمات دوم و پنجم استدلال صادقی تهرانی است.

پرسش دوم پرسش بسیار مهمی است، و اختصاصی به نظر خاص صادقی تهرانی ندارد، بلکه مستفتی از ابهامی می پرسد که در نهایت می تواند به قول سوم (مسیر یک روز) منتهی شود. پاسخ استاد ناظر به قائل بالفعل قول مزبور در آن زمان و استدلال مناط اندیشانه وی است. شق اول پاسخ در عین حق بودن اما این که ارفاق به مسافر علت حکم قصر نماز است یا حکمت آن ارتباطی با اعتبار قول به مسافت تقدیری و بی اعتباری قول به مسیر یک روز در تعیین مسافت شرعی ندارد. اما شق دوم پاسخ جان کلام نظریه مشهور است. این شق صدری دارد که دلیل است و ذیلی دارد که نتیجه است. چرا باید به ظواهر ادله دال بر هشت فرسخ به عنوان حداقل مسافت برای قصر نماز عمل کرد؟ زیرا این یکی از احکام نماز از عبادات است و احکام عبادات توقیفی هستند. هم دلیل و همه نتیجه در شق دوم پاسخ مرحوم استاد قابل مناقشه است. اما نتیجه یعنی اینکه ظاهر ادله مسافت تقدیری است، نظر قائلان قول اول است. اما این تنها قول در مسئله نیست. دو قول دیگر هم هست: ظهور ادله در دو مبنای هم عرض هم برای تعیین مسافت شرعی است (قول دوم)، یا ظهور ادله در مسیر یک روز است و تقدیر مسافتی اماره و نشانه آن است نه بیشتر (قول سوم). وقتی انعقاد ظهور اختلافی است نمی توان ظهور

در نزد قائلان آن را نتیجه منحصر به فرد عبادی بودن احکام نماز قلمداد کرد. به عبارت دیگر از چنان دلیل چنین نتیجه ای به دست نمی آید.

اما دلیل یعنی چون توقف قصر نماز بر مسافت تقدیر مسافتی عبادی است بنابراین باید بدون پرسش به آن عمل کرد، نیز ناتمام است. اولاً مراد مرحوم استاد از عبادی توقیفی بودن آن است، یعنی متوقف بر امر شارع و عدم امکان بحث عقلانی درباره آن، والا هر حکم عبادات تبعدی نیست، سفر شرعی یقیناً تبعدی نیست و طی مسافت قصد قربت نمی خواهد و بدون چنین قصدی هم نماز شکسته می شود. ثانیاً اینکه موضوع قصر نماز مسافت یک روز است یا مسافت تقدیری امری اجتهادی و استنباطی است، تفحص از موضوع حکم شرعی است. تعبداً و بدون اقامه دلیل نمی توان یکی از این دو را موضوع حکم شرعی قصر نماز قلمداد کرد. مستفتی در اعتبار مسافت تقدیری تردید کرده و برای توجیه آن تقاضای کمک کرده است. مسافت تقدیری با وجود دو رقیب قدر یقیناً تبعدی یا توقیفی نیست. در حقیقت قائلان قول اول جز پناهنده شدن به تبعدی بودن حکم چاره ای ندارند و این در حقیقت گریز از پاسخ است.

بحث دوم. نگرشی جدید بر نماز و روز مسافران



این بحث شامل دو قسمت است. در قسمت اول رای نهایی دکتر شیخ محمد صادقی تهرانی درباره نماز مسافر تقریر و در قسمت دوم همین رای صورت بندی می شود.

الف. اما صادقی تهرانی حدود بیست سال بعد در قول خود از اساس تجدید نظر کرد و به قول جدیدی قائل شد. در حقیقت او قول سوم را از بنیاد طرد کرد بلکه به طور کلی منکر قصر نماز و جواز روزه در سفر شد. رای جدید در کتاب مستقلى به نام «نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران» (۱۳۹۲، تاریخ کتابت: ۱۳۷۲) تشریح شد اما برای نخستین بار در «رساله توضیح المسائل نوین» (۱۳۷۸، چاپ سوم: ۱۳۸۴) منتشر شد و بر اساس آن بعداً کتابهای «تبصرة الفقهاء» و «الفرقان فی تفسیر القرآن» وی مورد بازنگری در این مواضع قرار گرفت.

محصل کتاب اول: «قرآن قصر از صلاة را فقط به هنگام خوف جایز و واجب دانسته که آن هم تنها در انحصار کیفیات نماز است نه کمیت (تعداد رکعات). امروزه در تمامی کره زمین و هر جای دیگر هرگز قصر در کیفیت نماز تا چه برسد به کمیتش و نیز إفتار روزه در هیچ سفری وجود ندارد مگر ضرورت و اولویتی که سبب إفتار روزه گردد و تنها از کیفیت نماز بکاهد و دیگر هیچ.»

محصل کتاب دوم یعنی رساله توضیح المسائل نوین: «نماز مسافر؟! قصر در رکعات، آن هم به معنای این که فقط نمازهای چهار رکعتی را کمرشکن و دونیم کنیم هرگز نه در قرآن و نه در سنت هیچ دلیلی و مدرکی بر آن نداریم آن چه هست فتاوا، اجماعات و شهرت هاست، که این ها هم هیچ گونه اعتبار شرعی در برابر قرآن نداشته و ندارند. و اصولاً برای هیچ سفری هرگز نقشی در کاستن از رکعات یا کیفیتی از نماز نیست و تنها - چنان که اشاره شد - خوف که به اندازه‌ی برطرف شدنش فقط از کیفیت نماز می کاهد و بس چنان که «وان خفتم فرجالاً او رکباناً» [بقره ۲۳۹] به وجهی کلی آن را ثابت می کند، و اگر سفر به خودی خود در حد معینش موجب قصر رکعاتی از نمازهایی بود بسی شایسته تر از خوف بود که دوبار در قرآن آمده ولی نسبت به قصر نماز در سفر مطلق هرگز

اشاره ای هم در قرآن نیست. حدود پنج حدیثی هم که در آن نقل شده رسول گرامی اسلام نمازهای چهار رکعتی را در سفری دو رکعت خوانده اند برخلاف نص قرآن است و هرگز پذیرفته نیست و سایر روایات هم مربوط به سفرهایی خطرناک و به معنای کوتاه کردن از کیفیت نماز است و بس. بدون خوف و ترس و یا ضرورتی دیگر، هرگز نمی توان از رکعات یا کیفیات نماز کاست. آیا زمینه‌ی ترس بر جان - که موجب ترك کیفیتی از نماز است - با مسافرت های فعلی که هیچ گونه خوف و ترسی در آن ها متصور نیست برابر است؟! به این معنا که با صرف مسافرتی کوتاه چهل و چهار کیلومتری، و یا حتی هزار کیلومتری و بیشتر با هیچ گونه ترس و خوفی دو رکعت آن هم از نمازهای چهار رکعتی بایستی کاسته گردد؟! و همان گونه که کاستن از نماز به اندازه ی ترس جانی و ماندنش واجب است، در مسافرت های معمولی نیز بدون هیچ گونه خوف و ترسی کاستن از نماز واجب باشد؟! (علامات تعجب و تعداد آنها عینا از کتاب مذکور بدون کم و کاست نقل شد.)

ب. قول متأخر و نهایی دکتر شیخ محمد صادق تهرانی مبتنی بر مقدمات زیر است:

اول. تغییر در کیفیت و کمیت نماز فقط و فقط دو سبب می تواند داشته باشد و لاغیر: خوف و ترس که نوعا در جنگ اتفاق می افتد، و دیگر ضرورتها از قبیل فردی که در حال غرق شدن یا سوختن است.

دوم. سفر به خودی خود مجوز تصرف در کیفیت و کمیت نماز نیست. آری اگر مصداق خوف یا غرق قرار گرفت از باب نماز خوف یا نماز غرق تخفیف می یابد، اما از حیث سفر نه رکعتی از آن کاسته می شود نه کیفیتی از آن حذف می شود. در نتیجه نماز مسافر مطلقا قصر نیست و مکلفان در سفر و حضر باید یکسان تمام نماز بخوانند.

سوم. مستند این قول قرآن کریم است که نماز قصر غیرخوفی را به رسمیت نشناخته است. روایات موجود به جامانده از پیامبر به علت مخالفت با قرآن فاقد حجیت است. دیگر روایات نماز مسافر هم حمل بر سفرهای

خطرناک و تحفیف کیفیت نماز می شود. اجماع و شهرت نماز قصر مسافر هم به دلیل مخالفت با قرآن بی اعتبار است.

صادق تهرانی در قول متأخر و نهائیش قول سوم (از اوقوال سه گانه در مسئله) را از اساس ترک کرد و از مقدمات هشت گانه قول متقدمش در مقدمات اول و پنجم به شکل فوق تجدیدنظر کرد و به قولی رسید که در حد اطلاع حداقل در فقه امامیه جز خود وی قائلی ندارد. در هر حال محمد صادق تهرانی در مجموع و قول نهائیش از قائلین قول سوم محسوب نمی شود. هیچیک از دو قول متقدم و متأخر وی در اوساط فقهی تلقی به قبول یا حتی قابل اعتنا تشخیص داده نشد.

بحث سوم. حکم نماز و روزه مسافر در عصر جدید

آیا در دوران جدید قول سوم غیر از راقم این سطور قائلی دارد؟ پاسخ مثبت است. در این بحث این دو قائل هم نسل معرفی می شوند.

الف. قائل اول احمد عابدینی (متولد ۱۳۳۸) مدرس حوزه علمیه اصفهان است: «مسافر باید نماز ظهر، عصر و عشاء را با چند شرط شکسته بخواند. شرط اول: سفر او کم تر از یک روز دوازده ساعته نباشد. کسی که مجموع رفتن و برگشتش یک روز دوازده ساعته است باید نماز را شکسته بخواند خواه رفت و برگشتش هر کدام نصف روز باشد یا یکی بیشتر طول بکشد مثلاً با اتوبوس برود و با سواری برگردد. معیار در وسائل سواری و چگونگی راه، متعارف بودن آن است. بنابراین کسی که مثلاً پس از هر یک ساعت طی کردن مسیر، چندین ساعت به استراحت می پردازد اگر مجموع مسیری را که قصد دارد ببیماید به مقدار یک روز طی مسیر معمولی است مسافر است و گرنه باید نماز را تمام بخواند. مقدار زمانی که اتوبوس ها برای استراحت مسافران یا نماز

آنان می‌ایستند نیز جزء زمان حرکت محسوب است هم‌چنین است مقدار زمانی که اتوبوس را برای تفتیش و امثال آن معطل می‌کنند، ولی اگر راننده چند ساعتی در بین راه توقف کرد تا بخوابد یا استراحت کند جزء مسیر و راه به حساب نمی‌آید. اگر در بین راه وسیله‌ی حرکت خراب شد یا برای راننده مشکلی پیش آمد که افراد سختی غیرمتعارفی را متحمل شدند نماز آنان شکسته می‌شود، اگر چه مجموع طی مسیر و معطلی‌های بین آن از یک روز کم‌تر شود. اگر شهر پایانه‌ی مسافری دارد، ابتدای سفر از آن جا محسوب است و اگر ندارد آخرین خانه‌های شهر را ابتدای سفر به حساب آورد.»

عابدینی در مقاله «حکم نماز و روزه مسافر در عصر جدید» (فروردین ۱۳۸۰) بر مدعای خود استدلال کرده از جمله نوشته است: «معیار در کوتاه گزاردن نماز، قصد پیمودن یک روز راه است. مراد از روز، روز شرعی است، نه روز عرفی. روز شرعی از روز عرفی طولانی‌تر است. عرف، از طلوع خورشید تا غروب خورشید را روز می‌داند، ولی شرع از طلوع فجر (اذان صبح) تا مغرب شرعی (به طور تقریبی، نیم ساعت پس از غروب خورشید) را روز می‌داند. از این روی، روز شرعی که در آن روزه می‌گیریم و در سفر نیز معیار است، حدود دو ساعت از روز عرفی درازتر است. روز شرعی در سرزمینهای معتدل، زمستانها حدود دوازده ساعت، تابستانها شانزده ساعت، و متوسط آن چهارده ساعت. روز عرفی زمستانها ده ساعت و تابستانها چهارده ساعت است.»

ب. قائل دوم مهدی هادوی تهرانی (متولد ۱۳۴۰) مدرس حوزه علمیه قم است: «معیار مسافت شرعی که موجب شکسته شدن نماز یا صحیح نبودن روزه می‌شود، «یک روز راه» است. (مقصود «روز» در مقابل «شب» است که بر کوتاه‌ترین «روز» نیز صدق می‌کند.) مقصود از «یک روز راه» مسافتی است که وسایل نقلیه عمومی با سرعت متوسط و با محاسبه توقف‌های بین راه در طول یک روز در مسیرهای متعارف طی می‌کنند. بنابراین مسیرهای غیر متعارف که به دلیل ناهمواری جاده و وجود موانع ترافیکی کیلومتر کمتری در آن‌ها طی می‌شود،

ملاک محاسبه نیست. ملاک شکسته شدن نماز و صحیح نبودن روزه، طی مسافت شرعی است نه نوع وسیله ای که با آن سفر انجام می شود. البته مسافت شرعی در هر زمان متغیر است و بر اساس وسیله نقلیه عمومی و شایع در هر زمان و مکان محاسبه می گردد. در گذشته با توجه به قافله ها و کاروان های مسافرتی، هشت فرسخ (رفت و برگشت) یعنی حدود چهل و پنج کیلومتر بود. امروزه در ایران، اتوبوس وسیله عمومی و رایج است که با سرعت متوسط و با محاسبه توقف های بین راه در طول یک روز حدود هفتصد کیلومتر مسیر را می پیماید. بنابراین مسافت شرعی حدود هفتصد کیلومتر (رفت و برگشت) است که باید مسیر رفت آن حداقل سیصد و پنجاه کیلومتر باشد. سفر هوایی در ایران کمتر از ده درصد مسافرت ها را شامل می شود و در نظر عرف وسیله رایج و همه گیر نیست. بنابراین نمی تواند ملاک محاسبه مسافت شرعی قرار گیرد. بنابراین اگر کسی به قصد طی مسافت شرعی، با هر وسیله ای این مقدار مسیر را بپیماید، مسافت شرعی را طی کرده است و نماز شکسته است و روزه اش صحیح نخواهد بود. مسافت شرعی سفر از انتهای شهر یعنی دیوار آخرین خانه ها یا تأسیسات شهر محاسبه می شود نه انتهای شهر به معنای مرز جغرافیایی که در تقسیمات کشوری برای یک شهر تعیین می شود.» (رای وی فاقد تاریخ است)

این دو نظر فقهی مبتنی بر قول سوم در دوران جدید است، که علیرغم نقاط مشترک متعدد در مواردی متفاوت هستند. جالب است دانسته شود که مدرس نخست قبل از طلبگی دانشجوی فیزیک بوده و مدرس دوم قبل از طلبگی دانشجوی برق و الکترونیک. در هر حال قول سوم در حال بسط و گسترش در حوزه های علمیه شیعه است. اگر فقیهی را می شناسید که به این قول قائل است و از قلم من افتاده است، لطفا اطلاع دهید.

جمع بندی مبحث دوم

یک. در دوران جدید مسافت تقدیری هشت فرسخ به قول اتفاقی فقهای امامیه تبدیل شد، و مسافت یک روز اماره آن در زمان صدور روایت قلمداد گشت.

دو. محمد صادقی تهرانی در کتابچه «نماز مسافر با وسائل امروزی» (ظاهرا بیروت، اوایل دهه پنجاه شمسی) و دیگر آثارش قائل به قول سوم شد. وی اولاً مستند قصر نماز در سفر را منحصر در سنت و تشریح آن را مبتنی بر تقلیل مشقت نوعیه دانست. ثانیاً در روایات مسیر یک روز اصل، و هشت فرسخ فرع و اماره آن است. در گذشته اصل و فرع بر هم منطبق بوده اند، اما با اما با وسایل ماشینی امروزی دیگر مسافت تقدیری گذشته از اماره بودن افتاده است. مسیر یک روز باید با وسیله غالب سفری همان زمان محاسبه شود نه اینکه یک روز مسیر قافله شتر برای همه زمانها ملاک باشد. ثالثاً در هشت فرسخ که با وسایل نقلیه امروزی در کمتر از یک ساعت طی می شود مشقتی نیست تا مشمول حکم قصر نماز مسافر قرار گیرد. رابعاً مراد از روز ۲۴ ساعت که حدود دوسوم آن در سیر می گذرد و بقیه به استراحت. با سرعت ۶۰ کیلومتر در ساعت حداقل مسافت برای قصر نماز و افطار روزه ۹۶۰ کیلومتر است.

سه. رای صائب صادقی تهرانی در تعیین مسیر یک روز به عنوان ملاک اصلی قصر و افطار و محاسبه مسیر بر اساس وسیله غالب هر زمان و نه زمان صدور روایات به سکوت برگزار شد، اما استدلال قابل مناقشه وی به مناط حکم یعنی مشقت نوعیه در سفر به عنوان علت حکم قصر نماز و نه حکمت آن به شدت از جانب فقها مورد نقد قرار گرفت: ارفاق در باب قصر حکمت است و علت تامه حکم نیست تا حکم دایرمدار آن باشد. واضح است که به بهانه تعبیدی یا توقیفی بودن عبادات نمی توان خواستار عمل به ظواهر یک دسته روایات

(ظهور در مسافت تقدیری) شد، و ظواهر دو دسته دیگر روایات (ظهور در دو مبنا و ظهور در مسیر یک روز) را نادیده گرفت.

چهار. صادقی تهرانی بیست سال بعد در کتابی به نام «نگرشی جدید بر نماز و روز مسافران» و دیگر آثارش قول سوم را از بنیاد طرد کرد بلکه به طور کلی منکر قصر نماز و جواز روزه در سفر شد. در قول نهایی وی اولاً به نص قرآن کریم تغییر در کیفیت و کمیت نماز فقط و فقط دو سبب می تواند داشته باشد و لاغیر: خوف و ضرورت. سفر به خودی خود مجوز تصرف در کیفیت و کمیت نماز نیست. ثانیاً قرآن نماز قصر غیرخوفی را به رسمیت نشناخته است. روایات موجود به جامانده از پیامبر (و اجماع و شهرت نیز) به علت مخالفت با قرآن فاقد حجیت است. دیگر روایات نماز مسافر هم حمل بر سفرهای خطرناک و تحفیف کیفیت نماز می شود. وی در این قولش ظاهراً منفرد مطلق است.

پنج. احمد عابدینی مدرس حوزه علمیه اصفهان و مهدی هادوی تهرانی مدرس حوزه علمیه قم از جمله قائلان قول سوم هستند: معیار مسافت شرعی که موجب شکسته شدن نماز یا صحیح نبودن روزه می شود، یک روز راه است که بر اساس وسیله نقلیه عمومی و شایع در هر زمان و مکان محاسبه می گردد.

جمع بندی بخش چهارم

اول. در سده اخیر به تدریج معادل فرسخ به کیلومتر در محاسبه مسافت شرعی در کتب فتوایی فقهی درج شد.

دوم. در محاسبه فرسخ شرعی (فرسخ به کار رفته در روایات) بر اساس ذرع و غیر آن هیچ مبنای علمی مقبول و متفق علیهی به چشم نمی خورد. ظاهراً بر اساس عرف عام و اصطلاح رایج جغرافیایی امروز فرسخ ۵۹۱۹ متر و حدود شش کیلومتر تعیین شده است.

سوم. در چهار مذهب فقهی اهل سنت یک فرسخ حداقل سه گونه محاسبه شده است: ۵۰، ۵۵ و ۱۱۳ متر. اختلاف جدا فاحش است.

چهارم. در مراجع تقلید شیعه قرن اخیر حداقل شش قول درباره محاسبه هشت فرسخ در دست است: ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۸ کیلومتر. میزان اختلاف ۲۰٪ است!

پنجم. مبنای مسافت تقدیری هشت فرسخ حتی اگر به کیلومتر هم تبدیل شود محل اختلاف جدی است و امر منضبطی نیست تا در دوران جدید مبنای محاسبه مسافت شرعی قرار گیرد. تعیین مسافت بر اساس مسیر یک روز مشکلاتش به مراتب کمتر، منضبط تر و آسان تر است.

ششم. محمد صادقی تهران درباره نماز مسافر دو قول دارد. در قول متقدم (أوائل دهه ۵۰ شمسی) وی اولاً مسیر یک روز را به عنوان ملاک اصلی قصر و إفتار و ثانياً محاسبه مسیر را بر اساس وسیله غالب هر زمان و نه زمان صدور روایات اعلام کرد. ثانياً منبع قصر نماز را سنت، و مناط حکم (علت حکم قصر نماز) را «مشقت نوعیه» در سفر دانست.

هفتم. رای صائب صادقی تهرانی در تعیین مسیر یک روز به عنوان ملاک اصلی قصر و إفتار و محاسبه مسیر بر اساس وسیله غالب هر زمان و نه زمان صدور روایات تحت الشعاع بخش قابل مناقشه رأیش (مشقت نوعیه در سفر مناط و علت حکم قصر نماز) قرار گرفت. قائلان قول مشهور بخش اول را با تعبیدی بودن نماز مسافر و بخش دوم را با خلط صادقی بین حکمت حکم و مناط آن پاسخ گفتند. بخش اول نقد قابل مناقشه است زیرا با وجود سه دسته روایات و سه قول در مسئله هیچکدام توقیفی یا تعبیدی نیست، در عین اینکه بخش دوم نقد وارد است.

هشتم. قول متأخر و نهایی صادقی تهرانی از اوایل دهه هفتاد شمسی انکار کامل قصر نماز در سفر و فتوا به تمام بودن نماز و جواز روزه در سفر بود. به تصور وی قرآن نماز مسافر را به رسمیت نشناخته و فعل پیامبر یا روایات دال بر نماز مسافر، اجماع و شهرت آن همگی خلاف قرآن و فاقد حجیت است. وی در این قول منفرد مطلق است.

نُه. به غیر از نگارنده، قول سوم (معیار سفر شرعی مسیر یک روز بر اساس وسیله نقلیه عمومی رایج در هر زمان) دو قائل دارد: احمد عابدینی و مهدی هادوی تهرانی. سوابق دانشجویی این مدرسین در فیزیک و مهندسی در شناخت درست موضوع بی تاثیر نبوده است.

بخش پنجم. قول مختار



اکنون نوبت به تشریح قول مختار می‌رسد. این بخش شامل سه مبحث به شرح زیر است. در مبحث اول سفر شرعی به اختصار تبیین می‌شود. در مبحث دوم ادله آن اقامه می‌گردد. و بالاخره در مبحث سوم اجزای مسئله تحلیل انتقادی می‌شود.

مبحث اول. تبیین سفر شرعی

این مبحث در مقام ارائه تصویری کلی از مهمترین احکام نماز مسافر به زبان ساده بدون استدلال فقهی شامل دو بحث است: نظر مقدماتی، و رئوس احکام نماز مسافر. در بحث اول پیشینه اظهار نظر نویسندگان درباره نماز مسافر ارائه و در بحث دوم خطوط کلی بحث نماز مسافر عرضه می‌گردد.

بحث اول. نظر مقدماتی

از اواخر دهه شصت و اوایل درس خارج متمایل به قول سوم بودم. در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در پاسخ به چند پرسش نظرم را به اختصار به شکل زیر منتشر کردم. پرسشها حذف شده اند.

«حداقل مسافت برای شکسته شدن نماز معادل سفر در روشنایی یک روز کامل متعادل با وسائل نقلیه متعارف است. در دوران ما با توجه به وسائل نقلیه عمومی رایج در خاورمیانه این مسافت معادل ۸۰۰ کیلومتر رفت و برگشت است که با حداقل ۴۰۰ کیلومتر رفت سفر شرعی محقق می شود. (۹ بهمن ۱۳۹۱) ملاک شکسته شدن نماز طی مسافت فاصله متوسط زمینی ۸۰۰ کیلومتر (رفت و برگشت) است. (۲۳ فروردین ۱۳۹۲) مسافتی که وسیله نقلیه متعارف در طول روشنایی یک روز متوسط ببیماید. وسیله متعارف اکثر مردم در زمان ما هنوز وسائل زمینی است. (۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲) مطابق روایات وارده مسافت شرعی مسافتی است که مسافر در روشنایی هوا در یک روز طی می کند. این مسافت در گذشته معادل حدود ۴۸ کیلومتر رفت و برگشت بوده است. با وسایل رفت و آمد متعارف زمینی دوران ما این مسافت حداقل ۸۰۰ کیلومتر رفت و برگشت (معادل حدود ده ساعت طی مسیر رفت و برگشت) است. یعنی طی مسافت کمتر از آن سفر شرعی محسوب نمی شود. در سفرهای هوایی نیز طول سفر رفت بیش از حدود پنج ساعت (نصف ساعات روشنایی هوا در یک روز) سفر شرعی محقق می شود. (رفت و برگشت ده ساعت) (۲۲ شهریور ۱۳۹۲)».

بحث دوم. رئوس احکام نماز مسافر

در این بحث رئوس احکام نماز مسافر مطابق آخرین تحقیقاتم بدون استدلال عرضه می شود. در دو مبحث بعدی استدلالات آن می آید.

سفر شرعی موضوع حکم شکسته شدن نماز در نمازهای چهار رکعتی و عدم جواز روزه است.

مسافر کسی است که حداقل مسیر یک روز کامل (شامل رفت و برگشت) را بپیماید.

مراد از روز شبانه روز نیست، روز مقابل شب است. مقصود از روز روزی است که افراد به طور متعارف سفر می کنند: طلوع خورشید تا غروب آن. در هر منطقه ای روز معتدل سال در نظر گرفته می شود نه روزی که سفر در آن انجام می شود. متوسط روز معتدل در هر منطقه معیار روز محسوب می شود. برای وحدت رویه می توان اول فروردین یا اول مهر را در هر منطقه در نظر گرفت، و ساعت طلوع و غروب آفتاب را در آن پیدا کرد. مقدار ساعات فاصله بین این دو ساعت طول روز محسوب می شود. به عنوان مثال در تهران طول روز اول فروردین امسال ۱۲ ساعت و ۹ دقیقه است. مسافر کسی است که حداقل نصف چنین مقداری سفر کند.

مبدء و منتهای سفر اعم از زمینی، دریایی و هوایی به ترتیب پایان محدوده شهری یا ابتدای آن است که توسط شهرداری ها با تابلو علامت گذاری شده است. قلمرو شهر یا روستا امری عرفی است. حد ترخص (نشیدن صدای اذان یا ندیدن آخرین دیوارهای خانه های شهر) معادل حدود ۱۳۵۰ متر از مرز شهر (آخرین دیوارهای شهر یا روستا) معیار مبدء سفر نیست.

مسیر یک روز با وسیله نقلیه عمومی متعارف ملاک است. در جاده ای معتدل و هموار که ترافیک نباشد. مراد از سرعت معتدل سرعت متوسط در جاده است (بین حداقل و حداکثر سرعت مجاز). در ایران در زمان حاضر وسیله نقلیه عمومی اتوبوس است. این میانگین در ایران در حال حاضر حدود ۸۰ کیلومتر در ساعت است. ساعاتی که صرف استراحت می شود جزء سفر محسوب می شود و از حداکثر ساعات روز کسر می شود.

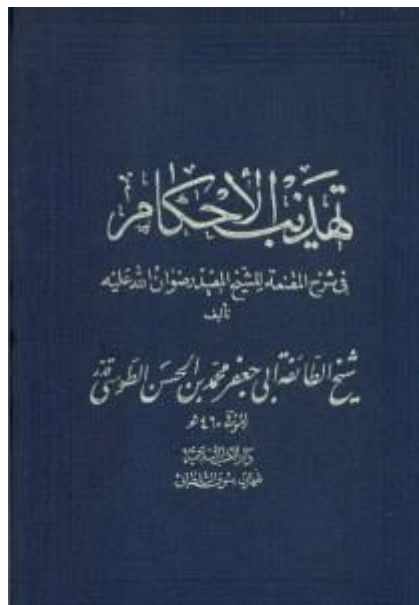
اگر میزان توقف در سفر یک روز حدود دو ساعت در نظر بگیریم، ساعات خالص سفر در ایران حدود ده ساعت می شود (۱۰=۱۲-۲) بر اساس سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت مسیر یک روز معادل ۸۰۰ کیلومتر می شود (۸۰۰=۱۰×۸۰).

جهت تسهیل کار مردم اگر کسی حداقل ۸۰۰ کیلومتر (حداقل ۴۰۰ کیلومتر رفت) با هر وسیله نقلیه زمینی سفر کند که معادل حدود ده ساعت سفر است، مسافر محسوب می شود. اینکه با خودروی شخصی یا قطار با سرعت بیشتری یا کمتر از این سفر کند ملاک نیست. همین که این مقدار مسافت طی شد فرد مسافر است ولو در ساعات کمتری با سرعت بیشتری یا با سرعت کمتری در ساعات بیشتری. بحث نوعی است نه شخصی. به عبارت دیگر بین دو ملاک زمانی پنج ساعت و ملاک مکانی ۴۰۰ کیلومتر هرکدام زودتر محقق شد فرد مسافر است.

در سفرهای آبی ملاک ده ساعت سفر رفت و برگشت است. مسافت طی شده بر اساس کشتی مسافربری که با سرعت متوسط در هوای معتدل حرکت می کند محاسبه می شود نه سرعت اتوبوس در خشکی. مسیر یک روز در سفر آبی (به ازای ده ساعت) حدود ۳۷۰ کیلومتر است. پیمودن ۱۸۵ کیلومتر یا پنج ساعت سفر رفت فرد را مسافر می کند، هرکدام زودتر اتفاق افتاد.

در سفر هوایی هشت ساعت سفر (حداقل چهار ساعت رفت) و مسافت طی شده توسط هواپیمای مسافربری که وسیله نقلیه هوایی غالب مسافران است ملاک است، نه هواپیماهای پرسرعتی که هنوز وسیله نقلیه عادی هوایی نیستند، یا سرعت اتوبوس در سفر زمینی. با توجه به اینکه فرودگاهها خارج از شهرند و حداقل یک ساعت قبل نیز مسافر باید در فرودگاه حاضر باشد از شش ساعت سفر رفت دو ساعت کسری شود (۴=۶-).
 ۲). حداقل چهار ساعت رفت در سفر هوایی فرد را مسافر می کند، (مجموعاً هشت ساعت رفت و برگشت). اگر سرعت متوسط هواپیما را ۸۰۰ کیلومتر در ساعت فرض کنیم، مسیر یک روز با احتساب ساعات حضور الزامی قبلی در فرودگاه و سفر به فرودگاه هشت ساعت پرواز (رفت و برگشت) است. چهار ساعت رفت معادل ۳۲۰۰ کیلومتر است. هرکدام از این دو در سفر هوایی (مسافت زمانی: ۴ ساعت، مسافت مکانی: ۳۲۰۰ کیلومتر) زودتر اتفاق افتاد فرد مسافر شده است.

مبحث دوم. ادله قول مختار



در این مبحث ادله آراء مبحث قبل ارائه می شود. این مبحث شامل دو بحث به شرح زیر است: بحث روایی،

و استدلال عقلی نقلی.

بحث اول. بحث روایی

معیار سفر شرعی مسیر یک روز است، نه یک شبانه روز. در سفر شرعی مسیر یک روز موضوعیت دارد و مسافت تقدیری (هشت فرسخ یا دو برید یا ۴۴ میل) در زمان صدور روایات اماره و طریق آن بوده است و تا زمانی که معادل مسیر یک روز بوده است اماره محسوب می شده است و در دوران جدید این امارات متعلق به گذشته است که دوران اعتبار آنها به سر رسیده است. این نکات از مجموع ادله در کنار هم استفاده می شود. برخی روایات به کلیه این نکات دلالت دارد و برخی به بعضی نکات. روایات معتبرالسند مورد عمل أصحاب مجموعاً

به سه دسته تقسیم می شوند: روایات صریح در موضوعیت مسیر یک روز، روایات تخییر بین دو مبنا و روایات تقدیر مسافت.

دسته اول روایات: صریح در موضوعیت مسیر یک روز

در این دسته حداقل چهار روایت دلیل اصلی موضوعیت مسیر یک روز برای حکم قصر نماز محسوب می شوند به شرح زیر:

روایت اول. صحیحہ علی بن یقطين قال: سألت أبا الحسن الأول (ع) عن الرجل يخرج في سفره وهو في مسيرة يوم، قال: يجب عليه التقصير (في) مسيرة يوم، وإن كان يدور في عمله. (ب ۱ ح ۱۶ عن التهذيب والاستبصار) راوی از امام کاظم (ع) درباره مردی می پرسد که در مسیر یک روزه برای سفر خارج شده است. پاسخ امام: بر او در مسیر یک روز تقصیر واجب است، و اگرچه در کارش بکوشد.

دلالت: روایت صریح در این است که ملاک در قصر نماز مسیر یک روز سفر است، مراد از ذیل روایت یعنی در هر صورت با طی مسیر یک روز تقصیر بر او واجب است.

روایت دوم. صحیحہ عبدالرحمن بن الحجاج، عن أبي عبد الله (ع) - في حديث - قال: قلت له كم أدنى ما يقصر فيه الصلاة؟ قال: جرت السنة ببياض يوم، فقلت له: إن بياض يوم يختلف يسير الرجل خمسة عشر فرسخا في يوم ويسير الاخر أربعة فراسخ وخمسة فراسخ في يوم، قال: فقال: إنه ليس إلى ذلك ينظر، أما رأيت سير هذه الأميال بين مكة والمدينة، ثم أوما بيده أربعة وعشرين ميلا يكون ثمانية فراسخ. (ب ۱ ح ۱۵ عن التهذيب) پرسش: کمترین حدی که نماز در آن شکسته می شود چیست؟ پاسخ امام: سنت به روشنائی روز جاری شده است. پرسش دوباره: روشنائی روز (در فصول مختلف سال) تفاوت می کند، در یک روز فرد پانزده فرسخ می رود، در روز دیگر چهار

فرسخ، و در روز دیگر (سوم) پنج فرسخ. پاسخ دوباره امام: اینگونه (به مسئله) نگریسته نمی شود. آیا سیر میلیها را بین مکه و مدینه دیده ای؟ سپس با دستش اشاره کرد: بیست و چهار میل معادل هشت فرسخ است.

دلالت: روایت حاوی سه نکته مهم است. اولاً امام با تعبیر سنت از قاعده بودن مسیر یک روز برای قصر نماز یاد می کند. این تعبیر مهم و کلیدی بحث است. ثانیاً مراد از روز روشنایی روز است نه شبانه روز. روشنایی روز هم به فهم عرفی ظاهر در طلوع تا غروب آفتاب است، نه سحر تا مغرب. نکته سوم مسیر یک روز در اوقات مختلف سال، مرکبهای مختلف، سرعتهای مختلف، و کیفیت مختلف جاده ها فرق می کند. راوی فقط به اختلاف اول اشاره می کند. اما پاسخ امام همه اختلافهای شخصی را نفی می کند. مسیر یک روز در هر زمان به مسافت محاسبه می شود. امام به مسافت بین مکه و مدینه اشاره کرد که با وسایل نقلیه آن زمان مسیر یک روز معادل بیست و چهار میل و هشت فرسخ بود. پس مسافت طریقت دارد و مسیر یک روز موضوعیت.

روایت سوم، موثقه (مضمرة) سماعه قال: سألته عن المسافر في كم يقصر الصلاة؟ فقال: في مسيرة يوم وذلك بریدان وهما ثمانية فراسخ. (ب ۱ ح ۸ عن التهذيب والاستبصار) پرسیدم مسافر در چه مسافتی نماز را قصر می کند؟ پاسخ داد: در مسیر یک روز و آن هشت فرسخ است.

دلالت: روایت صریح در این است که ملاک قصر نماز مسیر یک روز است، که در زمان صدور روایت معادل دو برید و هشت فرسخ بوده است. امام نفرمود دو برید یا هشت فرسخ که مسیر یک روز می شود، بلکه برعکس ابتدا به مسیر یک روز پاسخ داد سپس مسافت معادلش را بیان کرد.

روایت چهارم، روایت فضل بن شاذان از امام رضا (ع) (با سند معتبر صدوق در من لایحضره الفقیه) قال: إنما وجبت التقصير في ثمانية فراسخ لا أقل من ذلك ولا أكثر، لأن ثمانية فراسخ مسير يوم للعامة والقوافل والأثقال فوجب التقصير في مسير يوم، قال ولو لم تجب في مسير يوم، لما وجب في مسير الف سنة لأن كل يوم يكون بعد

هذا اليوم فإنما هو نظير هذا اليوم، فلو لم يجب في هذا اليوم لما وجب في نظيره. (ب ۱ ح ۱ عن الفقيه) شکسته شدن نماز در هشت فرسخ واجب شده، نه بیشتر و نه کمتر، چرا که هشت فرسخ مسیر یک روز برای عموم مردم، کاروانها و بارهاست [که با مسافران جایجا می شود]، پس شکستن نماز در مسیر یک روز واجب است. و اگر شکسته شدن نماز در مسیر یک روز واجب نمی شد، در مسیر هزار سال هم واجب نمی شد، زیرا هر روزی بعد از این روز و نظیر آن است، و اگر در این روز واجب نمی شد در ماندهای آن نیز واجب نمی شد.

دلالت: امام ابتدا مسافت تقدیری یعنی هشت فرسخ را بیان کرده، اما بلافاصله علت آن را مسیر یک روز اعلام کرده، و تعلیل اقوی دلیل بر این است که موضوع حکم مسیر یک روز است و هشت فرسخ اماره آن است. برای بار دوم تاکید می شود که تقصیر در مسیر یک روز واجب است. برای بار سوم و دومین تعلیل گفته می شود که اگر شکسته شدن نماز در مسیر یک روز واجب نمی شد، در مسیر هزار سال هم واجب نمی شد (در متن وسائل «هزار» از قلم افتاده است، روایت را از منبع اصلی فقیه صدوق نقل کرده ام)، و بار چهارم تعلیلی برای تعلیل اخیر: زیرا هر روزی بعد از این روز و نظیر آن است. و برای بار آخر و تعلیلی برای تعلیل قبلی: اگر قصر در این روز واجب نمی شد در ماندهای آن نیز واجب نمی شد. آیا صریح تر از این ممکن بود موضوعیت مسیر یک روز برای قصر نماز بیان شود؟ دکته دیگری که در روایت حائز توجه است مَرکبی است که برای محاسبه مسیر یک روز معرفی شده کاروانی است که با بار و پیاده سفر می کند، وسیله نقلیه عمومی آن دوران اراده شده است.

دسته دوم: روایات تخییر بین دو مبنا

روایات این دسته مسیر یک روز و تقدیر مسافت بدون ترجیح یکی بر دیگری با حرف عطف او (یا) در کنار هم ذکر شده اند. اگر چه تا زمانی که این دو مبنا بر هم منطبق بوده اند این تخییر بدون مشکل بود، اما در دوران جدید که این دو مبنا نسبتشان به جای تساوی حدود یک به بیست است، نمی توان به ظاهر این دسته

روایات عمل کرد (بر عکس قول دوم) و شق تقدیر مسافتی ناظر به امر موقتی است که دوران آن گذشته است. شق اول تخییر البته کماکان به اعتبار خود باقی است. در این دسته دو روایت معتبرالسند به عنوان نمونه قابل ذکر است.

صحيحه أبي بصير قال قلت لأبي عبدالله (ع) في كم يقصر الرجل؟ قال: في بياض يوم أو بردين. قال خرج رسول الله (ص) إلى ذي حُشب فقصر وأفطر. فقلت: وكم ذي حُشب؟ قال: بریدان. (ب ۱ ح ۱۱-۱۲ عن التهذيب) از امام پرسیدم: در چه مسافتی فرد نمازش شکسته می شود؟ پاسخ امام صادق (ع): در روشنایی روز یا دو برید. پیامبر (ص) [از مدینه] به ذی حُشب رفت، نمازش را شکسته اقامه کرد و روزه اش را إفطار کرد. پرسیدم: ذی حُشب در چه مسافتی بود؟ پاسخ امام: دو برید.

دلالت: قصر نماز و إفطار پیامبر به روایت امام صادق در سفر در روشنی یک روز یا دو برید صورت گرفته است. ذی حُشب در دو بریدی مدینه بود و این سفر یک روز طول کشیده بود. در مجموع روایات مسیر یک روز موضوع حکم و مسافت تقدیری اماره آن است.

صحيحه أبي أيوب عن أبي عبدالله (ع) سأله عن التقصير، فقال: في بردين أو بياض يوم. (ب ۱ ح ۷ عن التهذيب والاستبصار) از امام صادق (ع) درباره تقصیر پرسیدم. پاسخ داد: دو برید یا روشنایی روز.

دلالت: در این روایت مسافت تقدیری یا روشنایی روز ملاک تقصیر ذکر شده است. به قرینه دیگر روایات باب، این تخییر زمانی است که این دو ملاک بر هم منطبق باشند. نکته دوم روایت استفاده از عبارت روشنایی روز است که شبانه روز را نفی می کند و بر روز عرفی تطبیق می شود نه روز روزه.

دسته سوم روایات: روایات تقدیر مسافت

اما روایاتی که تنها مسافت تقدیری را ذکر کرده اند و به مسیر یک روز اشاره نکرده اند مانع قول مختار نمی توانند بشوند. این روایات روایات موقتی هستند که دوران اعتبارشان به سر آمده است. دو روایت معتبرالسند به عنوان نمونه قابل ذکرند.

موثقه عیص بن القاسم عن أبي عبدالله (ع) قال: في التقصير حده أربعة وعشرون ميلا يكون ثمانية فراسخ (باب ۱، حدیث ۱۴ عن التهذيب والاستبصار) حد تقصیر ۲۴ میل معادل هشت فرسخ است.

صحيحه معاوية بن وهب قلت لأبي عبدالله (ع): أدنى ما يقصر فيه المسافر الصلاة؟ فقال (ع): برید زاهبا وبرید جائيا (ب ۲ ح ۲ عن علل الشرايع و عيون) پرسش: کمترین حدی که مسافر نماز را شکسته می کند کدام است؟ پاسخ: یک برید رفت و یک برید برگشت.

دلالت: این دو روایت را به قرینه روایات معتبر متعدد دیگر (که شش نمونه آن گذشت) به اماره مسیر یک روز حمل می شود که در زمان صدور منطبق بر مسیر یک روز بوده است. اعتبار این دسته روایات تا زمانی است که اماریت و طریقت آنها محفوظ باشد. در دوران جدید این دسته روایات فاقد طریقت و اماریت هستند و قابل مراجعه نیستند.

بحث دوم. استدلال عقلی نقلی

مراد از استدلال عقلی نقلی دلیل عقل غیرمستقل اصطلاحی نیست، مراد تحلیل عقلی مفاد روایات بر اساس شرایط زمانی مکانی و زمینه صدور روایات است. در این تحلیل عقلی از موازین شناخته شده علم اصول فراتر نرفته ام. ضمنا این دو دلیل مستقل از دلیل نقلی (روایی) نیست. جهت تدقیق بیشتر آنها را مجزا بحث می کنم والا دلیل روایی بدون توجه به این دو نکته در دوران جدید جاری نمی شود.

در دوران جدید نسبت مسیر یک روز حدود ۸۰۰ کیلومتر با هشت فرسنگ ۴۰ تا ۴۶ کیلومتر نسبت ۲۰ یا ۱۹ به یک است. دسته دوم روایات یعنی تخییر مطلقا قابل عمل نیست. اگر امر دائر بین دسته اول و سوم روایات شود، نمی توان صرفا به برخی ظواهر ظنی متن روایات اکتفا کرد. چاره ای نیست جز اینکه نتایج تطبیق هر یک از دو مبنا بر واقعیت خارجی را به دقت بررسی کرد.

دلیل اول: تحول اساسی موضوع سفر

در دوران جدید در سفرهای برون شهری که افراد در داخل شهرها برای رفتن سرکار یا خرید یا دیدن اقوام و دوستان یا رفتن از یک محله به محله دیگر کم و بیش حدود ۴۰ کیلومتر (رفت و برگشت) طی می کنند مصداق سفر برون شهری یقینا نمی تواند همان هشت فرسنگ دوران سفر با قافله شتر باشد. سفر با وسیله نقلیه و مسافتی که در واحد زمانی طی می شود بستگی تام دارد. اگر در گذشته (دوران سفر با حیوانات و کاروانها) سفر با روز سنجیده می شد، در دوران جدید (دوران سفر با وسایل نقلیه موتوری زمینی، دریایی و هوایی) با ساعت سنجیده می شود. اگر در گذشته روزانه هشت فرسخ (۴۰ تا ۴۶ کیلومتر) طی می شد، در دوران جدید هر ساعت با وسیله نقلیه عمومی زمینی مثل اتوبوس به راحتی ۸۰ کیلومتر سرعت مجاز طی می شود.

اینکه موضوع سفر در طول دو قرن اخیر در غرب، و طی یک صد و بیست سال اخیر در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان تحول جدی یافته غیر قابل انکار است. برای درک این تحول نمی توان به عموم یا اطلاق روایاتی در قرن اول و دوم هجری تمسک کرد. تشخیص موضوع سفر امری عرفی است، که البته در مورد عباداتی که با آن سر و کار دارند قیود شرعی هم می تواند داشته باشد، اما اصل موضوع عرفی است. عرف را باید از واقعیت خارجی درک کرد نه از متن دینی. فقیهی که در دوران جدید برای درک سفر به ظواهر روایات استناد می کند از این نکته به غایت مهم غفلت کرده است. به فقهای که در دوران قدیم (تا حوالی ۱۳۴۰ شمسی و ۱۳۸۰ قمری) فتوا

داده اند حرجی نیست، اما فتوای بعد از این تاریخ بر اساس مسافت دوران قافله شتر جمود بر ظاهر لفظ و غفلت قطعی از موضوع سفر است.

مسافت در سفر مرتبط با نماز و روز مسافر در دوران جدید بر اساس مسافت یک روز وسایل نقلیه جدید عمومی در جاده های آسفالته جدید با سرعت متوسط محاسبه می شود و یقینا بسیار بیش از هشت فرسخ (۴۰ تا ۶۷ کیلومتر) است. بنابراین قول اول (دسته سوم روایات) در دوران جدید غیر قابل عمل است. متعین عمل به دسته اول روایات است: مسیر یک روز.

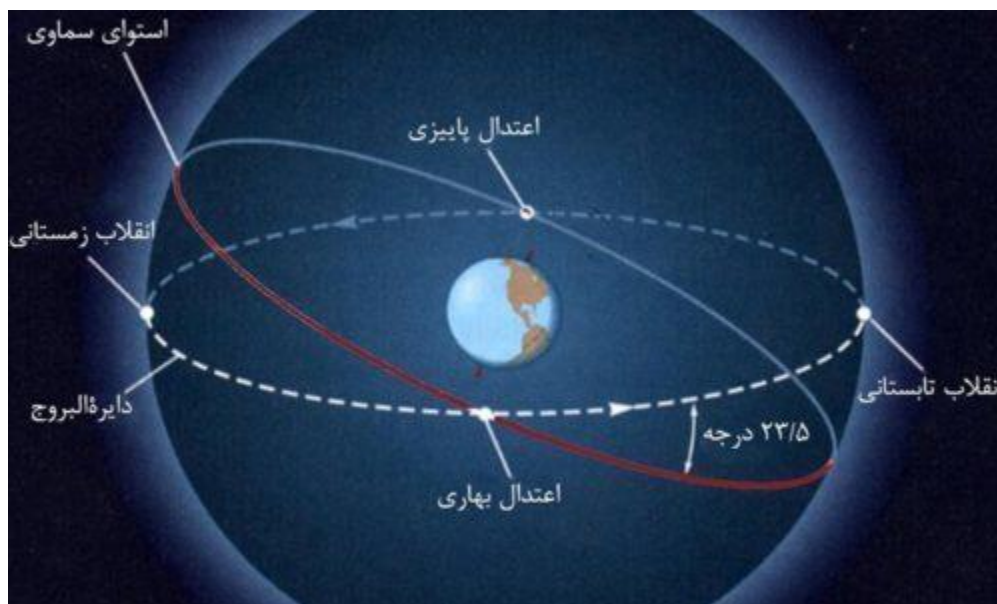
دلیل دوم. مسیر سفر یک روزه با مرکب هر زمان

اولا مسیر یک روز در اکثر روایات معتبر در بحث نماز و روزه مسافر حتی از سوی قائلان قول اول غیر قابل انکار است. ثانيا مسیر یک روز در دوران قدیم و زمان صدور روایات معادل هشت فرسخ بوده است: مسیری که کاروان شتر در یک روز طی می کرده است. آیا فقیهی که در دوران جدید زندگی می کند و شخصا با کاروان شتر هم تردد نمی کند، بلکه با خودرو یا هواپیما سفر می کند مسیر سفرش در یک روز را با مسافتی که کاروان شتر در گذشته طی می کرده اند تنظیم می کند؟! آیا چنین تقدیر مساحتی مقبول و مسموع است؟ مسیر یک روز معنای متعارفش که ضابطه علم اصول است در عرف هر روز معنی می شود. آیا پیامبر یا ائمه مسیر یک روزه قافله شتر را موضوع سفر برای همیشه و همه جا وضع کرده اند؟! آیا چنین حقیقت شرعیه یا متشرعه ای قابل اثبات است؟ اگر پاسخ منفی است، مفهوم سفر در سفر شرعی (منجر به قصر نماز و عدم جواز روزه) امری تماما عرفی است، حد شرعی آن را نیز شارع متناسب با اصل عرفی تعیین کرده است. غفلت از اصل عرفی یعنی مسیر سفر یک روزه با مرکب هر زمان نه سفر یک روزه با مرکب زمان صدور روایات! اگر کسی روایات را اینگونه بفهمد مطمئنا و بدون کمترین تردیدی خطا کرده است.

نتیجه

عمل به دسته اول روایات متعین است. مطابق آن میزان همیشگی سفر شرعی مسیر یک روز است. این مسیری است که در هر زمان با وسیله نقلیه غالب عمومی آن زمان در جاده های همان زمان طی می شود. مسافتی که وسیله نقلیه دوران گذشته (از جمله زمان صدور روایات) قافله شتر طی می کردند یعنی هشت فرسخ ملاکی جاودانه برای همه دورانها نیست و تمسک به آن جمود در نص و خطای فاحش در درک موضوع عرفی سفر است. در دوران جدید تا اطلاع ثانوی مسیر یک روز مسافتی که وسیله نقلیه غالب عمومی (اتوبوس) در سفر رفت و برگشت طی می کند معادل هشتصد کیلومتر است.

مبحث سوم. تحلیل اجزای مسئله



در این مبحث ضمن هفت بحث به شرح زیر اجزای مسئله تحلیل می شود: مراد از روز، وسیله نقلیه و سرعت آن، تعیین مبدء و منتهای سفر، تحقق مسافت شرعی با ملاک کوتاه‌هر و زودتر، مسافت شرعی در سفرهای دریایی، و مسافت شرعی در سفرهای هوایی. این نکات در ضمن استدلال در مبحث گذشته به اجمال اشاره شد، اکنون در هر یک به تفصیل سیر اقوال بررسی و براساس قول مختار بر آنها استدلال می شود.

بحث اول. مراد از روز

مراد از روز در روایات تقصیر (نماز شکسته) چیست؟ کدام یک از اینها مراد است: شبانه روز، روز مقابل شب، از طلوع فجر یا از طلوع آفتاب، روز بلند یا روز کوتاه یا روز متوسط؟ گاهی روز بر شبانه روز اطلاق می شود (معادل ۴ ساعت)، گاهی روز مقابل شب مراد است که طول آن در طول ایام مختلف سال تغییر می کند. اگر روز به معنی دوم مراد باشد در متون دینی گاهی از طلوع فجر تا غروب آفتاب یا مغرب مراد است و زمانی از طلوع تا غروب خورشید. طول روز به معنای دوم چند ساعت کوتاه تر از طول روز به معنای اول است (فاصله طلوع فجر تا طلوع آفتاب). طول روز در فصلهای سال تفاوت می کند. این تفاوت به حدود پنج ساعت می رسد. روز چند ساعتی مقصود شارع در روایات مسیر یک روز بوده است؟ این بحث شامل سه قسمت به شرح زیر است: روشنائی روز، از طلوع تا غروب خورشید، و روز معتدل.

الف. روشنائی روز

اینکه مراد از روز مقابل شب است، نه شبانه روز:

دلیل اول. عبارت بیاض یوم در برخی روایات معتبر آمده است، از جمله صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج «جرت السنة ببياض يوم»، صحیحه أبي بصير «في بياض يوم أو بریدین»، و صحیحه أبي أيوب «في بریدین أو بیاض

یوم» همگی از امام صادق (ع). روایات مطلق «مسیر یوم» حمل بر روایات مقید می شود: «بیاض یوم». اما مراد از بیاض یوم چیست؟ معنای تحت اللفظی آن سفیدی روز است، به قرینه مقابله با تاریکی شب مراد روشنایی روز است.

دلیل دوم. فهم عرفی از روز هم همین است. اراده معنی شبانه روز از روز محتاج قرینه است که در اینجا قرینه برخلاف آن است.

ب. از طلوع تا غروب خورشید

اینکه مراد از روز، روز روزه (از طلوع فجر) یا روز عرفی (از طلوع خورشید) است، انصاف مطلب این است که تصریحی در روایات به چشم نمی خورد. صیمری در غایة المرام آن را روز روزه از طلوع فجر تا غروب خورشید معنی کرده است. محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و صاحب مدارک نیز بر همین منوال رفته اند. صاحب حدائق ضمن اشاره به این قول و قائلانش نوشته کسانی که به این امر تصریح کرده اند جدا اندکند.

محقق سبزواری در کفایه و ذخیره این قول را نپذیرفته است. به نظر شیخ انصاری در کتاب الصلاة «ظاهر از مسیر واقع در یک روز امر متعارف از آن است، نه استیعابش از طلوع فجر تا ذهاب حمره [مشرقیه]، زیر سیر به این شکل غیر متعارف است.» محقق همدانی در مصباح الفقیه نیز با تکرار عبارت شیخ اعظم این نکته را بر آن افزوده است: متبادر از بیاض یوم در برخی اخبار اراده یوم صوم (از طلوع فجر) است، اما مراد از سیر واقع در آن به حسب ظاهر همان است که در سیر کاروانها، باربران و بارها متعارف بوده است نه استیعاب از طلوع فجر تا ذهاب حمره [مشرقیه]، زیر سیر به این شکل غیر متعارف است.» در حقیقت محقق همدانی ظهور بیاض یوم را از طلوع فجر دانسته اما در ظاهر مسیر یوم را از طلوع آفتاب.

به نظر می‌رسد: اولاً بیاض یوم ظهوری در روز روزه ای نداشته باشد، زیرا روشنائی بالفعل روز از طلوع آفتاب است نه از طلوع فجر. ثانیاً ملاک اصلی در فهم مسیر یک روز عرف است و متعارف حرکت از طلوع فجر نبوده، بلکه از طلوع آفتاب بوده است. ثالثاً انتهای روشنائی روز هم غروب آفتاب است نه مغرب. رابعاً تسهیل و یسر در مسئله مؤید روز از طلوع تا غروب خورشید است. در نتیجه مراد از روز از طلوع فجر تا مغرب نیست، بلکه از طلوع آفتاب تا غروب آن است.

ج. روز معتدل

اما در محاسبه روز (از طلوع تا غروب آفتاب) چرا باید روز معتدل را ملاک قرار داد و نه روزهای بلند تابستان یا روزهای کوتاه زمستان را؟ ابن فهد حلی در مهذب البارع و موجز زمان به کار رفته در روایات مسافت را «نهار معتدل»، صیمری در غایة المرام از آن به «زمان معتدل» و شهید ثانی در روض الجنان به «روز متوسط (وسط)» تعبیر کرد. از آن پس یوم معتدل در اکثر تالیفات فقهی مدار بحث قرار گرفت از جمله در مجمع الفائدة، مدارک، حدائق، ریاض و مفتاح الکرامه. وحید بهبانی نیز در مصابیح الظلام روز متوسط را مقتضای انصراف اطلاعات دانسته است. حق همین است که روز در مسیر یک روز بر روز معتدل یا متوسط حمل شود.

اما روز معتدل چه روزی است؟ و طول آن چگونه محاسبه می‌شود؟ طول روز در فصول مختلف و ماههای هر سال شمسی تفاوت می‌کند. روزهای تابستان بلند و روزهای زمستان کوتاه است. روزهای بهار معتدل است. به شکل دقیق‌تر اعتدال بهاری در اول فروردین، اعتدال پاییزی در اول مهر، انقلاب تابستانی در ۳۱ خرداد، و انقلاب زمستانی در اول دی رخ می‌دهد. معتدل‌ترین روزهای سال اول فروردین و اول مهر است. طول روز در این روز (تهران، ۱۳۹۸، مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران) به ترتیب ۱۲ ساعت و ۹ دقیقه و ۱۲ ساعت و ۸ دقیقه است. بلندترین روز سال ۳۱ خرداد ۱۴ ساعت و ۳۴ دقیقه و کوتاه‌ترین روز سال اول دی ۹ ساعت و ۴۵ دقیقه

است. روز معتدل را به دو طریق می توان محاسبه کرد: یکی از دو روز اول فروردین یا اول مهر را ملاک قرار دهیم، یا اینکه طول بلندترین و کوتاه‌ترین روز را معدل بگیریم. از هر دو طریق عدد ۱۲ ساعت و ۸ دقیقه (و ۳۰ ثانیه) بدست می آید. بنابراین روز معتدل در ایران حدود ۱۲ ساعت است.

بحث دوم. وسیله نقلیه و سرعت آن

مسیر یک روز در چه راهی، با چه وسیله نقلیه‌ای، و با چه سرعتی تعیین می شود؟ آیا ساعات استراحت در این محاسبه منظور می شود یا در تمام این ساعات فرد باید در حال پیمودن مسیر باشد؟ این پرسشهایی است که در این بحث طی چهار قسمت به شرح زیر به آن پاسخ داده می شود: جاده معتدل، وسیله نقلیه غالب عمومی، سرعت متوسط، و احتساب ساعات استراحت.

الف. جاده معتدل

در روز معتدل (۱۲ ساعتی) در چه مسیری مسافت یک روز محاسبه می شود؟ شهید اول اعتدال در ارض را در مسیر یک روز مطرح کرد. بعد از او این نکته مورد تلقی اصحاب قرار گرفته است. مراد از اعتدال در ارض هموار بودن جاده، و نداشتن سربالایی و سرازیری، سنگلاخ و کوهستانی نبودن و مانند آن بوده است. در دوران جدید مراد از جاده معتدل آسفالت بودن آن بعلاوه سرازیر و سربالایی نبودن و پیچ در پیچ نبودن آن است. همه این نکات متبادر عرفی از جاده معتدل است. مراد از جاده معتدل آزادراه نیست! جاده معمولی است که تا اطلاع ثانوی مورد غالب مسیرهای برون شهری است.

ب. وسیله نقلیه غالب عمومی

برای محاسبه مسیر یک روز چه وسیله نقلیه ای ملاک است؟ این مسئله در روایات مطرح شده است.

روایت اول. صحیحہ عبد اللہ بن یحییٰ الکاهلی عن ابی عبد اللہ (ع) فی التقصیر فی الصلاة: برید فی برید أربعة وعشرون ميلا، ثم قال: كان أبي (ع) يقول: إن التقصير لم يوضع على البغلة السفواء والدابة الناجية، وإنما وضع على سير القطار. (ب ۱ ح ۳ عن الفقيه، التهذيب والاستبصار) راوی از تقصیر در نماز می پرسد. امام صادق (ع) پاسخ می دهد: دو برید [یا] بیست و چهار میل. سپس از پدرش امام باقر (ع) نقل می کند که تقصیر بر شتر چابک (خفيفة سريعة) و مرکب سریع السیر (مرکب تندرویی که ناجی سوار آن است) وضع نشده است، بلکه بر سیر (روزانه) قطار شتر وضع شده است.

دلالت: اگرچه صدر روایت از امام صادق تقدیر مکانی مسافت معرفی شده است، اما ذیل آن دو نکته دارد که نکته دوم آن شاهد بحث است. اما نکته اول اگر تقدیر مکانی مسافت مقوم موضوع بود چه نیازی به ذیل روایت؟! این که مرکب تند یا کند برود مربوط به تقدیر زمانی مسافت است نه تقدیر مکانی! اما نکته دوم امام صادق به نقل از پدرش تصریح می کند که مسیر یک روز بر اساس مرکبهای سریع السیری از قبیل شتر چابک یا اسب تیز تک وضع نشده بلکه بر مبنای سیر قطار شتر (کاروان، قافله) که مرکب عمومی اغلب آن دوران بوده وضع شده است.

روایت دوم. روایت فضل بن شاذان از امام رضا (ع) (با سند معتبر صدوق در من لا یحضره الفقيه) قال: إنما وجبت التقصير في ثمانية فراسخ لا أقل من ذلك ولا أكثر، لأن ثمانية فراسخ مسير يوم للعامة والقوافل والأثقال فوجب التقصير في مسير يوم. (ب ۱ ح ۱) شکسته شدن نماز در هشت فرسخ واجب شده، نه بیشتر و نه کمتر، چرا که هشت فرسخ مسیر یک روز برای عموم مردم، کاروانها و بارهاست [که با مسافران جایجا می شود]، پس شکستن نماز در مسیر یک روز واجب است.

دلالت: درباره صدر روایت مشهور فضل بن شاذان قبلا بحث شد. ذیل آن هشت فرسخ را مسیر یک روز پیادگان، کاروانها و شترهای باربری که شیوه غالب حمل و نقل در آن دوران بوده معرفی کرده است.

روایت سوم. روایت صدوق (در علل الشرایع و عیون اخبار الرضا) از فضل بن شاذان عن الرضا (ع): وقد یختلف المسیر فسیر البقر إنما هو أربعة فراسخ، و سیر الفرس عشرون فرسخا وإنما جعل مسیر یوم ثمانية فراسخ، لان ثمانية فراسخ هو سیر الجمال والقوافل وهو الغالب علی المسیر، وهو أعظم المسیر الذی یشیره الجمالون والمکاریون. (ب ۱ ح ۲) گاهی مسیر مختلف می شود. سیر گاو [در روز] فقط چهار فرسخ است، و سیر اسب [در روز] بیست فرسخ. اما مسیر یک روز هشت فرسخ قرار داده شده است، زیرا هشت فرسخ سیر شترها و قافله هاست، و این [مركب] غالب در مسیر است، و این [هشت فرسخ] بیشترین مسیری است که شترانان و چارواداران (کرایه دهندگان مرکب) [در یک روز] می پیمایند.

دلالت: این روایت برخلاف دو روایت قبل در سندش بحث است. اگرچه عبدالواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری عطار از مشایخ صدوق است و مشایخ صدوق در برخی مبانی رجالی ثقه تلقی می شوند، اما مبنای رجالی مذکور مورد قبول من نیست، در نتیجه روایت نهایتا حسنه محسوب می شود نه معتبره. اما دلالت آن بر مقصود بسیار قوی است و بسیاری اصحاب به آن استشهاد کرده اند. در این روایت به سه مرکب آن زمان که سرعتهای متفاوتی دارند اشاره شده است: گاو؛ فرسخ در روز، اسب بیست فرسخ در روز و شتر و قافله هشت فرسخ در روز. در روایت استدلال شده که چون مرکب غالب در آن دوران شتر و قافله است، سیر آنها ملاک قرار داده شده که متوسط بین مرکب کندرو و مرکب تندرو است. ضمنا هشت فرسخ غایت سیر شترها و قافله ها در یک روز معرفی شده است.

نتیجه روایات: مسیر یک روز بر اساس سیر مرکب غالب در هر زمان محاسبه می شود. در زمان صدور روایات این مرکب شتر و قافله بوده که روزانه هشت فرسخ می پیموده است. اگر فرد سوار بر شتر چابک یا اسب تیزتک هم باشد معیار قصر سیر روزانه قافله شتر است. از جمله أصحاب که به نکات مذکور تصریح کرده اند ابن فهد حلّی در مهذب البارع، صیمری در غایة المرام، شهید ثانی در روض الجنان و شرح لمعة، محقق اردبیلی در مجمع الفائدة، و وحید بهبهانی در مصابیح الظلام هستند.

در دوران جدید مسیر یک روز بر اساس وسیله نقلیه عمومی غالب در هر منطقه محاسبه می شود. وسیله نقلیه ای که اغلب مردم در سفرهای برون شهری از آن استفاده می کنند. این وسیله نقلیه در غالب نقاط جهان اتوبوس یا قطار است. اگر اتوبوس یا قطار دو نوع سریع السیر و عادی دارد، نوع عادی آن که وسیله نقلیه عمومی است مبنا قرار می گیرد. وسیله نقلیه عمومی غالب در ایران تا اطلاع ثانوی اتوبوس است.

ج. سرعت معتدل

مسیر یک روز که با وسیله نقلیه غالب عمومی طی می شود با چه سرعتی محاسبه می گردد؟ شهید اول سفر معتدل را مقتضای روایات و تسهیل دانسته است. ابن فهد حلّی در المهذب البارع و موجز، صیمری در غایة المرام، شهید ثانی در روض الجنان و شرح لمعة، صاحب مدارک، بحرالعلوم، صاحب مفتاح الکرامه، و محقق غروی اصفهانی در کتاب الصلاة به این نکته التفات کرده به آن فتوی داده اند. این سرعت متوسط و معتدل در گذشته سرعت قافله و شتر با بار محسوب می شد. در دوران جدید سرعت متوسط اتوبوس در ایران در حال حاضر حدود ۸۰ کیلومتر در ساعت است.

د. احتساب ساعات متعارف استراحت

در سفر روزانه معمولاً ساعاتی صرف توقف و استراحت می شود. آیا در محاسبه مسافت این ساعات توقف در مسیر یک روز لحاظ می شود؟ پاسخ مثبت است. آقای بروجردی در البدر الزاهر به این نکته اشاره کرده که استراحت اثنای سفر جزء مسیر روزانه محسوب می شود و لازم نیست تمام روز در حال حرکت باشد. مسیر یک روز در دوران قدیم با احتساب این توقفهای متعارف معادل هشت فرسخ می شد. در دوران جدید هم لازم نیست معادل روز معتدل (از طلوع تا غروب خورشید) یعنی دوازده ساعت لایتقطع در حال رانندگی یا طی طریق باشد، بلکه حدود دو ساعت برای استراحت در نظر گرفته و رفت و آمد مجموعاً ده ساعت محاسبه شده است (پنج ساعت رفت). بنابراین در سفر زمینی حداقل مسافت برای تحقق قصر نماز و افطار روزه ۸۰۰ کیلومتر (۴۰۰ کیلومتر رفت) تا اطلاع ثانوی در ایران است.

بحث سوم. تعیین مبدء و منتهای سفر

مسیر یک روز یا مسافت مکانی معادل آن از کجا تا کجا محاسبه می شود؟ از خانه یا از حد ترخص یا از آخر محدوده شهر یا آخر محله؟

اولاً مسئله در هیچ روایتی محل بحث واقع نشده است. ثانیاً تا قبل از علامه حلی اجمالاً و شهید اول تفصیلاً در کتب فقهی مورد بحث قرار نگرفته است. ثالثاً امر دائر مدار صدق عنوان مسافر است، که آیا این عنوان از لحظه اراده شروع سفر در خانه بر فرد صدق می کند یا با چنین اراده ای وقتی از شهر خارج شد؟

علامه در مختلف به علی بن بابویه نسبت داده که فرد از لحظه خروج منزل مسافر است و باید نمازش را شکسته بخواند. اولین فقیهی که به اجمال آخر شهر را مطرح کرده علامه در تذکره، منتهی و نهایتاً است. شهید اول برای نخستین بار مسئله را به تفصیل مورد بحث قرار داد. و از آن به بعد نظر غالب فقها این شد: آخر شهر

در شهرهای معتدل که دیوار آخرین خانه های آن محسوب می شود، و آخر محله در شهرهای بزرگ و اینکه هر یک از این دو کجا اتفاق می افتد داور عرف است.

از جمله منتقدین این قول محقق سبزواری در کفایه و ذخیره است که نوشته بر این امر دلیلی نیافتم و بعید نیست که مبدء تقدیر مبدء سیرش به قصد سفر باشد؛ که معنای آن از منزل است، یعنی همان قول علی بن بابویه. صاحب حدائق هم همانند سبزواری بر این ادعا دلیلی نیافته و بدون اشاره به نام سبزواری از قول او به قیل (گفته شده است) یاد کرده و خودش قولی اختیار نکرده است. فقهای متاخر در ریاض، مفتاح الکرامه، جواهر و غیر آن بحثشان متمرکز در انتهای محله در شهرهای بزرگ است. قول مشهور فعلی در عروه هم همین است. آقا سید ابوالحسن اصفهانی در تقریرات نماز مسافر اولاً حد ترخص را تخصیص حکم مسافر دانسته نه برای بیان موضوع مسافر، ثانیاً تحقق عنوان مسافر را غالباً به خروج از منزل به قصد سفر دانسته نه از دیوارهای شهر، ثالثاً بین شهرهای معتدل و بزرگ از این حیث فرقی قائل نشده است. و در نهایت نتیجه گرفته مدار بر خروج از شهر است نه خروج از محله، آری اگر گفتیم با خروج از خانه عنوان مسافر صدق می کند حکم شهر و محله یکی می شود. البته وی در نهایت بین شهر و منزل یکی را اختیار نکرده است.

آقا سید حسین بروجردی در تقریرات البدرا الزاهر اولاً فرقی بین انواع شهرها قائل نشده، ثانیاً در تمام شهرها و روستاها انتهای شهر یا روستا را مبدء سفر دانسته است. ادله ای که ایشان بر مسئله اقامه کرده به این قرار است:

اولاً عنوان سفر و اقامت متقابل هستند. عنوان مقیم یک شهر بدون لحاظ منزلی خاص به فرد اطلاق می شود. عنوان مسافر عرفاً زمانی صدق می کند که از شهری که مقیم آن بوده خارج شده باشد، یعنی خروج از محدوده و نهایت شهر.

ثانیا در تعیین مسافت شهرها از انتهای محدوده یکی تا ابتدای محدوده دیگری محاسبه می شود، و محله و منزل در این تعیین مسافت نقشی ندارند. همین معنی هم در ذهن اصحاب ائمه مرکوز بوده است. آنها از فاصله شهرشان تا شهر دیگر می پرسیدند بدون لحاظ اینکه منزل یا محله شان کجاست. به عنوان نمونه احادیث ابی ولاد (ب ه ح)، عبدالرحمن بن حجاج (ب ۱۴ ح)، از امام صادق و مرسله صفوان از امام رضا (ب ۴ ح). ردعی از جانب ائمه در این مورد نرسیده، بلکه از این عدم ردع صحت محاسبه بین شهر مبدء و مقصد استفاده می شود. به عنوان نمونه روایة زرارة و محمد بن مسلم عن أبي جعفر (ع)، حیث قال: وقد سافر رسول الله (ص) إلى ذي حُشب، وهي مسيرة يوم من المدينة، يكون إليها بریدان: أربعة وعشرون ميلا، فقصر وأفطر. (ب ۱ ح) پیامبر (ص) به ذی حُشب سفر کرد که مسیری یک روز با مدینه فاصله داشت، دو برید یا ۴۴ میل، پس نمازش را شکسته خواند و روزه اش را افطار کرد.

ثالثا تحدید مسافت در روایات با الفاظ برید، فرسخ و میل آمده است. واضح است که نصب میل و سنگ علامت فرسخ و نیز اعتبار برید [چاپارخانه] بر اساس مسافت بین شهرها صورت می گرفته، و معلوم است که ارتکاز عرفی از این الفاظ احاله به تعیین مسافت با سه میزان مذکور بوده که توسط سلاطین در جاده ها نصب می شده است.

در نهایت اعتبار در تحدید مسافت به نهایت شهر است نه به منزل و نه به حد ترخص و از این حیث بین بلاد کبیره و غیر آن فرقی نیست و در این امر محله در شهرهای بزرگ فاقد اعتبار است. (پایان نقل قول)

تبیین فوق موجه است. در دوران جدید مبدء سفر پایان محدوده شهر یا روستا است که توسط شهرداری ها یا دهرداری ها با تابلو علامت گذاری شده است. تسهیل کار عباد که غالب اصحاب به آن تمسک کرده اند و نیز معنون نبودن مسئله در روایات و هفت قرن نخست بین فقها باعث می شود از اقوالی از قبیل حد ترخص یا آخرین

دیوارهای شهر به عنوان مصداق مبدء سفر اجتناب شود. بر همین منوال مقصد هم منزلی که قرار است در آن اقامت شود نیست، ورود به محدوده شهر یا روستای جدید است.

بحث چهارم. تحقق مسافت شرعی با ملاک کوتاه‌هر و زودتر

آیا ده ساعت سفر (ملاک زمانی: مسیر یک روز) و ۸۰ کیلومتر (ملاک مکانی آن) در سفر زمینی باید هر دو محقق شوند تا نماز شکسته و إفتار روزه مجاز باشد؟ یا تحقق یکی از آنها کافی است؟ از این دو ملاک، ملاک زمانی اصلی و ملاک مکانی اماره و نشانه آن است. هر یک از این دو تحقق یابد فرد شرعا مسافر محسوب می شود. حتی اگر سفر با خودروی شخصی با سرعتی بالاتر از سرعت متوسط (۸۰ کیلومتر در ساعت) صورت بگیرد و در نتیجه مسافت ۴۰ کیلومتر (سفر رفت) در کمتر از پنج ساعت صورت بگیرد حداقل مسافت محقق شده و فرد شرعا مسافر محسوب می شود.

در مقابل اگر به دلیل ترافیک متعارف یا وضعیت جوی در جاده ای سرعت وسیله نقلیه کمتر از سرعت متوسط (۸۰ کیلومتر) بوده و در نتیجه هنوز ۴۰ کیلومتر طی نشده، با گذشت پنج ساعت فرد مسافر محسوب می شود. به زبان ساده هر یک از دو ملاک زودتر اتفاق بیفتد کافی است چه طی حداقل مسافت مکانی (۴۰ کیلومتر رفت در ایران معاصر و مناطق مشابه آن) یا گذشت حداقل زمانی (پنج ساعت رفت در همه جا).

تبیین فوق راه حلی فقهی معتبر و مسبوق به سابقه است. محقق اردبیلی در مجمع الفائدة والبرهان نوشته است بر فرض عدم تساوی دو ملاک (زمانی و مکانی مسافت شرعی) تحقق یکی از آنها کافی است، اگرچه دیگری هنوز محقق نشده باشد، در این صورت ملاک حقیقی ملاک کمتر (آن که زودتر تحقق پیدا کرده است) می باشد.

بحث پنجم. مسافت شرعی در سفرهای دریایی



آیا در سفرهای آبی ملاک سفر شرعی با مسافت سفر زمینی تعیین می شود یا مستقلاً با مسیر یک روز؟ مسئله در دو مقام قابل بررسی است، یکی دوران قدیم تا یک قرن قبل و دیگری در قرن اخیر. در دوران قدیم اولاً سفرهای آبی هنوز به روال سابق بادبانی یا پارویی بوده و هنوز نیروی بخار یا دیزل در سفرهای آبی رایج در این منطقه رایج نبوده است. لذا طبیعی است که در دوران نخست سفرهای خاکی و آبی با یک ملاک سنجیده شود و هر دو بر اساس مسیر یک روز که منطبق بر هشت فرسخ بوده تعیین مسافت شرعی شوند.

به عنوان نمونه علامه حلی در تذکره: دریا مانند خشکی است. اگر در دریا به اندازه مسافت [هشت فرسخ] سفر کرد، قصر بر او واجب است، حتی اگر این مسافت در یک ساعت صورت گرفته باشد، زیرا اعتبار به مسافت است نه به زمان. در منتهی هم افزوده است: در این امر اختلافی نمی بینم. خود او در مختلف فتوای ابن جنید را نقل کرده که برای مسافر کشتی مسیر یک روز را معتبر دانسته بود. بعد از علامه نوعاً رای او در منتهی عینا بین

أصحاب تکرار شده است. صاحب جواهر کوشیده رای علامه را مستدل کند، لذا نوشته به دلیل اطلاق نصوص و فتاوا. البته فقهای که در سفر زمینی به قول اول قائل بوده اند کاملاً طبیعی است که در سفر آبی هم بر اساس همان مبنا مسافت هشت فرسخ را معتبر بدانند.

اما برخی فقهای قائل به قول دوم در سفر زمینی (تخیر بین دو مبنای مسیر یک روز و هشت فرسخ) در سفر آبی مبنای خود را نادیده گرفته همانند قول اول فتوا داده اند. ابن فهد حلی در المذهب البارع نوشته است: دریا مانند خشکی است، با رسیدن به مسافت نماز قصر می شود حتی اگر مسافت [هشت فرسخ] را در یک ساعت بپیماید. صیمری در غایة المرام هم مانند او فتوا داده است. صاحب مدارک بر نظر ابن فهد افزوده است: زیرا بلوغ مسافت به ذراع [یعنی مسافت تقدیری مکانی] در وجوب قصر کافی است. او نیز عدم خلاف منتهی را نقل کرده است. محقق سبزواری در ذخیره نیز سخنان مدارک را عیناً تکرار کرده است.

البته فتوای این چهار فقیه می تواند با مبنایشان در سفر زمینی سازگار باشد با این توجیه که حتی در سفر زمینی هم هر یک از دو مبنا زودتر محقق شود فرد مسافر محسوب می شود، چون در قایقها یا کشتی ها در زمان وزش باد موافق و دریای آرام یا پاروزنهای ورزیده هشت فرسخ بسیار زودتر از مسیر یک روز محقق می شده فقهای یادشده به این شق اشاره کرده اند. شق دوم که اشاره نکرده اند (والبته نفی هم نکرده اند) این است که اگر گذشت یک روز زودتر از طی شدن هشت فرسخ صورت گرفت باز این افراد مسافر محسوب می شوند.

با این که من فتوایی از قائلان قول سوم درباره سفر دریایی پیدا نکردم علی القاعده فتوایشان باید چنین باشد: در سفر دریایی همانند سفر زمینی ملاک مسیر یک روز است که هشت فرسخ اماره و نشانه آن است. هرکدام محقق شود فرد مسافر محسوب می شود. با توجه به اینکه در دوران گذشته کشتی ها و قایقها پارویی و بادبانی بوده اند سرعت آنها تفاوت چندانی با سرعت حیوانات نداشته، قایقهای تندرو شبیه اسبهای تیز تک یا شترهای

چابک بوده اند و کشتهای سنگین شبیه قافله های شتر، لذا اقوال سه گانه فایده عملی نداشته اند چرا که مسافت یک روز و هشت فرسخ متقارب بوده اند.

واحد سرعت حمل و نقل آبی «گره دریایی» است. هر گره دریایی معادل ۱۸۵۲ متر است. سرعت متوسط کشتی های قدیم چهار گره دریایی در ساعت بوده است (۷۴۰۸ متر). مسیر یک روز (۱۰ ساعت) حدود ۷۰ کیلومتر بوده است. در دوران جدید متوسط سرعت کشتی های مسافربری ۲۰ گره دریایی (حدود ۳۷ کیلومتر) در ساعت است. مسیر یک روز آن (به ازای ده ساعت) حدود ۳۷۰ کیلومتر است. پیمودن ۱۸۵ کیلومتر یا پنج ساعت سفر رفت فرد را مسافر می کند، هرکدام زودتر اتفاق افتاد.

من برخلاف فقهای دوران گذشته مسافت مکانی سفر زمینی و آبی را یکسان نمی دانم، اگرچه مسیر یک روز ملاک عام همه سفرها برای شکسته شدن نماز و افطار روزه است. دلیل مسئله اطلاق ادله مسیر یک روز است که اعم از سفر زمینی و آبی است. بنابراین مسافت مکانی در سفر آبی از سفر زمینی کوتاه تر است.

بحث ششم. مسافت شرعی در سفرهای هوایی



در سفرهای هوایی ملاک مسافت شرعی چیست؟ آیا معادل مسافت زمینی (۸۰۰ کیلومتر فعلی) محاسبه می شود یا مسیر یک روز در آن ملاک است و مسافت بر اساس آن مستقیماً تعیین می شود؟

واحد سرعت در سفرهای هوایی گره (knot) است. هر گره دقیقاً معادل ۱۸۵۲ متر است. سرعت هواپیمای مسافربری در حال حاضر ۴۰۰ تا ۵۰۰ گره معادل ۷۴۰ تا ۹۳۰ کیلومتر در ساعت است. اگر این سرعت متوسط را ۸۰۰ کیلومتر در ساعت فرض کنیم، مسیر یک روز با احتساب ساعات حضور الزامی قبلی در فرودگاه و سفر به فرودگاه هشت ساعت پرواز (رفت و برگشت) است. چهار ساعت رفت معادل ۳۲۰۰ کیلومتر است. هرکدام از این دو (مسافت زمانی: ۴ ساعت، مسافت مکانی: ۳۲۰۰ کیلومتر) زودتر اتفاق افتاد فرد مسافر شده است.

بنابراین اگر با سفر هوایی به شهری مسافرت کند که کمتر از چهار ساعت فاصله هوایی دارد فرد مسافر نیست، حال آن که اگر با وسیله نقلیه زمینی به همان شهر سفر کند مسافر است. برای رفع استغراب به فتوای رایج فقها در العروة الوثقی توجه کنید: اگر شهری دو مسیر دارد که یکی کمتر از مسافت شرعی و دیگری بیش از آن است، هر راهی انتخاب شود باید مطابق همان راه عمل شود.

بنا بر تحقیق محقق سبزواری در ذخیره اگر از راه طولانی تر به قصدی غیر از ترخص (شکستن نماز و افطار روزه) آمده بالا جماع مسافر است، نمازش قصر و روزه اش را باید افطار کند، و اگر به چنین قصدی راه طولانی تر را انتخاب کرده باز مسافر است به رای مشهور. از جمله شاخص ترین قائلان رای مشهور محقق حلی در شرایع و از قائلین رای غیر مشهور ابن براج است که اگر با چنین قصدی راه طولانی تر را انتخاب کرده باید نماز را تمام و روزه را بگیرد؛ و اگر از راه کوتاه تر آمده بالا جماع مسافر نیست و باید نمازش را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.

شیخ جعفر کاشف الغطاء نیز فتوا داده است: اگر شهری دور راه دارد، هر دو از طریق خشکی، یا هر دو آبی، یا مختلف (یکی خشکی و راه دیگر آبی) طول یکی از دوراه به حد مسافت می رسد و دیگری کمتر از مسافت است، در هر راهی آمده مطابق آن عمل می کند (از یک راه مسافر می شود و از راه دیگر مسافر نیست). دقیقاً بر همین منوال می توان گفت مقصدهایی که راه زمینی و هوایی دارند، و طول راه زمینی بیش از مسافت و از راه هوایی کمتر از آن است، مسافر زمینی شرعاً مسافر است، اما مسافر هوایی حد مسافت شرعی را محقق نکرده و باید نمازش را تمام بخواند و روزه بگیرد.

البته جای این مناقشه هست که گفته شود در کلیه سفرهای زمینی، دریایی و هوایی ملاک مسافت در سفر زمینی است نه اینکه مسافت سفر هوایی و دریایی علی حده محاسبه شود. یعنی در دوران جدید در هر سفری حتی هوایی به مجرد طی طریق ۴۰۰ کیلومتر سفر رفت فرد مسافر محسوب شود. هرچند چنین مسافتی توسط هواپیما در کمتر از نیم ساعت طی می شود! در پاسخ مناقشه می توان گفت: در چنین سفرهایی چه مشقتی است تا به گفته علامه حلی در تذکره «قد شغل یومه بالسفر، فحصلت المشقة المبیحة للقصر» (روزش را سفر گرفته و پس مشقت مجوز قصر حاصل شده) شامل حالش شود. ملاک سفر شرعی اشتغال روز به سفر، مسیر یک روز و مسافت معادل آنهاست نه مسافت منتزع بدون تحقق چنین ملاکهای جامعی. علامه در منتهی مشقت را مقید به شغل یوم (اینکه سفر روزش را اشغال کند) ملاک قصر دانسته نه مستقلاً، و حق همین است چرا که مشقت فی حد نفسه منضبط نیست تا ملاک حکم قرار گیرد. (مشقت مجزای از شغل یوم حکمت حکم است نه علت آن)

نتیجه: قصر نماز متوقف بر اشتغال یک روز به سفر، پیمودن مسیر یک روز و طی مسافت معادل آن در هر یک از سفرهای زمینی، دریایی و هوایی است. با مسافت قافله شتر نمی توان مسیر یک روز سفر با اتوبوس را تعیین کرد، بر همین منوال با مسافت اتوبوس نمی توان مسیر یک روز هواپیما را تعیین کرد، هر کدام بر حسب خودش.

در هر سه مورد سفر غالب عمومی ملاک است. سفر غالب عمومی زمینی ملاک سفر دریایی و هوایی نیست و برعکس. در سفر زمینی غلبه با اتوبوس است. در سفر دریایی با قایق، بلم، لنج و کشتی مسافربری عمومی عادی است نه قایق و کشتی سریع السیر. در سفر هوایی هم سفر با هواپیماهای عمومی عادی است نه جت‌های سریع. این غلبه در هر زمان و منطقه جداگانه سنجیده می‌شود.

الحمد لله

۲۲ تیر ۱۳۹۸



۲. نماز و روزه مسافر: رخصت یا عزیمت؟ (بحث استدلالی)

آیا در سفر شرعی نماز را شکسته خواندن و روزه نگرفتن الزامی است (عزیمت)، یا اختیاری است یعنی می تواند روزه بگیرد یا نگیرد، نماز را شکسته یا تمام بخواند (رخصت)؟ بین شیعه و سنی اختلاف است.

الف. مروری بر آراء مذاهب اسلامی در باب رخصت و عزیمت قصر نماز و روزه مسافر

۱. اهل سنت بین قصر نماز و افطار روزه تلازم قائل نیستند.

۲. از مذاهب اهل سنت تنها حنفیه قصر نماز را در نماز عزیمت می دانند، قول مشهور راجح در مالکیه قصر

نماز را سنت مؤکد می شمارد. شافعیه و حنبلیه قائل به رخصت هستند یعنی مسافر مخیر بین قصر و تمام است. نزد حنابله و مشهور شافعیه قصر نماز بر تمام افضل است.

۳. روزه در سفر در همه مذاهب اهل سنت فی الجمله مجاز است. حنفیه و شافعیه به شرط عدم ضرر روزه

مسافر را افضل می دانند. مالکیه و حنبلیه روزه نگرفتن را در سفر سنت دانسته و قائل به کراهت روزه در سفر هستند حتی اگر مشقت نداشته باشد.

۴. فقهای شیعه بالاتفاق در غیر اماکن اربعه بین قصر نماز و لزوم افطار روزه تلازم قائل هستند.
۵. به اجماع فقهای شیعه در سفر قصر نماز و افطار روزه عزیمت (واجب) است نه رخصت (اختیاری). روزه (رمضان اداءً و قضاءً) در سفر مجاز نیست ولو بدون مشقت.
۶. در اماکن اربعه برای مسافر قصر نماز رخصت است، اما عدم روزه عزیمت.

ب. تحلیل ادله

یک. آیه ۱۰۱ سوره نساء (مستند نماز خوف) نمی تواند مستند قصر نماز مسافر باشد (چه برسد به رخصت یا عزیمت)، آیات ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره بقره نیز بدون روایات حداقل إشعار به رخصت در روزه در سفر دارد «فمن تطوع خیر فهو خیر له وأن تصوموا خیر لکم» و «یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر».

دو. عمده دلیل باب روایات است. روایات اهل سنت منقول از پیامبر در مورد روزه ظاهر در رخصت است و در مورد قصر نماز متمایل به عزیمت است و فقیهان اهل سنت مردد بین وجوب و استحباب موکد قصر نماز مسافر شده اند.

سه. روایات شیعی منقول از پیامبر که بسیار معدود است بر دو دسته است، دسته اول عزیمت و دسته دوم ظاهر در رخصت. از جمله روایات دسته دوم قال رسول الله (ص): «خيار أمتي الذين إذا سافروا أفطروا وقصروا. أمثال این روایت با رخصت سازگارترند تا با عزیمت.

چهار. شیخ طوسی در امالی عن سويد بن غفلة، عن علي وأبي بكر وعمر وابن عباس أنهم قالوا: إذا سافرت في رمضان فصم إن شئت. که نص در رخصت است.

پنج. اما روایات بسیار زیادی از ائمه خصوصاً امام صادق (ع) از جمله روایات متعددی با سند معتبر نقل شده که نص در عزیمت و عدم جواز روزه رمضان اعم از ادا و قضا در سفر است.

شش. با توجه به اینکه فهم دو صحابه تراز اول باقرین (ع) یعنی زراره و محمد بن مسلم از آیات رخصت بوده که توسط امام صادق (ع) تصحیح می شود (صحیح منقول در من لایحضر) این ظن را تقویت می کند که از زمان امام صادق (ع) قول به عزیمت خصوصا در عدم جواز روزه مسافر به عنوان یکی از نشانه های هویتی تشیع مطرح شده است. به نظر ایشان البته عزیمت تشریح پیامبر و حتی خداوند بوده است. واضح است که نظر ائمه مذاهب اهل سنت از سنت پیامبر و کتاب خدا در روزه رخصت بوده است.

روي الصدوق عن زرارة و محمد بن مسلم أنهما قالَا: قلنا لابي جعفر (ع): ما تقول في الصلاة في السفر؟ كيف هي وكم هي؟ فقال: "ان الله عزوجل يقول: (و اذا ضربتم في الارض فليس عليكم جناح أن تقصروا من الصلاة) [نساء ۱۰۱]، فصار التقصير في السفر واجبا كوجوب التمام في الحضر." قالَا: قلنا: انما قال الله عزوجل: (فليس عليكم جناح)، و لم يقل: "افعلوا"، فكيف أوجب ذلك كما أوجب التمام في الحضر؟ فقال (ع): "أو ليس قد قال الله عز و جل في الصفا و المروة: (فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه أن يطوف بهما) [بقره ۱۵۸]؟ ألا ترون أن الطواف بهما واجب مفروض لان الله عز و جل ذكره في كتابه و صنعه نبيه (ص)، و كذلك التقصير في السفر شيء صنعه النبي (ص) و ذكر الله في كتابه (الي أن قال:): و قد سافر رسول الله (ص) الي ذي خشب، و هي مسيرة يوم من المدينة يكون اليها بريدان: أربعة و عشرون ميلا، فقصر و أفطر فصارت سنة....".

(وسائل ج ۸ ص ۵۱۷، أبواب صلاة المسافر، ب ۲۲، ح ۲، عن الفقيه ج ۱ ص ۳۴۳)

زراره و محمد بن مسلم از امام باقر (ع) پرسیدند در نماز قصر چه می گوئید؟ کیفیت و کمیت آن چیست؟ امام آیه ۱۰۱ سوره ی نساء را تلاوت کرد و توضیح داد: نماز شکسته در سفر واجب است، آن چنان که نماز تمام در غیر سفر واجب است. زراره و محمد بن مسلم اشکال کردند: خداوند فرمود «گناهی بر شما نیست» و نفرمود: «الزاما انجام دهید» پس چگونه [این آیه] نماز قصر را [در سفر] همانند نماز تمام در غیر سفر واجب

کرده است؟ امام فرمود: آیا خداوند در آیهی ۱۵۸ بقره سعی بین صفا و مروه را با همین تعبیر «فلا جناح ان يطوف بهما» واجب مفروض نکرده است؟ خدای عز و جل در کتابش ذکر کرده و پیامبر (ص) آن را [تشریح] کرده است. نماز قصر در سفر هم به همین منوال چیزی است که پیامبر [تشریح] کرده و خداوند در کتابش ذکر کرده است. سپس اضافه کرد: پیامبر از مدینه به ذی خشب سفر کرد، مسافت این دو منطقه از هم مسیر یک روز مسافت بود: دو برید، ۴۴ میل [هشت فرسخ] پیامبر نمازش را قصر و روزه اش را فطار کرد، و این سنت شد. هفت. فقهای شیعه با توجه به فهم امام صادق از کتاب خدا و سنت رسول الله بالاتفاق (و بدون مخالف) به عزیمت قصر نماز مسافر و عدم جواز روزه وی فتوی داده اند.

نتیجه: اقوی عزیمت قصر نماز مسافر، و احوط وجوبی عدم جواز روزه ماه رمضان در سفر اداءً و قضاءً

است. والله عالم. (ویرایش اول: ۹ بهمن ۱۳۹۲، ویرایش دوم: ۱ مرداد ۱۳۹۳)

۳. چند مسئله مختصر

وطن شرعی

وطن جایی است که انسان یا قصد اقامت دائم دارد (چه در آنجا متولد شده باشد یا نه)، یا بدون چنین قصدی سالها اقامت کند به نحوی که عرفا اهل محل محسوب شود، و عرفا به او مسافر نگویند. وطن ممکن است واحد یا بیشتر باشد. در وطن نماز را باید تمام خواند. (۱۶ تیر ۱۳۹۳)

اقامت ده روزه

مسافری که قصد دارد ده روز یا بیشتر در محل بماند باید نماز را تمام بخواند. مراد از محل شهر و اطراف آن است. خروج از محل به میزان چند ساعت (کمتر از ده ساعت رفت و برگشت، شعاع چهارصد کیلومتری در سفر زمینی و معادل آن در سفرهای دریایی و هوایی) به شرطی که در همان روز به محل اول بازگردد محل قصد اقامت نیست. (۲۵ خرداد ۱۳۹۸)

کثیرالسفر

کثیرالسفر امری عرفی است. فردی که در هر ده روز بیش از مسافت شرعی را طی می کند و حداقل سه ماه این سفرها تکرار شده کثیرالسفر محسوب می شود، چنین فردی در سفر نمازش تمام و روزه اش صحیح خواهد بود. ماموریت کارمند در صورتی که به شکل فوق تکرار شود، از مصادیق کثیرالسفر است. (۳ خرداد ۱۳۹۲)

نماز در هواپیما و فرودگاه

در سفرهای هوایی گاهی مسافر چند پرواز پشت سر هم دارد تا به مقصد برسد. فاصله این پروازها صرف یافتن ایستگاه مربوط هر پرواز می شود و وقت کافی برای نماز نیست، به علاوه در برخی فرودگاههای بین المللی محلی برای نماز هم پیش بینی نشده است. دلهره عقب ماندن از پرواز هم عملاً مانع حضور قلب است. اگر مسافر نماز این گونه اوقات را که عملاً قادر به انجام آن در زمان مقرر با حداقل شرائط معنوی نماز نیست در نخستین فرصت رسیده به مقصد ادا کند، معصیتی مرتکب نشده است. (۲۷ مرداد ۱۳۹۲)

در سفرهای هوایی طولانی که امکان وضو (و تیمم) برای مسافر نیست (یا مشقت دارد)، فضای کافی و مستقر هم برای نماز وی وجود ندارد، رعایت قبله هم میسر نیست، در اوقات نماز به احتیاط مستحب از ذکر خداوند غافل نشود. در زمان استقرار قضای چنین نمازی واجب است، و معصیتی مرتکب نشده است. (۲۵ خرداد ۱۳۹۸)



[https://kadivar.com/13740/
kadivar.mohsen59@gmail.com](https://kadivar.com/13740/kadivar.mohsen59@gmail.com)

تمام حقوق محفوظ است.
نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.